

آنکه خود بپایه قابضات یعنی او و یک طبیعت را بدیند و از خود بر پنج بلوط جسد بالایی از رنگ خمشا به سر
 تمام گل جز سر و دم الاغین از زهر و ساق طباشیر طین مخموم حدس گرا کنند که واکا درین مصلکلی مورد نیازند
 نشانستنی خود و رقیق از زخم حلالات یعنی نادر و یک غلظت و ملاطبت بخیل سیرد لکلیل المملک الشقیق اذخ
 اسار و اقوان ریشادشان بآوند بر جاست باطلای و نه تر منس جده و آوند شیرینا خزر تره خفگی خرق ردها رنگ
 زرق زرد و بند سوسن جمع قلم فارغانه که داریوس گماده که لارن تمام مرز خویش منفعیات یعنی او و یک او را دم
 و صلابت ابار الفیج و هند کلیل المملک ایرسا انجیر بزرگ قطعی و عقران قمنغ کلم کرب لادن بریتیه سوم مردار رنگ
 سفیات یعنی او و یک کرم و دج را بشکند و تحلیل برد انیسون آیتون بسا سچینکشت تخم که حاد شیر ملای دار لفل
 زرد و تحلیل نذر آوند زرد بآوند سیاب حده معتبر لفل فردا که کند در کرس ناخواه مقویات دماغ آنج الفیضان ملا در
 بدقیق بالنگ و بهاریه و سبب بکار آورد و دماغ حیوانات روغن بهر زنجبیل حدیث سبب شربت نانچ خود خمر
 مالیه در کسل کند و گسترش تخم در تخم دجاج تخم در آج لبن صان مار لاور و مشک کسین یا تخمین بقویات دل
 و مغزات آن بآوند و آنرا شیرین اسطوخودوس از ترنج ابرشیم آتکه بهشتین بسنج تخم ریاس بهد با بنگو
 با درج تر مندی جده و اداری یعنی در پنج زرد بآوند عقران سبب سوسن سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
 طین مخموم خود و سبب زخم شک خا و آتکه که با کافور کا و زردا کشته می شک گسترش لولو لاور و دم و تمام تلخ
 مار مشک قلع آنج رقیق و زرق و رقیق زرد بلیله با قوت بقویات کسین یعنی جگر آتکه افکار لطیف تمام از حاد و سبب
 داری صنی غافش قر قفل قاتله گسترش قرقه کثوت مصلکلی نادرین بقویات سنده آتکه از پوست ترنج قلیا با بنگو
 جوز بود از چینی زرد بآوند سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
 نشانستنی سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
 حلیت خلجان خصیة انتقلب یعنی زرد بآوند کلیل سید جان مستقر شفا قلی شیرینش فندقی قرقه سبب سبب سبب
 کفتر شیر لوبیا سفید دماغ کفتر شک بره و نذر آوند سفید جوز مغز نازیل تخم و لیون سبب سبب سبب سبب سبب
 که در دمار اسکن کند انیسون استیلاج پیچ بلوط بروج تورگ سفید تخم مرغ صمغ عربی کثیر افشاسته سبب سبب
 یعنی وادایکده و بایر سار و اعداد را انخوان اهلک که تمام دمع آن شفا قلی شربت شاه سبب سبب سبب سبب
 قاتل و دیکلک لطن و اذان یعنی او و یک که کشته که سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب سبب
 و نفث الدم و اسهال الدم یعنی وادایکده صمغ غن یعنی دوان و خون ارمال کند افند یا و روج بلوط سبب سبب

بزرگترین سخن کل جز سر و جفت دم الاوین ریخته زرشک زیره شادونه قنطاریون گل ارمنی کشمش کبریا کاهو
 کافور شکر گلکار لسان اسکل مشکلی از دندنج نشانه مقرحات یعنی اودیه که عضو رایش کند و سوراخ قریل آب گشت
 حرف و زایح ران زریخ زراج سدایه پنباده مابون زبون قسط لقطار سبز کبرن جوح و طایعات قروح یعنی ادره
 که فراخم اردر جراحات را اشد از زروت اسرخ ایر سادم الاوین زرد اوند زرد قمبر قمرخ آلو طین قنوم عمل گفتار
 لسان الحکل ورق بلوط جلیبات اوساخ قروح یعنی اودیه که پاک سازنده چرک و جراحات است اهل الکامه آیرا
 حب لبان ترنج زفت مثل نمک اکال گوشت زانده قروح یعنی خورنده و برنده زیاد و کم است جراحات
 از زروت ایشان تو بال مس زنگار معدن سوخته مردار بدنگ یا بسات قروح یعنی اودیه که خشک سازد
 جراحات را از زروت آشفته خرمای سوخته آهک شسته قوتیا مقبر معدن سوخته اودیه فغصع اللسان یعنی دوی
 قلع گوشت زانده یعنی غلده که در زیر زبان بجم سدور گمای زیر زبان را سبز گرداند پوست انار زنگار زکاک و
 با سبیده پیینه مرغ شسته سورتجان و سرکه نمک و نوشادر و معتبر و پیینه آبی و سیتب بریان کرده آب آبی
 ترش آب سیب کوهی اقراض الطین اقراض الکنند اقراض مور و اقراض راس اقراض بوی جاکرمان شتر زنجیر
 مسدل گلاب هم مورد و گلاب الله اعلم فائده چهارم در بیان مختار و شربت و مصلح و بدل اودیه و علایم آن
 مختار عبارت از اجناس هر دو است که هواره در هر از شربل اجاست معرا و از شربت تین مقدار خردن هر دو
 و احتمال آن و آن موقوف است به نیتن اوزان چند شهوره مثلا مطابق ساله اوزان میر محمد و من استرادی شلجیه
 بگویند تسود و جوینا قیر اطحار و جوینا که بغاری سرخ و بندنی ساقی گویند تسود جوینا که عبارت از شربت بیخ باشد
 ماشه شربت قنول و زده ماشه مالک چهار ماشه دانگ وانی چهار سرخ و سد سرخ و در هر دو سه شلوک شربت
 چهار ساد و نیم سرخ و شاد و سریشای یکیم توکه در دوها اوقیه و قنیه نیم شغال رطل بخور اوی نوزده سریشای یکیم
 چهل شاد و نیم سرخ و در دوها اوقیه و قنیه نیم شغال رطل بخور اوی نوزده سریشای یکیم
 کلی در بدل آنست که اگر دوی یافته نشود بدل فخراد بوزن آن پنج دس بود و بدل ورق و دانه نزن آن نیم او
 باشد پس از مختار و از شربت شش و از مصلح و از بدل لثت نمود و پیچیده و در کافور و اودیه بدانکه اسامی اودیه را
 بترتیب ابیات شبعان است بعلامت ترقیم که از آن حرف نخستین را دست و تثنیق که اشارت بحرف ثانی که
 متعسل به نخستین است و تثنیق که ایما از حرف اخیر کلمه است مرتسم که دانیده عبارات کشش را
 با اشارات فلیس زبهن کشته مسافت دور و از را بر جویند گان و سالکان این را کو تا دست

بیان اوزان که در این کتاب مذکور است
 در این کتاب از اوزان و مقادیر و نیتن و بدل و مختار و شربت و مصلح و بدل و علایم آن
 و احتمال آن و آن موقوف است به نیتن اوزان چند شهوره مثلا مطابق ساله اوزان میر محمد و من استرادی شلجیه
 بگویند تسود و جوینا قیر اطحار و جوینا که بغاری سرخ و بندنی ساقی گویند تسود جوینا که عبارت از شربت بیخ باشد
 ماشه شربت قنول و زده ماشه مالک چهار ماشه دانگ وانی چهار سرخ و سد سرخ و در هر دو سه شلوک شربت
 چهار ساد و نیم سرخ و شاد و سریشای یکیم توکه در دوها اوقیه و قنیه نیم شغال رطل بخور اوی نوزده سریشای یکیم
 چهل شاد و نیم سرخ و در دوها اوقیه و قنیه نیم شغال رطل بخور اوی نوزده سریشای یکیم

تروم القهقهه تنسيق الالف وتنسيق السين المهملة
 الالف تنسيق - وتنسيق السمرى و بربرى الالف تنسيق
 سکون را در جمله و کسر تنسيق بجز و سکون تنسيق برین جمله
 سبوف تنسيق ز ر شک ط ح ای ۲-

تنسيق اللام

آ ا طر لال یونانی تنسيق بجز اول و ثانی و کسر طر مملو
 سکون تنسيق و لام اول و الف و لام ثانی و قبول علامه
 قلب العين شيرازى بروزن انضلال دور و دیگر بروزن
 فاعل م آ ن و در جزایا طین و در شام ر جل الغراب
 گویند ف تحم طلال خلیل گویند کاجنگی و سقی همین است
 ط ح اسه م فخر حکما تحم و سست -

تنسيق النون

آ المین - بروزن فاعلن ف سبند سو تنسيق -
 تنسيق الباء الموحده و تنسيق الالف
 ابر کاکیا تنسيق بجز و سکون را مملو کاف و الف و ک
 کاف ثانی و ثانی و الف ثانی و بعضی ماخیز موده نیز می آند
 شج المسکوت و شیرازى گویند که و تنیده حکایت حرکتی
 جالادى سببن اللام ر ح ف مرغابی -

ابو خلسا - یونانی تنسيق اول و ضم موده و سکون و ا و فخر مامه
 و سکون لام سین جمله و الف تنسيق کارد و بجز و ط ح
 ی س خسیاه و بیار و رق مطبر تنسيق شش تا و دم فم و ط
 صداس آ و مصلح آن رغن بنفشه و بدل آن لاجد و جهر
 یا یک نیم وزن آن ماشاد و دوانگ آن تخم توبه

لح فاعلن ف سبند سو تنسيق -
 تنسيق الباء الموحده و تنسيق الالف
 ابر کاکیا تنسيق بجز و سکون را مملو کاف و الف و ک
 کاف ثانی و ثانی و الف ثانی و بعضی ماخیز موده نیز می آند
 شج المسکوت و شیرازى گویند که و تنیده حکایت حرکتی
 جالادى سببن اللام ر ح ف مرغابی -
 ابو خلسا - یونانی تنسيق اول و ضم موده و سکون و ا و فخر مامه
 و سکون لام سین جمله و الف تنسيق کارد و بجز و ط ح
 ی س خسیاه و بیار و رق مطبر تنسيق شش تا و دم فم و ط
 صداس آ و مصلح آن رغن بنفشه و بدل آن لاجد و جهر
 یا یک نیم وزن آن ماشاد و دوانگ آن تخم توبه

و اما در کسر هم وقع تحتانی ثانوی و کوا و ابرایمی نیز گویند
ف اسیت مانند زو و باج ط مع -

در مطلق عالمی اوستا خ قروح خ سیاخ و زهر سپهر و قروح و گویند
سرخ ز زمین ش اند و درم تا سه درم و گویند شغال ص
عولج با قوچان یا جاما یا نیر بار کسل بولسا و با بوزن آن
سیله و گویند وزن دار صنی گویند بوزن او سه و شش درم یک پنجم

انجمنه فترشی نامان است که آید آفتاب بگه برارنده گنج
آبگینه رخ بر افلاک و سکن نامی در سکن ناری و سکن
عثمانی درخشان و در مختص فخر شیشه و کاغذ -

تتمتع

ابن حبه - مع بكسر الهمزة وسكون التاني ومن ثلثي مائة
مكة الموحدة سنة ١٢٠٠ هـ

البرسم مع نفع اول يسكن ثلثي كسر الحما وسكن ثلثاني
ثاني يسكن اربع وسكن اربع عشر يسكن معمرات طبع

٧١	تمهيد التتائي	٧٢
----	---------------	----

جہاں کوینچی اوگوینچ لائوئی مسفرج بل احمد ورن

ابن آدمی مع یکسہ ہمزہ و سکون ثانی و سکون و ہمزہ
و الف و او و الف مقصورہ و ف شغال۔

و بمقتضی خراج سرفراز شد و در آنجا یکدیگر را می بیند و آن را به سرفراز
الیزا می رساند و در وقت عزرا او دوستی اکثری -

آبی فیرا اول و کسریانی و کون تسمانی و سمنی

	تتميق النون	
--	-------------	--

ایسی دوا نام نوی از انگو ط شیرین آن مع حب را ایش
انای تاسی در دم غسل و اینسون -

آپرون بنیادوں پر بیٹھ کر سکون نمانی و چشم تار مہلکہ و
سکون وادہ و توفیق در علم و عالمہ۔

تنسيق السورة فارسي وتنسيق اللام

ابگولن فیسا براندل و سکون شانی دریم کاف فارسی

بیل - قبا یلیخ اولی و سومره فارسی و سکون لام ع

و سکون داد و خون من نشاسته و گیسون کا بیه

لما ثبت طبى ٤٢ ما بينه من قوى لم يدعه من
رباب ربه شكره ما دود ورم لثمت وزن ان عظمه دود

آب و ف بہر اعلیٰ و ضم ثانی و سکون و او م کل نیکی و فر

ان وطم وشفقت منان آن قشربین محرفی استیز بود۔

١٠	١١	١٢	١٣	١٤	١٥	١٦	١٧	١٨	١٩	٢٠	٢١	٢٢	٢٣	٢٤	٢٥	٢٦	٢٧	٢٨	٢٩	٣٠	٣١	٣٢	٣٣	٣٤	٣٥	٣٦	٣٧	٣٨	٣٩	٤٠	٤١	٤٢	٤٣	٤٤	٤٥	٤٦	٤٧	٤٨	٤٩	٥٠	٥١	٥٢	٥٣	٥٤	٥٥	٥٦	٥٧	٥٨	٥٩	٦٠	٦١	٦٢	٦٣	٦٤	٦٥	٦٦	٦٧	٦٨	٦٩	٧٠	٧١	٧٢	٧٣	٧٤	٧٥	٧٦	٧٧	٧٨	٧٩	٨٠	٨١	٨٢	٨٣	٨٤	٨٥	٨٦	٨٧	٨٨	٨٩	٩٠	٩١	٩٢	٩٣	٩٤	٩٥	٩٦	٩٧	٩٨	٩٩	١٠٠
----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	----	-----

برای حفظ صحیح اعلی و سکنی عالی و در آنجا که خداوند

برودت فہم اعلیٰ و سکون تہائی فتح را طبع و افکار نام
آزاد و حاسنہ رخ خیالی و تہریکی تو غدر سے۔

بر حقیقت نزع بکسر ایل سکون ثانی و کسر از حلال نزع اود سکون

<p>تتمیق البسار</p> <p>آتش خواره - ف ب د ا و ل م ر غ ی ک ا کثر آتش خرو -</p> <p>تتمیق انشائیه و تتمیق الدال المسند</p> <p>ا ت م ج ع ب ک م ر ا و ل و سکون ثانی و فتح سیم و سکون دال مختلف سنگ سرده و بجن طلب می ۲ ق مخفی و بجن و فتیح براق ریزه و ش نیدم ص شکله کثیر ال آبار -</p> <p>تتمیق القاف</p> <p>ا ت م ج ع ب ک م ر ا و ل و سکون ثانی و فتح لام و سکون قاف ف تخم غنکشت ه سبها لکی جز و بقول بنما لکون طح می ۳ -</p> <p>تتمیق اللام</p> <p>ا ت م ج ع ب ک م ر ا و ل و سکون ثانی و لام ف گره جها و -</p> <p>تتمیق الحمیم و تتمیق اللات</p> <p>ا ح ل گ ی ا ی م ج ا و ل و سکون لام و کسر کاف فارسی و تختانی و الف آخر فیش و زهره کس و میثما -</p> <p>تتمیق الحمیم</p> <p>ا ح ج - ف ب م ر ا و ل و سکون حیم هم کد و -</p> <p>تتمیق الدال المسند</p> <p>ا ح ی و ج ه - ف ب م ر ا و ل و سکون ثانی و تخم نیم و سکون وا و دال مملک ع زرا لک ف طح می ۲ ق مفتوح محلل ص از یکدم تا سه درم -</p> <p>تتمیق الراء المسند</p> <p>ا ج ر ع ب د ا و ل و تخم ثانی و سکون راء و مختلف شست ه ایث لک و طح می ۲ ق مخفی غیر مستعملش</p>	<p>و مسند و نوم و ملل و سکون ا ح ی ص حیدر سوز و زعفران و ا و جینی و زفیون و بهار و زخمین و قلقل سیاقش از یکدس تا چهار قیراط و باوه از یکدرا لک تا سوز ع ل و زلف و زلف و زلف آن تخم لک و باوه از یکدرا لک تا سوز ع ل و زلف و زلف و زلف آن تخم لک و باوه از یکدرا لک تا سوز ع ل و زلف و زلف و زلف</p> <p>ا تتمیق انشائیه و تتمیق البسار</p> <p>ا ت م ج ع ب ک م ر ا و ل و سکون قافانی و تخم راء و سکون جیم ف ترخ ه بجا و ا ط پوست زرد و ا ح می ۲ و گوشت سفید</p> <p>ع ر ا و ترشی بی ۲ تخم ا و ح ر - و سوز و مقوی دل و معده و طعنه و درخ و زرد و زرد و زرد و زرد و مقنا جت گزیدگی عرق ب آب گرم و گویند نیم مقنا ص شراب خنصا ل آب لیمو -</p> <p>تتمیق الراء المسند</p> <p>ا ت م ج ع ب ک م ر ا و ل و سکون ثانی و با شسته و راء و الف و راء و ثانی و ف زرشک ه زک طابری خ شفاف - آتش خوار - ف ب د ا و ل و فتح ثانی و سکون شین سحر و ضم خا و مجز و ا و معده و الف م آتش خواره -</p> <p>تتمیق السین المسند</p> <p>ا ت م ی س ح ی م ج ا و ل و سکون ثانی و نون و الف و کسر سیم و سکون تختانی و سین مملک ف با و د بر س - ا قیس ه - ف ب م ر ا و ل و کسر ثانی و سکون تختانی و سین مملک طح می ۲ ا ق منبی و مضم -</p> <p>تتمیق النون</p> <p>ا ت م ج ع ب ک م ر ا و ل و ثانی و نون و ف با و د و کسر ا ت م ج ع ب ک م ر ا و ل و ثانی و نون و ف با و د و کسر</p>
---	---

تانی از جگر یا جیم یا سیم یا کیم یا لک یا ک ط ب	تتمیق الفوقانی
ارگویند مع ح ب ق لین ش بقصد جت ص لفظ و اریستی و آبکار ل کند و یا بقله میانیست	اسفند سنج اول و سکون ثانی و کسر وده ناری سکون سین ثانی و فوقانی ع نصفه م رطوبت
ارگویند مع ح ب ق لین ش بقصد جت ص مطلو و الف و کسر لام و سکون فاجو ف ایسا و کالایک	تتمیق الجیسیم
تتمیق الدال المله	اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی اول و سکون نون جیم کیا این ع جیمه انیس ط ب حاق ماسر م و بر ل
اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی و سکون نون سج و و او و ده و الف و سکون نون و فتح و رطوبت و سکون	اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی و کسر از ممله و سکون نون در جیم سنج و شکوف زلال و بند و رویند و ط ب
نون ثانی و دال ممله ع هلسه استعمل کند و بکسر اول و سکون ثانی و نیم فوقانی و	ای ۲ ق جفخ بیاید سرج ص اسفند بابات ال اسفند ا ج یام و انگ
انما را و سکون و او و لام و فتح کافی و غار نون و سکون وال ایضا و کرام کند	اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی و فتح لام و سکون نون جیم اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون نون جیم
اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون نون جیم اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون نون جیم	اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون نون جیم اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون نون جیم
اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون نون جیم اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون نون جیم	اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون نون جیم اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون نون جیم
اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون نون جیم اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون نون جیم	اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون نون جیم اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون نون جیم
اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون نون جیم اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون نون جیم	اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون نون جیم اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون نون جیم
اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون نون جیم اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون نون جیم	اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون نون جیم اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون نون جیم
اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون نون جیم اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون نون جیم	اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون نون جیم اسفند سنج بکسر اول و سکون ثانی و فتح نون و سکون نون جیم

نون و نون ثانی و سکون و او و او جمله مستقر ف
 ریگ های و رنگ و شی و ریت مجلی
 آسمان و ف بر اول و فتح نیز سکون ثانی و نیم و الف
 و او جمله درخت مورد
 اسمن در ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح نیم و سکون
 نون و فتح و ال و در او نشتین م سمنده آگ کا کیرا
 اسیر و ف نیم اول و کسر ثانی و سکون ثانی و در او کرف
 کاخ و ه کا نذل ط ب ا

تتمین السین المله

آس و ع بر اول و سکون سین جمله ف نام و رخت مورد
 که از اسکا گویند و نیز از احب الاس گویند و شکو و آن شیخ
 شود و بر کس که آرزو بود و خواب کند عظم گردد
 اسپوس و ف بکسر اول و سکون ثانی و فتح موده ناری
 و نون ثانی و سکون و او و ع بر قنطاریه بگویند و اسپغول
 استقلس یونانی بکسر اول و سکون ثانی و فتح و نالی و سکون
 را بر اول و فتح لام قمر السو چیز است چون موسیائی

اسطرطوس یونانی بنیم اول و سکون ثانی و فتح عا جمله
 سکون و او و نیم و الف و نیم طار جمله ثانی و سکون و او و ف
 اسطوخودوس بر روی بنیم اول و سکون ثانی و فتح طایفه
 و سکون و او و نیم و او و سکون و او و نیم و ال و سکون و او
 نالت از بیره و خاوس خیز و موقعا لار و ایز گویند
 شاهسفر رمی و ه و گویند و شی طح ای آق لفت
 فتح و سبیل و او و قوی و سفر و دل خ تا و و فتح ثانی بنی و نیم

خرف ش از جرم و او و و درم تا سه درم و در مطبخ و او و نیم
 ص صغری یا کثیره او گویند و اما یا از رویا بکنید و او و نیم
 و او سکون یا بر و او و نیم و الف و نون و او و نیم و او و نیم
 اسپوس بکسر اول و سکون ثانی و فتح فاقیم ثانی و سکون
 و او و سین و عا جمله و او و نیم و او و نیم و او و نیم
 استقا قس بکسر اول و سکون ثانی و او و الف و کسر و ف
 ثانی و سین جمله و او و نیم و او و نیم و او و نیم
 استقورید و س یونانی بنیم اول و سکون ثانی و فتح و او و نیم
 و او و سکون و او و نیم و او و نیم و او و نیم
 استقورید و س یونانی بنیم اول و سکون ثانی و فتح و او و نیم
 و او و سکون و او و نیم و او و نیم و او و نیم

استقورید و س یونانی بنیم اول و سکون ثانی و فتح و او و نیم
 و او و سکون و او و نیم و او و نیم و او و نیم
 استقورید و س یونانی بنیم اول و سکون ثانی و فتح و او و نیم
 و او و سکون و او و نیم و او و نیم و او و نیم
 استقورید و س یونانی بنیم اول و سکون ثانی و فتح و او و نیم
 و او و سکون و او و نیم و او و نیم و او و نیم
 استقورید و س یونانی بنیم اول و سکون ثانی و فتح و او و نیم
 و او و سکون و او و نیم و او و نیم و او و نیم

تتمین الضا و الجمعه

اسد الما و ض و ف بفتح اول و ثانی و فتح و ال و سکون و ال
 و او و سکون و او و نیم و او و نیم و او و نیم
 و او و سکون و او و نیم و او و نیم و او و نیم
 و او و سکون و او و نیم و او و نیم و او و نیم

تتمین الکاف

اسیرک - ه بفتح اول و سکون ثانی و فتح موده ناری
 و او و سکون و او و نیم و او و نیم و او و نیم
 و او و سکون و او و نیم و او و نیم و او و نیم
 و او و سکون و او و نیم و او و نیم و او و نیم

وفا سے پہلے ما را و محدودہ الف و سکون فون فتح را کو طہ و فون
نہانے و کاف م ہلے۔

تنمية الكفاءات القيادية

استر نیک اول سکون نمانی و فتح تو نمانی و در اضلاع سکون تو
بیکان نامی عیون فاضل و گداه لکمهنا لکمهنا

تمت

اسپینول فٹ بکسر اول و سکون ثانی و فتح سومر و ناری
و شرم و زار و سکون و اول و شرم و ناری مرخان۔

استفیل - ع کبر اول و سکون ثانی و کسوف و سکون ثالث
ولام فایده یار شمس کوی کا نه و طح می ۲ و گویند اساق

متعلق محلل ملحق مخرج مشغول ش یک مثال
ص ۱۰۸ اما شیر تانکه که عقیقه نوشتند و میس با استوار

منہاج

تتمیق المسین

فایز و سکون از نور روح فین بمقام پرده بستر اول مسکون

تتمتع النون

امام شافعی زکات و فرائض

چون که این است که طرح می آید و قیاس و معانی و محال منتسب

موزیج یا قتل کی کنیز ورنہ مج یا شش یک ورنہ تو ملّا

بقدر ما واجب بلسان یانیموزن غولینان یازنجیلان استنیت
اولونید سلیخه دوزر نباد است -

سران - ف. پنجم اول و سکون ثانی و نون مخمور رسیده -

سُطَفَیْنِ یُونَانِیِّ بَکْرَ اَوَّلِ و سَکُونِ اِثْمَانِیِّ
رَفِیعِ طَارِطِ و سَکُونِ نَاوِ کَرَامِ و سَکُونِ حَتَّانِیِّ و زَیْنِ اَوَّلِ

و السرفاوسكون شماني و زنت شماني ناني زردك هكا چلح -
 و شيفيدانچ كچيا مسين - ع بكسر اول و سكون ثاني و

فأوحى إليّ أنجب ولدًا لما فرغ من الولاية وبلغ من العمر ستين سنة ولما ولد له ولد من رجله

سکون انجمنان فن چتر قلمی و کلمی۔
اسطون بنظر اول و سکون ثانی و ضمیر طار و مہر و سکون

استور و دیون۔ یونانی لغت اہل دسکون ثانی دفر

کون و سکون ما و در اول جمله و فتح دال جمله و ضم تحتانی و
کون ما و ثانی و نون هم ثوم ری مست ثوم کتبه سر بار و

سفر شریک و جنگی اسلح می هم غسل کو عینک تا دم الذکر

سکون و امانت و نون عشت الحریف ریم من کہ کیٹ
سکون و امانت و نون عشت الحریف ریم من کہ کیٹ

سكون ولام وكون واو ثانی دفعه قاف ثانی وكون

وَنُؤْنِ آخِرُهُمْ اسْتَوْفُوا قَدْرَهُمْ وَلِيُونَ فَنُؤْنِ لَهُمْ

که بکسانی زبان نهند که کسی نان بچکن بخت بدست آوردن بک
اکسیر و آید آن موران در دوزخ و در زمان پاره پاره
کنند لهذا کسی از ترس آن موران نان بچکن ندانند
و آنرا در شتر موزند گویند

تتمیق السیم
اشن بچکان - ف ببد اول و کسرتانی فتح موحده جیم فارسی
و کاف فارسی و الف و نون م جدید رستر

اشتر ف بجم اول سکون ثانی و فیم فیم بجم فارسی
تتمیق السیم المله

اشن بچکان - ف ببد اول و کسرتانی فتح موحده جیم فارسی
و کاف فارسی و الف و نون م جدید رستر

اشتر یوس بکسر اول و سکون ثانی و کسرتانی و کاف اول
و فتح ثانی و سکون ثانی و فیم فیم و فیم فیم و کاف فیم

اشن بچکان - ف ببد اول و سکون ثانی و کسرتانی و کاف اول
و فتح ثانی و سکون ثانی و فیم فیم و فیم فیم و کاف فیم

اشتر اشع بکسر اول و سکون ثانی و راء مملو الف و فیم
بجم ثانی م غری ف بجم فیم سریش

اشن بچکان - ف ببد اول و سکون ثانی و کسرتانی و کاف اول
و فتح ثانی و سکون ثانی و فیم فیم و فیم فیم و کاف فیم

اشتر اشع بکسر اول و سکون ثانی و راء مملو الف و فیم
بجم ثانی م غری ف بجم فیم سریش

اشن بچکان - ف ببد اول و سکون ثانی و کسرتانی و کاف اول
و فتح ثانی و سکون ثانی و فیم فیم و فیم فیم و کاف فیم

اشتر اشع بکسر اول و سکون ثانی و راء مملو الف و فیم
بجم ثانی م غری ف بجم فیم سریش

اشن بچکان - ف ببد اول و سکون ثانی و کسرتانی و کاف اول
و فتح ثانی و سکون ثانی و فیم فیم و فیم فیم و کاف فیم

اشتر اشع بکسر اول و سکون ثانی و راء مملو الف و فیم
بجم ثانی م غری ف بجم فیم سریش

اشن بچکان - ف ببد اول و سکون ثانی و کسرتانی و کاف اول
و فتح ثانی و سکون ثانی و فیم فیم و فیم فیم و کاف فیم

اشتر اشع بکسر اول و سکون ثانی و راء مملو الف و فیم
بجم ثانی م غری ف بجم فیم سریش

اشن بچکان - ف ببد اول و سکون ثانی و کسرتانی و کاف اول
و فتح ثانی و سکون ثانی و فیم فیم و فیم فیم و کاف فیم

اشتر اشع بکسر اول و سکون ثانی و راء مملو الف و فیم
بجم ثانی م غری ف بجم فیم سریش

اشن بچکان - ف ببد اول و سکون ثانی و کسرتانی و کاف اول
و فتح ثانی و سکون ثانی و فیم فیم و فیم فیم و کاف فیم

اشتر اشع بکسر اول و سکون ثانی و راء مملو الف و فیم
بجم ثانی م غری ف بجم فیم سریش

اشن بچکان - ف ببد اول و سکون ثانی و کسرتانی و کاف اول
و فتح ثانی و سکون ثانی و فیم فیم و فیم فیم و کاف فیم

اشتر اشع بکسر اول و سکون ثانی و راء مملو الف و فیم
بجم ثانی م غری ف بجم فیم سریش

اشن بچکان - ف ببد اول و سکون ثانی و کسرتانی و کاف اول
و فتح ثانی و سکون ثانی و فیم فیم و فیم فیم و کاف فیم

<p>اندر کافور بنفشه سفید خوشبوی صغری و در وقت کشتن بای زرم کرده بکوبند تا کوفته گردد و شکر یکدم تا دو دم و گویند نیمدم ص اینسون ل قر و مانایا از خریا منبل -</p>	<p>مجموعه میشود و فتح و بار حمله میشود و سکون تا رفوقانی و فضا بجای غله جوار ط ب ی ق مخدر -</p>
<p>تتمیق السواد المملع و تتمیق الالکف</p>	<p>تتمیق الجسیم</p>
<p>اصل الحارثینا - بنفش اول و سکون صا و جمله و ضم لام و سکون لام ثانی و فتح عین جمله و سکون را و جمله و فتح ط و جمله و کسر نون و سکون تخانی و ثلثه و الف و الضع و نور مریم فضا آذربو -</p>	<p>اصل الارز یا نخ - ع بار حمله میشود و الف و از بیمیه و تخانی و الف ثانی و فتح نون و سکون جیم و فتح یا و یان ه سولف کی ج -</p>
<p>اصل الهند بابا - ع بنفش اول و سکون صا و جمله و ضم لام و سکون لام ثانی و کسر نون و ضم دال جمله و موحده و الف ف پنج کاسی ه کاسی کی ج -</p>	<p>اصل اللقاح - ع بنفش لام و ثلثه و لام ثانی و سکون و تتمیق و و ما و حلی م بر و ج فضا سائیک ه لکنا لکمنی ق مخدر -</p>
<p>تتمیق الموحده</p>	<p>تتمیق الارار المملع</p>
<p>اصل الغریب - ع بنفش اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون لام ثانی و فتح عین هجه و سکون را و جمله و موحده ف بنج غرب طح می ۲ -</p>	<p>اصابع صغری - ع بنفش اول و ثانی و الف و کسر موحده و عین و کسر صا و جمله ثانی و سکون فا و را و جمله ف کف بریم و کف عائش طح می ۲ ل سعد و هزار شیان -</p>
<p>اصل الفصیب - ع بنفش قاف و صا و جمله و سکون موحده ف پنج نه ه سر کدنه کی ج طح می ۲ -</p>	<p>اصل الجاوشیر - ع بنفش و الف و و او و کسر نون هجه و سکون تخانی و را و جمله ف پنج گا و شیر ل جا و شیر -</p>
<p>اصل الکبیر - ع بنفش کاف و موحده و سکون را و جمله و فتح کبر اصل اللوز المر - ع بنفش لام شد و ثانی و سکون و از و ضم نون هجه و سکون لام ثانی و ضم یف پنج یا و یف پنج ه کروی و ادم کی ج -</p>	<p>اصل الکبیر - ع بنفش کاف و موحده و سکون را و جمله و فتح کبر اصل اللوز المر - ع بنفش لام شد و ثانی و سکون و از و ضم نون هجه و سکون لام ثانی و ضم یف پنج یا و یف پنج ه کروی و ادم کی ج -</p>
<p>تتمیق الفوقانی</p>	<p>اصل المر - ع بنفش اول و سکون ثانی و ضم لام و سکون لام ثانی و ضم نون فیه سیخ مر طح می ۲ -</p>
<p>اصابع الفتیات - ع بنفش اول و سکون ثانی و الف و کسر موحده و ضم عین جمله و سکون لام و فتح فا و کسر فوقانی و فتح تخانی و الف و فوقانی ثانی و الف لکنت کثیر کان و آن و ثلثه ست یعنی بالنکوی خروده تلمی -</p>	<p>اصابع هرس - ع بنفش اول و ثانی و کسر موحده و عین جمله و ضم نون را و سکون را و جمله و ضم نون و سکون ستین جمله ف کل سور بنجان طح می ۲ ل سور بنجان -</p>
<p>اصل الذرت - ع بنفش اول و سکون ثانی و ضم لام و و الف</p>	<p>تتمیق السین المملع</p>

اصل السوس مع بغم سین جمله شد و سکون و او درین جمله
ثانی فتح پنج نمکه هلمشی در فنی طبع و گویند ب ۳ گویند
ب ی اش از یکدم تا دو درم -
اصل الکرفس مع بفتح کاف و راه جمله و سکون و او درین
جمله فتح کرفس ۱۵ اجود و کی جرث -

تتمیق النون
اصل النون مع بکسر اول و سکون ثانی فتح و راه جمله و سکون
و سکون ثانی در و نون مع اللفظین که ذکر شود -

تتمیق الفاء للمجه
اصل السوس الالبین مع بغم سین جمله شد و سکون
و او درین سین جمله ثانی و نون و سکون و او درین نون
فتح و ثانی و سکون و او درین فتح و نون و سکون و او درین
بغشیر و یه و شورت و یج بفتح و گویند قسط شیرین -

اصل الراء مع بفتح الراء جمله شد و اللفظ فتح سین
و او درین سین جمله ثانی و نون و سکون و او درین نون
فتح و ثانی و سکون و او درین فتح و نون و سکون و او درین
بغشیر و یه و شورت و یج بفتح و گویند قسط شیرین -
اصل الراء یون مع باهم و اللفظ فتح و او درین یون
و او درین یون و سکون و او درین یون و سکون و او درین
بغشیر و یه و شورت و یج بفتح و گویند قسط شیرین -

تتمیق الفاء
اصل الالف مع بفتح الف و او درین الف و او درین الف
اصل الکوف مع بفتح کاف و او درین کاف و او درین کاف
فتح و یج و یگوش طوح ی ۳ -

تتمیق الهاء
اصل الکشاف مع بفتح کاف و او درین کاف و او درین کاف
اصل الراء مع بفتح الراء و او درین الراء و او درین الراء
فتح و یج و یگوش طوح ی ۳ -

تتمیق الکاف
اصل ک - بفتح اول و کسره و سکون ثانی فتح و او درین ک
و او درین ک و سکون کاف و یج و یج و یج و یج و یج و یج
و یج و یج و یج و یج و یج و یج و یج و یج و یج و یج
طوح ی ۳ گویند ح ی ۲ -

تتمیق التتانی
اصل التتانی مع بکسر ثانی و او درین ثانی و او درین ثانی
و او درین ثانی و سکون و او درین ثانی و سکون و او درین
فتح و یج و یج و یج و یج و یج و یج و یج و یج و یج
فتح و یج و یج و یج و یج و یج و یج و یج و یج و یج

تتمیق اللام
اصل اللام مع بفتح لام و او درین لام و او درین لام
و او درین لام و سکون و او درین لام و سکون و او درین
فتح و یج و یج و یج و یج و یج و یج و یج و یج و یج
طوح ی ۳ گویند ح ی ۲ -

اصل النبیول مع بفتح نون و او درین نون و او درین نون
و او درین نون و سکون و او درین نون و سکون و او درین
فتح و یج و یج و یج و یج و یج و یج و یج و یج و یج
طوح ی ۳ گویند ح ی ۲ -

اصل الفلفلس مع بکسر ف و او درین ف و او درین ف
و او درین ف و سکون و او درین ف و سکون و او درین
فتح و یج و یج و یج و یج و یج و یج و یج و یج و یج
طوح ی ۳ گویند ح ی ۲ -

<p>چیم با تختانی فم بود و گویند تخت بلیط اندک تخت اغلیق کبیر اول فتح و سکون ثانی و کسر لام سکون تختانی و کسراف و تختانی ثانی ف و دو شاب -</p>	<p>د طار صلا شده و سکون تختانی و موه ف ناخن مدف و ناخن میوه ناخن جن ف ناخن بریان و کشته طح می م طلفت و متوی کبدخ آنچه باکی بسید نکاشش خندم م گل خنوم یا قمرس با طین از سیل اتوان یا قصب الغیره -</p>
<p>تتمیق الفار و تتمیق النوقانی</p> <p>آفتاب پرست ف گل خلیفه و بوتلمون را نیز گویند و کلیست که بر جانب که آفتاب بگردد بر گناش و بدان جانب کنند و ابل بند گل کبود را گویند -</p>	<p>تتمیق العین المله و تتمیق النون</p> <p>اعین السر الطین ح ففتح اول سکون ثانی و فم تختانی و نون فتح سین ممله مشدود و ر امله و الف و کسر ط ممله سکون تختانی ثانی و نون ف فم تختانی و به خالوی خربانج -</p>
<p>تتمیق الجسیم</p> <p>افشر ح ففتح اول و سکون ثانی و فم شین مجید فتح را مطل و سکون جیم ف حارب افشده یعنی عصاره هر چیز - افرخج فتح اول و ثانی و سکون را و مطل ففتح غنیمت و سکون نون فم کثوث -</p>	<p>تتمیق العین المهر و تتمیق الرار المله</p> <p>اخر ح ففتح اول سکون فین مجید فتح موده و سکون را ملاف تو تیا که مرکب است از فتح و تو تیار کرمانی و نجات یعنی مصری -</p>
<p>تتمیق الرار المله</p> <p>انکار فتح اول و سکون ثانی با کاف و نون و ممله و بختانی -</p> <p>تتمیق الکاف</p> <p>آفتاب کسوف ف بمامل و سکون ثانی با نون ثانی و الف و موده و فتح کاف ناری و سکور امله و فتح و الف مملو کاف م آفتاب پرست -</p>	<p>تتمیق السین المله</p> <p>اخر سلس - یونانی فتح اول و ثانی و سکون را و مطل فتح سین جلد و کسر ط امله و سکون سین جلد ثانی ف م یلف بید کسله اخر ح ففتح اول و کسر ثانی و سکون تختانی و کسر را و مطل مزدرو می که گویند که را صبح اوست -</p>
<p>تتمیق الکاف</p> <p>افرخج شک بکسر اول و سکون ثانی و فتح را و مطل و سکون نون فتح جیم و کسر هم و سکون شین مجید کاف با انگوی خود ایکل و نقلی و گویند که طح می ۲ ص فم فم نقل و شک ف فتح اول و سکون ثانی و فتح شین مجید و سکون کاف م شینم که بندی اوس گویند -</p>	<p>تتمیق الهام</p> <p>آمال شیه ف بمامل و ثانی و الف و سکون لام فتح موده ناری شین مجید و خمار نام و رنت سدره -</p> <p>تتمیق التختانی</p> <p>آغا لوجی فتح اول ثانی و الف و فم لام و سکون و اود و کسر</p>

تمییز المیزان

افسان یعنی اول و سکون ثانی و ثالث و ریم سین ممله
 و سکون و او و نون ف و ر و غ ف ترب ه سولی کاتیل
 افیتون یعنی اول و سکون ثانی و کسوف ثانی و سکون ثانی و نون
 و سکون و او و نون ه اکاسین و ابریل طح ی ۲ ق
 مسل سودا و متع و منشی خ فزلی یا متدی سرخ تخم تازه
 ش از طبوخ او چند تم ناهفت ورم نمازیم او و ورم تا
 ورم رس کثیرا یا سیب یا کجین یا ر و غ ن با و اول حاشا
 یک دس و نیم یا زرد بوزن او یا اسطوخودوس یا استعلاج
 او و بیول یعنی اول و ثانی و سکون یا کعبه کعبه و ریم
 تخمانی و سکون و او و نون م فزین ف شیر و رخت زخم
 ده سینده کا دو و در

و کسوف ۲ ق بانی و ثانی و ریم یا قوت ترا قیت ص
 در باب ریکتیر او در باب کبدر عفران ش یکد ریم ل و ش
 این ترکی و بیع آن خبر ستو طری

افلیون یعنی اول و نون یعنی اول و کسوف ثانی و سکون ثانی و نون
 لام و سکون و او و نون ف در منه گوئی
 افول رومی و ناری یعنی اول و سکون ثانی و نون ثانی
 و سکون و او و نون ف شیره شمش ه نیم طب هم سی ۳
 ق خضر سکن اذ جاع رخ آنکه در آب گرم و جوش و دو و در
 گرم و جوش از یکدین تا و عدس پس طفل و فایز و کجین
 و گویند ز کوفس و چند سترل سکه وزن و سه بر را یعنی
 یک وزن لعل بری یا بحر ی

تمییز المهار

افادیع یعنی اول و ثانی و ثالث و کسوف و او و نون تخمانی و
 خفاریف و اذ کرم چون قنصل و خولجان و دار حنی
 افلیح یعنی اول و سکون ثانی و نون و سکون ثانی و نون
 و اذ کرم چون قنصل و خولجان و دار حنی
 و اذ کرم چون قنصل و خولجان و دار حنی

تمییز التختانی

افنی یعنی اول و سکون ثانی و کسوف ثانی و سکون ثانی و نون
 ف مارش و طح ی هم ق لطف خ تازه ش اگر گوشت
 او در مثال ص تریاق ل مار

تمییز القاف و تمییز اللالاف

اقاقیا یعنی اول و ثانی و ثالث و کسوف ثانی و سکون ثانی و نون

افسان یعنی اول و سکون ثانی و ابریل طح ی ۲ ق
 و نون م ننگ نسان
 افستین یعنی اول و سکون ثانی و نون و سکون ثانی و نون
 و کسوف ثانی و سکون ثانی و نون ثانی و نون
 و گویند زخمی اندر زنده مجری و سار و طاح ای ۲ و گویند
 ساق و سبیل و مغز و طاح دیدان خ تازه زرشن و جرم
 تا ورم و یعنی از جرم تا مقدر م و اذ کرم یا کعبه کعبه
 ص انیسون یا نینو نزل حبه یا شخ ارنی یا قیصوم و در قوت
 معده و سار و یا نینو نزل آن هلیله زرد

افلاطون یعنی اول و سکون ثانی و لام و لاف و نون
 یا و ممله و سکون و او و نون م ق ک و گ و طح ی ۲

<p>الکست - سرمانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون فوقانی و فخیم و کسر کاف ثانی و سکون فوقانی ثانی ف غایه البیس هکزه خا ط ج ی ا -</p>	<p>و حمیه و تیسر و زریه اسیر که از ان رنگ رنگاری سازند ح ی ا ق جمل ملین منفتح تازه رسیده زرد و خاک بشیدی که او از شکافتن دانه زرد داشته باشد یکدم تادو در صم عسل یا بلخ آشال نیمون و صق انجیر یا ذاسیون یا لبان یا پودنه یا بوزن آن حلیه -</p>
<p>تمینق انتار و شلته اکشوش ع بقم اول سکون ثانی و ضم شین و سکون واو و تار شلته م کشوش خ تخم قبی از مریدان -</p>	<p>تمینق النون اکار یقون بفتح اول و ثانی و الف و کسر راء و سکون تحتانی و ضم قاف و سکون واو و نون ف تخم زیتون دشتی - الموزان - بفتح اول و سکون ثانی و فتح میم و کسر واو و سکون تحتانی و زار بجر و الف ف نوسه از کرکسته -</p>
<p>تمینق ابجیسیم آنج بفتح اول و ثانی و سکون حیم ع فله و زو و کبیل اکنج ع بفتح اول و سکون ثانی و کسر خا و جریم جلاب - تمینق السین الملهه</p>	<p>اکار س ف بفتح اول و ثانی و کسر اول و سکون سیم و کسر اکر ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم راء و سکون فوسین و کسر ه اکر ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم راء و سکون فوسین و کسر ه ع جوزی است و گویند که با صمغ است -</p>
<p>تمینق الفدا و الحجه اکلیل اموش کبیر اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون تحتانی و کسر لام ثانی و فتح هزه و سکون و فتح واو و سکون نسا و بجز ه تخم اشکن -</p>	<p>تمینق الکاف اکر ف بفتح اول و سکون ثانی و ثانی و الف و ضم و سکون واو و کسر لام و سکون تحتانی و و الف است هندی و افح بر میوه سوزاک - تمینق الکاف الفارسی و ثانی و فوقانی اکر ف بفتح اول و سکون فارسی و سکون نون و فتح میم و سکون نون ثانی و فوقانی م اکونت و ارنی طح -</p>
<p>تمینق الرام الملهه اگر ف بکسر اول و ثانی فارسی و سکون راء و حلیه عوج ه اکلیل الملک بفتح اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون تحتانی و ضم لام ثانی و سکون لام ثانی و فتح میم و کسر لام و الف ف</p>	<p>تمینق الرام الملهه اگر ف بکسر اول و ثانی فارسی و سکون راء و حلیه عوج ه اگر ف بکسر اول و ثانی و ثانی و الف و ضم و سکون واو و کسر لام و سکون تحتانی و و الف است هندی و افح بر میوه سوزاک - تمینق الکاف الفارسی و ثانی و فوقانی اکر ف بفتح اول و سکون فارسی و سکون نون و فتح میم و سکون نون ثانی و فوقانی م اکونت و ارنی طح -</p>

که از ابعرفی آگر گویند ص سرکه و کثیرا -	الماس یفتح اول و سکون ثانی بایم و الف ساسیرا
تتمیق اللام تتمیق الالف	تتمیق الطاء المله
الماس یفتح اول و سکون ثانی بایم و الف ساسیرا جوان من کشیز و ترسل فتوز و عرق ناخواه -	المسوط یفتح اول و سکون ثانی و سکون موحده و هم طاء مملو و سکون داو و طاء مملو ثانی ف کشت برکت ه بهیلی -
الواف کبیر اول و سکون ثانی باا و ده الف ص صیرا الیوا -	الط - رو می یفتح اول و ثانی و سکون طاء مملو ف پییر -
تتمیق الموحده	تتمیق الکاف
السبع کبیر اول و ثانی و سکون موحده الیوا -	الک ف بمداول و سکون ثانی سنبل الیوب ه با کبیر -
تتمیق الجیم	تتمیق اللام
آلج ف بمداول و هم ثانی و سکون نون جیم آوید -	آل ف بمداول و سکون لام نوغی از بای نلوس دار که آرا
الوج یفتح اول و هم ثانی و سکون داو جیم فارسی ف	بال دال نیز خوانند و در تحت ک لایخ آن رنگ مرغی مملو شود
کار لیسک دکار رنگ و آن نوی از غله است -	اندک فاس از اجانه رنگ کشته دور و اما بکار آرد
تتمیق الزا المله	تتمیق ایسم
السنه الصافیر یفتح اول و سکون ثانی و کسر من مملو	الهم ف یفتح اول و هم ثانی و سکون نیمم ارزن -
فتح نون و هم فو ثانی و سکون لام ثانی فتح من مملو و مملو	تتمیق النون
والف و کسر ف و سکون تخانی صا و مملو ساسان الصافیر	الانیون سکون یفتح اول و ثانی و الف و کسر نون و هم تخانی
ف زبان کشتک ه اندر جوس کشیزل جودوا -	و سکون داو و نون ثانی هم را بن -
الغفار ف یفتح اول و سکون ثانی و هم من مملو و سکون	تتمیق الواو
نون نیمم و الف میله الیه شبیه نبره و گو که رنگش مسبز و	اللاو ف یفتح اول و ثانی و الف و وا و مملو هم آتش -
منتش زرد و دیگر الوان نشود و طمش میخوشش بودم	آلوف بمداول و هم ثانی نام میوه معد و من ع ابا من -
گرده آلود آلود و غوگرده و غوگرده -	الیو یفتح اول و سکون ثانی و هم تخانی ه گور -
تتمیق الیسم المله	تتمیق الهم
الباقیس یفتح اول و سکون ثانی باا و موحده و الف	الف و نه و الکو نه ف بمداول و سکون ثانی و هم من مملو
کسر نون و سکون تخانی و سین مملو ه چو لانی کاساک	دنت اول و هم کاف فارسی دنت ثانی و سکون داو و فتح نون

نارنگ

ح

س

ز

تمنیق الجیم	را رمله یا موحده ثانی و الف و کسر را مملکه ثانی و کون تخانی
انج - ف بداول و فتح ثانی و سکون جیم زعفر و ریش انج - ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم جیم و کون و الف و حده	ف زرشک رک ط ب می ۲ رخ بکال خود رسیده سرخ بکال سیاهی شیر و دارض جلاب تخم گل و چا و دنگ و زن آن صندل و در سح ساق -
تمنیق الدال المله	
از و و - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و ضم را رمله و و ا و بول و دال ممله م ا و و -	اند و طاقش - بفتح اول و سکون ثانی و فتح و ال ممله ضم را ر ممله و سکون و ا و با طار ممله و الف و کسر قاف و از و خود افقه الفرس ع ف بغیر یایه اسپ -
اندر ف بفتح اول و سکون ثانی م مکس ع سوسن -	
از و و - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح زاز و ب و ضم را ر ممله و سکون دال ممله م یا زهر -	تمنیق الفار
انگزد - ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی و فتح زاز و ب و فارسی م صنع و رفت انگدان است و بشیر از می انگشتک کنده گویند ع حلیت ه بینگ -	افقه الخشخ - ع بکسر خا و ب و ج و شین ب و سکون قاف ف بغیر یایه بجه زنبه بزکوبی که ایل باشد -
تمنیق الزا المله	تمنیق القاف
انجبار - رومی بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم موحده و الف و ا ر ممله بعین نام شهرت ط ب اسی ۲ ق مفتی قون	انفاق - ع بفتح و کسر اول و سکون ثانی و نا و الف و قاف ف روغن زیتون -
شش و حالبین و م و طین طبعش از یک مثال با و و مثال -	تمنیق الکاف
انجیر - ف بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون تخانی ع تین انگزد و ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم کاف فارسی و سکون و ا و ه داکه ق بیسی -	انار شک - ف بفتح اول و ثانی و الف و ا و ممله و کسر جیم و شین ب و کاف م ناز شک ه ناکیسر انجور - بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و فتح را ر ممله و کاف ف مزنگوش ه مروا -
تمنیق الین المله	انجملک - ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم جیم و فتح کاف اول و سکون کاف ثانی ف حلب ه کبلا -
انایلس - بفتح اول و ثانی و الف و کسر عین ممله و سکون تخانی و ضم لام و سکون سین ممله م مرزنگوش -	انگ - ع بداول و ضم ثانی و سکون کاف ف سرب ه سیاه تمنیق اللام
انبر یا یس - ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و سکون	انجمل - بفتح اول و سکون ثانی و کسر جیم و سکون لام ف طلی

افقہ اہل - مع نتیجہ ویم سکون لام فی غیر اہل ستر قی میخ از اشتراعی است افقہ اہل - مع کسر من مملو سکون جیم لام فی غیر اہل ستر	ثانی یعنی اود و فارون است - انسان - مع کسر اول - سکون ثانی باین مملو و الف ف آدی و اس و سکون -
---	--

تتمیق النون	انقضی یون بکسر اول و سکون ثانی و کسر ثانی و سکون ثانی
-------------	---

اندر این سکون اول و فتح ثانی و الف و کسر را مملو الف ثانی و سکون ثانی و نون ثانی و زنگار مس -	مملو و کسر را مملو و فتح ثانی و سکون ثانی و نون ف کسر و کسر من مملو و سکون جیم لام فی غیر اہل ستر
--	--

اندر این سکون اول و سکون ثانی و کسر جیم و فتح وال مملو الف و نون ف و فتح الف و نون و کسر کارد و کسر جیم	الف و نون ف و فتح الف و نون و کسر کارد و کسر جیم
--	--

ساق و مدر و مملو و مملو و کسر جیم و فتح ثانی و سکون ثانی ال بیج آن یاده و الف و نون آن حلیت یا تم جزریا	الف و نون ف و فتح الف و نون و کسر کارد و کسر جیم
--	--

کمون کرانی -	بادال مملو و الف و نون و کسر جیم و فتح ثانی و سکون ثانی
--------------	---

اندر این سکون اول و فتح ثانی و فتح جیم و سر و سر و سر و سر اندر این سکون اول و فتح ثانی و فتح وال مملو و کسر جیم و فتح ثانی و سکون ثانی	اندر این سکون اول و فتح ثانی و فتح جیم و سر و سر و سر و سر
--	--

کسر ثانی و سکون نون و فتح ثانی و فتح جیم و سر و سر و سر و سر کسر ثانی و سکون نون و فتح ثانی و فتح جیم و سر و سر و سر و سر	کسر ثانی و سکون نون و فتح ثانی و فتح جیم و سر و سر و سر و سر
--	--

اندر و فارون ف بنایت که در گفت گندم و جود و قدر بورق خود اند و فتح سرخ و مملو و کسر جیم و فتح ثانی و سکون ثانی	اندر و فارون ف بنایت که در گفت گندم و جود و قدر
---	---

اندر و جیم و سکون اول و فتح ثانی و فتح وال مملو و سکون رار مملو و فتح جیم و سکون و اود و لسان العا فیر -	اندر و جیم و سکون اول و فتح ثانی و فتح وال مملو و سکون رار
---	--

اندر و جیم و سکون اول و فتح ثانی و فتح وال مملو و سکون رار اندر و جیم و سکون اول و فتح ثانی و فتح وال مملو و سکون رار	اندر و جیم و سکون اول و فتح ثانی و فتح وال مملو و سکون رار
--	--

اندر و جیم و سکون اول و فتح ثانی و فتح وال مملو و سکون رار اندر و جیم و سکون اول و فتح ثانی و فتح وال مملو و سکون رار	اندر و جیم و سکون اول و فتح ثانی و فتح وال مملو و سکون رار
--	--

اندر و جیم و سکون اول و فتح ثانی و فتح وال مملو و سکون رار اندر و جیم و سکون اول و فتح ثانی و فتح وال مملو و سکون رار	اندر و جیم و سکون اول و فتح ثانی و فتح وال مملو و سکون رار
--	--

فتح زار فارسی می پوسه ماران -

تتمیق التختانی

انجیره - فتح اول سکون ثانی و کسر فتح راجع به فتح کز
ه انگن کی نج ط بر گاهی می ۲ ق ملط ص صبح عربی
و کثیر ال حرف و فو مانا یا تخم گندنا -

انجیدود - ف هونانی بنفع اول و سکون ثانی و کسیریم و
سکون تختانی و فتح دال مملک گندنا می کوی -

انجیر - بنفع اول سکون ثانی و کسیریم و سکون تختانی
و فتح رار مملک عین - ف انجیر -

انزود - ف بنفع اول سکون ثانی و فتح زار فارسی و لم غله
النکس ع عدس ه سور -

آنته - ف ب د اول و فتح ثانی و سکون سین جملک و فتح
فوقانی ع سده موه و موه و موه -

انفحه - ا حمار الوحشی ع بنفع اول و سکون ثانی و کسیرنا
و فتح خابیه و فتح فوقانی و سکون لام و کسر خابیه و کسر
و کسر راجع و سکون لام ثانی و فتح واو و سکون مامله ثانی
و کسرین بنفع و فتح تختانی مشدوف بنیر یا به گورخ -

انفحه - ع بنفع اول سکون ثانی و فتح فا جابیه و مملک
شیردان بنیر یا به چطاطح می ۵ ملط محلل مقوی
و باغ خ انجیر از و ازاله تری نموده باشندش دو انگ و
از شتر یک انگ ص ص ل یا زبر بار یس ل مراره -

انکمه - بنفع اول سکون ثانی و فتح کاف و فتح نیم و ف غله بار گنده چ چا
انگزه - ف بنفع اول سکون ثانی و فتح کاف فارسی و فتح زار
فارسی ع ملط ه هینگ -

انشره - ف بنفع اول و کسر ثانی و سکون تختانی -

انالیقی - رومی بنفع اول و ثانی و الف و کسر لام و سکون
تختانی و کسرات و سکون تختانی ثانی می انجیره -

انلیج - بنفع اول سکون ثانی و موده و کسر لام و کسر
انبوت الراعی بنفع اول و سکون ثانی و فتح موده و سکون

واو و فتح فوقانی بار جملک مشدود و الف و کسر عین جملک و تختانی
م نوع از سه العالم -

انبوت ملکی - بنفع اول و سکون واو و کسر فوقانی و فتح کسیریم و کسر
لام و کاف و بان بستان انروز -

انجیر دشتی - بنفع اول و سکون ثانی و کسیریم و سکون تختانی و کسر
و فتح دال و سکون شین و کسر فوقانی و یام انجیر آدم ه گورخ

و کسیریم و کسر غله و کسر غله و کسر غله و کسر غله و کسر غله
انفحه - ف بنفع اول و سکون ثانی و فتح فار و کسر و فتح
فوقانی و فتح فار و کسر و کسر موده و کسر یا به آهرو -

انسیب الواد و تمیق الالف

اوادو - یونانی بنفع اول و سکون واو و یا سیم و الف و دال و الف
والف ثانی می معصاره قمار انحرار -

تمیق انجیریم

اورخ - ف بنفع اول و سکون ثانی و فتح رار جملک و سکون نون
و فتح کاف و فتح نیم و ف غله بار گنده چ چا
انگزه - ف بنفع اول و سکون ثانی و فتح کاف فارسی و فتح زار
فارسی ع ملط ه هینگ -

اوکج - ف بنفع اول و سکون ثانی و فتح کاف فارسی -

دوسکون نون وچیم مسیدستان دلسبوتا۔	او داسالیون۔ یونانی بفر اول دسکون ثانی دلال مملہ
اولیچ ففتح اول دسکون ثانی ففتح اول دسکون نون	دال و سین مملہ دال ثانی دسکون لام و نیم تختانی دسکون
تنیق الال المملہ	دال ثانی مکرش کوی۔
او دبحر۔ دفتح اول دسکون ثانی مکرش اول دلال مکرش و	او قطاریون۔ یونانی ففتح اول دسکون ثانی دفتح قان دطار
اولماریام تان کانون۔	مملہ دال دسکون لام و نیم تختانی دسکون دال و نون م ففتح
او سپید بفر اول دسکون ثانی دسکون مکرش و مکرش فارسی	اقمین یونانی ففتح اول دسکون ثانی دفتح قان دسکون تختانی
دختانی بفر اول دسکون ثانی دسکون مکرش و مکرش فارسی	دفتح نیم دسکون نون م باد و ج۔
تنیق الرار المملہ	آویش ف بفر اول دسکون ثانی دفتح قان دسکون نون م ففتح
او د یونانی بفر اول دسکون ثانی دفتح قان دسکون	ع دسکون زبان عراق کاکونی دسکون ثانی دفتح قان دسکون نون م ففتح
رادر مملہ آب و پانی و جبل۔	خواندہ سائل مملہ۔
اور۔ فسا بفر اول دسکون ثانی دسکون مکرش و مکرش	تنیق المار
دسکون مکرش و مکرش دال مکرش و مکرش دال مکرش و مکرش	آویش۔ ف بفر اول دسکون ثانی دفتح قان دسکون نون م ففتح
تنیق الزار المملہ	دسکون مکرش و مکرش دال مکرش و مکرش دال مکرش و مکرش
اوز۔ ع بفر اول دسکون ثانی دسکون مکرش و مکرش	تنیق التانی
تنیق اسین المملہ	اورالی و او مالی۔ یونانی بفر اول دسکون ثانی دسکون مکرش و مکرش
او دس ففتح اول دسکون ثانی دفتح قان دسکون مکرش و مکرش	دسکون مکرش و مکرش دال مکرش و مکرش دال مکرش و مکرش
مکرش مکرش و مکرش دال مکرش و مکرش دال مکرش و مکرش	دسکون مکرش و مکرش دال مکرش و مکرش دال مکرش و مکرش
آویش۔ ففتح اول دسکون ثانی دفتح قان دسکون مکرش و مکرش	دسکون مکرش و مکرش دال مکرش و مکرش دال مکرش و مکرش
دسکون مکرش و مکرش دال مکرش و مکرش دال مکرش و مکرش	دسکون مکرش و مکرش دال مکرش و مکرش دال مکرش و مکرش
تنیق العین المملہ	او نو مالی۔ یونانی بفر اول دسکون ثانی دفتح قان دسکون مکرش و مکرش
او دس ففتح اول دسکون ثانی دفتح قان دسکون مکرش و مکرش	دسکون مکرش و مکرش دال مکرش و مکرش دال مکرش و مکرش
تنیق المار۔ و تنیق الال المملہ	دسکون مکرش و مکرش دال مکرش و مکرش دال مکرش و مکرش
تنیق المون	او دس ففتح اول دسکون ثانی دفتح قان دسکون مکرش و مکرش

دسکون مکرش و مکرش دال مکرش و مکرش دال مکرش و مکرش
دسکون مکرش و مکرش دال مکرش و مکرش دال مکرش و مکرش
دسکون مکرش و مکرش دال مکرش و مکرش دال مکرش و مکرش
دسکون مکرش و مکرش دال مکرش و مکرش دال مکرش و مکرش

مجمول وفتح لام ثانی وکسر جیم باکاف وفتح همزه وکسر لام ثالث بلبله کلان ه اینیا هرط ب ای ا ق سسل سوداخ فزیکلان وکران که درآب فرو رودش پیچیدم تاده درم ص سسل بلبله سیاه وپیوزن آن آند- آه پوری فث بدامل وفتح ثانی دوا ونبول وکسر راریمه و سکون تختانی م خرفل ه مانی-	مجمول وفتح لام ثانی وکسر جیم وفتح همزه وکسر سین مملو فتح و و سکون دین مملو فث بلبله سیاه ه زنگی هرط ب ای ا ی ق سسل خ بندی ش از جیم او کدرم تاده درم ودریک از پیچت درم تاده درم ص سسل وگویند روضن زرد بلبله کبابی ودر حقش نصف عدل بازو وحق آن تخم بود-
تنسيق التختانی و تنسيق اللات	تنسيق الرار المله

ایر سیا- پیوزانی بکسر اول و سکون ثانی و رار مملو و سین مملو فصا ح سوسن آسانگونی برگل و زنگهاسه زرد و سفید و منقش و هسان گون آینه است و ایر سیا بمعنی قوس قزح و این شابه باوست طح می ۲ ق سنج منقش مملو مملو اوساخ قروح خ خنج سیاه صلب بیا گر ه غشوش دو درم ص سسل یاربوب یا منقل ده و انگه وزن آن مازنی و سه وزن آن لبین الفصا یا کر مازنگ گویند پیوزن آن زرد و در در سینه پیوزن آن کثیره که شیره آنچه برشته باشند ایلو ا- ه بکسر اول و ثانی و مجول و سکون لام دوا و الفصا صبر ص سسل ارزق و مصطکی و زعفران حشمت تیر و پیوزن	ار هر- فصا فتح اول و سکون ثانی و رار مملو و پیوزن سنان ایر سیا صفر- ح بکسر اول و سکون ثانی و کلام و تختانی مجول و فتح لام ثانی و کسر جیم و فتح همزه و سکون مملو و فتح فار ف بلبله تیره ه هر زنگی ط ب ای ا ی سسل صغرا و قوی دل و مصدق فزیش از جیم او تده درم تا پیچیدم و در مطبوخ از پیچت درم تاده درم و تابست درم ص قناریه و زنجبین باب گرم یا عتاب ل پوست انار-
تنسيق التختانی و تنسيق اللات	تنسيق الرار المله

ایلو الی القسط- بکسر اول و سکون ثانی بالام و الف و فتح لام ثانی و سکون لام ثالث و فتح قاف و سکون سین مملو و طایفه ف فو سه از یاد و پیوزن است	تنسيق الرار المله
--	-------------------

انخت- فصا فتح اول و فتح ثانی و سکون جازیمه و فتح ثمین سجود و سکون قوتانی م زرویم و سین و آهن و روی و پیوزن و اسرب و از زرد و مثال آن ع خلز-	تنسيق الکات
---	-------------

ایلو الی القسط- بکسر اول و سکون ثانی و کسر لام و سکون تختانی	تنسيق التختانی
--	----------------

ناریسی قشنگ دل نشاط و مردانگی و سفیداب

تمنيق الحين المهم

ایدرع رومی بفتح اول و سکون ثانی مرغ دال طو سکون
عین مملک و دم لایحین م م خون سیاوشان و پیرا و نمی
و کوکب زرع غفران۔

تمتق اللام

ابن عباس کبر اول و فتح ثانی شد و وفات گوشتارگان و کوهی
لو بنده زندان و در رنگ که بکشتارید و در وادای خراگ را کرد.

تمسيق النون

ایر سون : فکیر اعلیٰ سکون ثانی اور اعلیٰ فہم حسین معلوم
کون داد و نون مع خلق و فربنگ و ابهرک۔

برقیون۔ بکس اول رسکون نامانی فتح رازنک و ناموسمائی
رسکون ادا فبقتہ۔

یہ زمانہ کہ کبر اول مسکوئی تھی اور اس خطہ باغات والے ہم حنا
ن کثیر اور لعل بزرگوں نال روغن مرزہ بخوش۔

برای فتح اول و سکون ثانی بر فتح را بر اول و سکون و فتح
روان - بنفع اول و سکون ثانی و مخرج را بر اول و سکون و ارف

لے کر دروازے سے باہر نکل کر دوکان۔

فی ریسون تھانی مع عود صلیب کجین و کافور و صابون
مقان پتھر اعلیٰ و رسون تھانی ہر اقسام و الف مر

نیر بیابانی و جنگلی تر مرأ

یا جبر۔ و بوجہ دوائے دسگون جیم و فتح را از علمه دان
فلا ایست شهورف گاوریس۔

یا ودا سبوت و دالف و سکون حال ملک فتح از انکه و او
ملک الف تم بیرند و بریجا۔

بأقلام أرحم بمرحمة الف و كسر قاف اللام والف و با كلا
و دال طرح ب اسم و گویند ب امی قاضی است هندی

کہ اور اس کو بے نیق تا بغیر شیعہ محل میں خیر و برکت کے
شروع و درمیان معتزل مانتے۔

بالا - مجموعه واف نام الف مشهور را پنج گانه می گویند که از نو
خسروانه سازند و بر بالا را نیز گویند -

باب الحجة لكونها جملة من جملة ما في القرآن من الحجة على الخلق في دعوى الله تعالى بعبادته وحده لا شريك له

ہندی و الفغانی دو اور ہندی ست۔
بالسا۔ و کچھ عجمی و نون و سین علیہ الفغانی مراد ہے۔

	تمنية الفتوحات	
--	----------------	--

باب و سبب سکون باز محله و فتح دال محله و سکون سین جمله
نقشه قالی مرآت

باب الحج بمعهده والى نعم موهبته فاني وسكون وادوية
 بن وسكون حرفت ابوده من تبي وسونم واطرم ۱۱

شوق المصالح غلبت على شوق الحق وكونت كبقية دغویند

اور روح - عمر و آت و طالع و ہوا سا کہ فی الجملہ

دبر سه ساله مع مثانی و غم و بهیژه	تتمیق اللام	-
نخچه - فتح اول و ثانی سکون ثانی و فتح لام و غم نام خرفه	بهمال - ف بغم اول و فتح بهم ثالث هم احوک	بهمال - ف بغم اول و سکون ثانی و فتح ع ثمره الطرافت گزارد و غم
تتمیق الدال الملهه و تتمیق الالف	تتمیق المیم	تتمیق الملهه و تتمیق الالف
بدار سه کسر اول و فتح دال مملو غم و الف و رار مملو	تتمیق الملهه و تتمیق الالف	تتمیق الملهه و تتمیق الالف
والف ثانی و دوا می بندی است طرح ق طین	تتمیق الملهه و تتمیق الالف	تتمیق الملهه و تتمیق الالف
تتمیق الجیم	تتمیق الجیم	تتمیق الجیم
و یج فتح اول و نیز غم اول و سکون ثانی و فتح ثانی	تتمیق الجیم	تتمیق الجیم
بیل ص ص غم و سیدستان ل حصص و ناسپال	تتمیق الجیم	تتمیق الجیم
تتمیق الدال الملهه	تتمیق الدال الملهه	تتمیق الدال الملهه
بداری کند - ه کسر اول و فتح ثانی و الف و کسر رار مملو	تتمیق الدال الملهه	تتمیق الدال الملهه
سکون ثانی و دوا می بندی است	تتمیق الدال الملهه	تتمیق الدال الملهه
تتمیق الکاف	تتمیق الکاف	تتمیق الکاف
بدیدک و بدک - ف بغم هر دو مملو و سکون دال مملو	تتمیق الکاف	تتمیق الکاف
اول و فتح و ال مملو ثانی و رفعت اول و غم اول و فتح ثانی	تتمیق الکاف	تتمیق الکاف
در رفت ثانی و ه بدید	تتمیق الکاف	تتمیق الکاف
تتمیق اللام	تتمیق اللام	تتمیق اللام
بدیل - ف فتح اول و سکون دال مملو و فتح لام سکون	تتمیق اللام	تتمیق اللام
لام مملو و هندی خوش است بشکل و در غم طرح	تتمیق اللام	تتمیق اللام
تتمیق المیم	تتمیق المیم	تتمیق المیم
بدیم - ف فتح اول و سکون ثانی و ییم شکو و رفعت مثالیان	تتمیق المیم	تتمیق المیم
ل بدید شک گویند مقوی دال مملو و جین باه است	تتمیق المیم	تتمیق المیم
تتمیق النون	تتمیق النون	تتمیق النون
بدان - یونانی فتح اول و ثانی و فتح سین مملو و قات	تتمیق النون	تتمیق النون
بخته - فتح اول و سکون ثانی و فتح ثانی و غم نام گویند	تتمیق النون	تتمیق النون

دبر سه ساله

دبر سه ساله

والف نثانی و نون ف بدسکان ل گشت برکت -

بدلون - ه بکسر اول و سکون ثانی هندی چشم لام و سکون
و او و نون ف ننگ سیاه طح -

بدلیون - سریانی بنوع اول و سکون ثانی و کسر لام چشم تنانی
و سکون و او و مقل ه گوگل -

تتمیق الزرار المله و تتمیق الالف

برنا - بنوع اول و سکون ثانی و نون و الف م حنا -

برنج کرا - ه بکسر اول و فتح ثانی و سکون نون و کسر جیم و فتح جیم
و سکون کاف بار و اوله ثانی م جامل هر او اوی که خود رست

برهنیا - ه بکسر اول و فتح ثانی و سکون و او و فتح فوقانی هندی
تحتانی م ثانی بزرگ -

برلیا بنوع اول و سکون و او و کسر لام تحتانی م لازیا ه نون
تتمیق الموهمة الفارسی

برنجاسپ ف بکسر اول و فتح ثانی و سکون نون باجم و ان
و سکون سین مله و بار موهمة فارسی م بوی ماوران -

تتمیق الفوقانی

برعشت - ف بنوع اول و سکون ثانی و فتح سین و جیم و سکون
سین مله باشین و جیم و فوقانی م گیا هیت ستر که مانند اسپینان
ست آزاد ایلش سازند و خود رو بود و آزارش برینیز گویند
و بیشتر در زراعت کنند و دیگر خلایق و کناره ای آب بر وید -

تتمیق الدال المله

برجید کند - ه بکسر اول و ثانی و سکون جیم فارسی و ایلالمی و
فتح کاف و سکون نون و فتح و ال مله م سیدالود -

تتمیق الزرار المله

برنج بقم اول و سکون ثانی و او و اوله شد و ف گندم و گندون
بر - ه بکسر اول و سکون ثانی هندی شجر معروف هندی است
ع ذات الذائب بخواند -

تتمیق الفار

برجاف - ف بقم اول و سکون ثانی باجم فایس و الف
و فام غله جلاب و ملک -

برنجاسف بکسر اول و فتح ثانی و سکون نون و جیم و الف و سین مله
و فاق قیصوم ف براسک بوی ماورا که قیسم ف سننیت و گند بار

تتمیق القاف

برقوق بنوع اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون و او
و قاف ثانی ف بشنش و قوبانی -

برواقی بنوع اول و سکون ثانی و فتح و او و سکون الف
و قاف ف گیا ه سریش -

تتمیق الکاف

برناسک ف بنوع اول و سکون ثانی با فوقانی و الف
و فتح سین مله م برنجاسف -

برنجشک - ف بنوع اول و ثانی و سکون نون و جیم
و کسریم و سکون شین و جیم و کاف م بانگو -
بروشک ف بقم اول و ثانی و سکون و او و فتح سین مله م

تتمیق الکاف الفارسی

برنگ بنوع اول و ثانی و سکون نون و کاف فارسی و برنج کالی -
تتمیق اللام

برون - ه بنم اول و ثانی در سکون و او و کسوف و قانی هم یکسان

تسبیح الزرار السجده و تسبیح الالف

بز اللک شایع بفتح امل و سکون زازیمه و هم راجعه و سکون لام و فتح قاف باشد و الف و تخم خیاره و کثری کنی و تخم ط بسیار و فرج سکون بی تخم باورنگ -

بز اللمند با - ع بکسر لام و سکون نون و هم والی جمله و موده و الف و تخم کاسی ط مع اح بی صلخ سیاه فربیشانی شش و دورم تاسه درم ص سکون بی -

بز القبله الحما - ع بکسر راجعه و فتح موده و ثانی و سکون قاف و فتح لام و تخم قو قانی و سکون لام ثانی و راجعه و فتح یوم و تخم تورک و خرده و لونیایه که سیج -

بز رطل و تا - ع بفتح اول و سکون زازیمه و کسر راجعه و هم قاف و راجعه و سکون ما و و نون ف بگو و اسفول ط بزر گویند و گویند مع ری هم ق را و ع خ سرخ سیاهی که فربه گران که داب بز و دوش از دورم تاسه درم ص کثیرا

ال جاسف و مل یا تخم لسان اکل یا بز و راجعه و در بعض تخم خرده

تسبیح الموحده

بز السداب - ع بضم راجعه و هم سین جمله و د و امل شده و الف و سکون موده و ثانی ف تخم سداب ط ی ۱۳ خ سیاه فربیش یکدرم تاده و درم جبت فواق ط یمن اناریخوش و شیرین و کثیرا یا غسل سداب -

بز القصب - ع بفتح اول و زازیمه و هم راجعه و سکون لام و فتح قاف و سکون نون شده و موده و ف شده و تخم بنگ -

ه بجایا که بیج ط ۳۲ سر و خشک ص خشک و سکون بی - بز الکر نبد - ع بسکون لام و فتح کاف و سکون راجعه و فتح نون ف تخم کلم ط ح ی خ تازه فرب -

تسبیح القو قانی

بز القصب - ع بکشین بجه شده و موده و سکون نون و ف تخم شبت ه سوسه که بیج ط ح ی ۲ گویند مع ق شقی و تخم فربیش و دورم ص غسل و وزن آن شبت -

بز القصب - ع بسکون لام و فتح قاف و سکون نون و فتح عینی و سکون نون ثانی و هم کاف فارسی و سکون بی و هم و ثانی ه بنمایا که بیج ط ح ی ۲ گویند سر خ فربیش و دورم ص شیر بز -

بز اللقت - ع بکسر لام شده و سکون قاف ف تخم شقم ط ح سرخ سرخ فربیش و دورم ص بز اللمطخ ل بز اللمطخ با تخم جزر و وزن او -

تسبیح المشله

بز الکران - ع بضم کاف و راجعه و موده و الف و مشله ف تخم گند نا ط ح ی ۳ گویند ۲ و آن بهینه که بجا نند بسیار و تخم شامی تازه فربیش از یکدرم تاده و دورم ص غسل با جزیر بز الکشوش - ع بضم کاف و شین بنجده و سکون ما و باشد و ابریل که بیج ط مع اح بی صلخ فربیش و دورم ص ل بند بند یا یا چار و انگ و زن آن انفتین -

تسبیح البجیم

بز اللمنج - ع بسکون لام و فتح موده و سکون نون و جیم

<p>ف تخم خه ابراسن خراسانی طسیاه ادب سی ۱۲ سفیداد سی سی ۲۰ ق تابعن عباس غن و حصن رخ سفید و سرخ ش از یک انگه دو دانه گل گل عسل و تنه کردن آب گیم و روغن و عسل لایقین یا علاج خوشخاش -</p> <p>بزرگ از زجاج سیع بار بار مملو شده و الف و سکون زار بجه باحتیانی و الف ثانی و فتح نون ف تخم بادیه و سولت کسب لایقین و تخم شبت و روغن آن راز با نود و انجیر -</p>	<p>بزرگ القند - ع بسکون لام و فتح قاف و شکله و الف مملو ف تخم خیار یا انگه کبیر تنه کسب طاب رخ زبانه اخو اختیاره ش از نیم تاده در دم کبیر یا بسکونین لایقین خا بزرگ و روغن بسکون لام و فتح واد و بسکون راز و مملو و الف ف تخم گل که در گویند و آن زیت که میان گل است ط بسی ق تابعن عباس خون رخ اخو از گل فارسی ش و در دم کبیر یا دانیسکون لایقین عربی -</p>
<p>تتمیق الزرار المله</p> <p>بزرگ الجحیر - ع بسکون لام و کسر نیم بسکون راز و کسر نیم ثانی و سکون ثانی در اول مملو ثانی ف تخم کمر که در اط ح می گویند و ق مقلی بسی منشی رخ بستانی ش و مشتاق ص کبیر ل خزل یا تخم انجیر یا غشی الشلب یا بون آن تخم کند نا بزرگ و روغن بسکون لام و فتح نیم در زبانه تخم زرد کسب و روغن کبیر بزرگ و روغن بسکون لام و فتح مین مملو و سکون مملو و الف و روغن مملو ف شکله و گوگرد و کبیر یا کسب سیخ -</p>	<p>بزرگ الکاج - ع بسکون لام با کاف و الف و سکون کاف ثانی و فتح نون ف تخم حرد سک و مرده -</p> <p>بزرگ - ف بغم اول و سکون ثانی و نیم مین و سکون نون گویند که در شست کبیر یا سیو یا منزار و آرد و یک ل بیه منزار آن منزار را سیو گویند و بیه منزار این نام خوانند -</p>
<p>تتمیق الزرار الجحیر</p> <p>بزرگ الاسفانج - ع بسکون لام و کسر نیم و سکون مین و فتح فافون و الف و فابجه تخم ساگ یا کک طاب رخ بایک برخی شش یک در دم صطین مخم -</p>	<p>تتمیق الزرار الجحیر</p> <p>بزرگ الاسفانج - ع بسکون لام و کسر نیم و سکون مین و فتح فافون و الف و فابجه تخم ساگ یا کک طاب رخ بایک برخی شش یک در دم صطین مخم -</p>
<p>تتمیق الزرار الجحیر</p> <p>بزرگ البلیطج - ع بسکون لام و کسر نیم و سکون مین و فتح فافون و الف و فابجه تخم ساگ یا کک طاب رخ بایک برخی شش یک در دم صطین مخم -</p>	<p>تتمیق الزرار الجحیر</p> <p>بزرگ البلیطج - ع بسکون لام و کسر نیم و سکون مین و فتح فافون و الف و فابجه تخم ساگ یا کک طاب رخ بایک برخی شش یک در دم صطین مخم -</p>
<p>تتمیق الزرار الجحیر</p> <p>بزرگ البلیطج - ع بسکون لام و کسر نیم و سکون مین و فتح فافون و الف و فابجه تخم ساگ یا کک طاب رخ بایک برخی شش یک در دم صطین مخم -</p>	<p>تتمیق الزرار الجحیر</p> <p>بزرگ البلیطج - ع بسکون لام و کسر نیم و سکون مین و فتح فافون و الف و فابجه تخم ساگ یا کک طاب رخ بایک برخی شش یک در دم صطین مخم -</p>
<p>تتمیق الزرار الجحیر</p> <p>بزرگ البلیطج - ع بسکون لام و کسر نیم و سکون مین و فتح فافون و الف و فابجه تخم ساگ یا کک طاب رخ بایک برخی شش یک در دم صطین مخم -</p>	<p>تتمیق الزرار الجحیر</p> <p>بزرگ البلیطج - ع بسکون لام و کسر نیم و سکون مین و فتح فافون و الف و فابجه تخم ساگ یا کک طاب رخ بایک برخی شش یک در دم صطین مخم -</p>

والف و لون ف بزرگ د اسی طرح اسع می گویند
مع ۲ ح ب س گویند بی ا ق طین متع سفنج خ
نازه فربش سه درم من غسل حطب با عصاره با قلا
برالماذیون ح تخم شبت طاروق سق
نزال علیک مع بنفخ باد سکون لاه فم ختانی سکون واد
تخم اچوبه داکه وک کچسب طرح ر سح بتانی ش
دود من غسل اندر یک با و ب الفلفل وینوزن تودری
وینوزن شفا قل بعت چاری شانینوزن تخم کاج وودا
وزن آن حطب مقشر شش یک آن غب اشلب
وگویند طین و خطل

تمنيق الواو | بزر. الواو

نیز لکرو: پنج سیم سکون را از جمله دوا و جبر و فساد حکم بردارند
 هر دوا که بی طرح رخ نماند و فریب سرخی ناکش
 و دور من گشتار دل بزرگتن یا بزرگ قلوبا -

تنبيهات

و نیز از لایحه منع بهره و سکون نوزاد و غیره منع را صادر و قایل
 شدیم که هرگز نه انگلیس هیچ طرح می گویندی یا خ
 و از این جهت شغال تا به شغال باره درم نمی گیرال حرف
 و در و اما باز که اراش باز در خیر

بدر الخضر فرستاد بگویند لام و فرم خاخر و سکن را و از فرستاده
ن و از مصلحت خود که او را نیاید که هیچ طب را از او نبرد
باز خبرم حجت پشاه جان بگویند مشیر و دیگر فرستاده
باز نصرت و زن بزرگواران.

بزرا را طبع بر پنج را جمله شد و طرا طرا و موج و خضار را
 فتنه تمسک است و تخم زنجبیل طرا را رخ زرد و فربش از
 غیر دم تا هفت درم از بزرا الفت
 بزرا الموه - یونانی بقدر پنج و او را غبار تا ثانی فبا تودی
 بزرا عسکه - ففتح اول تا ثانی بسکون غنیم بزرا ففتح تیسین غنیم
 و سیم و فقا و دم بنهری با شام کند بر شیم که در سیاه آب بهم رسد و
 و بزرا شیر از آب کباب مندر علقه سوال و سوال
 بزرا حیه - ففتح اول و کسره ثانی و سکون ثانی و فتح
 جعفر فارسی و فقا و دم بنهری علقه و سوال

بزرگداشت فضل اول و کسرتانی و محتانی قبول و فتح شین
معمود و خوار و مکنجه تل و قلی ص عمل لایعین باور

تشیخ التفتانی

بکون لمام و قییم و زیاده تفتانی و غیره
در حلقه ثانی و سکون لا فتنه موحده و کسر لا فتنه شده
لاش و سکون تخفانی هم دو خوف تنگ گذر صحرائی -

[illegible]

موجوده ثانی می شود و الف و کسر زنجیره تختانی در وقت اول
و سکون لام و کسریم و تختانی در وقت ثانی ف تخم و سنگ
و غنمی که بیج ط مع ح رگویند بی اخ سیاه رسیده
از تخم جنازی تخم خیار و کشمش ابو گوشت نر و داوودیه حله

در الزام یا شیخ الرومی مع الف و کسر زنجیره تختانی می شود و الف و
سکون زنجیره تختانی با الف ثانی و فتح نون و جیم تخم و کسر
ثالث و سکون داو و کسریم هم اینگونه با دیان روی
زیر الزامان البری مع الف و کسر زنجیره تختانی می شود و الف و
و غنم و سکون و سکون لام و فتح موجوده ثانی و کسر و معده می شود
ثالث مع حب القلقل ف تخم انار شسته و تخم نار که بیج
زیر الزام کفرس البسانی مع سکون لام و فتح کان و در هر حله
ثانی و سکون فاد و کسریم هم در سکون لام ثانی و تخم موجوده ثانی
و سکون سین حله ثانی با فو قانی و جزد و کسر نون ف تخم کفرس
بسانی و موجوده که بیج ط مع می ۲ ش سه در ص حال
فکر ساینه یک و زن آن آشتین نیز زن آن نظر ساینه

تمییق الزام الفارسی و تمییق النون

ثلاث ف فتح اول و زار فارسی و سکون فون م و غن
بسر مع غنم اول و سکون ثانی و با حله و فو قانی و سکون و غنم
مع حله و سکون ثانی با فو قانی و جزد و کسر نون ف تخم کفرس
بسانی و موجوده که بیج ط مع می ۲ ش سه در ص حال
فکر ساینه یک و زن آن آشتین نیز زن آن نظر ساینه

تمییق الزام الفارسی و تمییق النون

بسر مع غنم اول و سکون ثانی و با حله و فو قانی و سکون و غنم
مع حله و سکون ثانی با فو قانی و جزد و کسر نون ف تخم کفرس
بسانی و موجوده که بیج ط مع می ۲ ش سه در ص حال
فکر ساینه یک و زن آن آشتین نیز زن آن نظر ساینه

تمییق الزام الفارسی و تمییق النون

بسر مع غنم اول و سکون ثانی و با حله و فو قانی و سکون و غنم
مع حله و سکون ثانی با فو قانی و جزد و کسر نون ف تخم کفرس
بسانی و موجوده که بیج ط مع می ۲ ش سه در ص حال
فکر ساینه یک و زن آن آشتین نیز زن آن نظر ساینه

تمییق الزام الفارسی و تمییق النون

<p>تتمیق الطیار المملح</p> <p>بطباط - سیرابی بفتح اول و سکون ثانی با سروده ثانی و هفت</p> <p>و طامعه ثانی ف کشته رت سکا ط ح ی ۲ ق قابض</p> <p>خ سبز تازه ش و در م ص ک رض لی حاض -</p>	<p>بصل الزنجبیل کبر زاج میشد و سکون تخمانی و زاج</p> <p>سجری ثانی ف م لبوس صنادش جبت و انقلب و بوق نافع -</p>
<p>تتمیق السین المملح</p> <p>بصل الزنجبیل - ع بفتح نون مشد و سکون را مملح و کبر</p> <p>چم سکون سین مملح ف پیا ز کس ه ز کس کی جر ط ح</p> <p>ح ر ق سمن ص سر که و پیا ز و شیر شک در و اندازند -</p>	<p>تتمیق القاف</p> <p>بصاق - ع بفتح اول و فتح ثانی و الف و قاف ف</p> <p>عایق بن ه لا ر ط ح ا ر ۲ ق منقح محلل رخ انصایم -</p>
<p>تتمیق السیم</p> <p>بطم - ع بفتح اول و سکون ثانی سیم و رخت حبه اخضر اف</p> <p>و رخت بن ط ط ح ی ۲ ق محلل رخ سبز تازه و منقح</p>	<p>تتمیق اللام</p> <p>بصل العنصل - ع بفتح عین مملح و سکون نون و هم مملح</p> <p>و سکون لام ثانی ف تمبل -</p>
<p>تتمیق المنون</p> <p>بطر اسالیون - یونانی بکسر اول و سکون ثانی و باراجله القاسم</p> <p>مملح و الف ثانی و کسر لازم و هم تخمانی و سکون و او و نون م</p> <p>نظر اسالیون بطر آرا یونانی کوه و سالیون را کبر ف کشف</p> <p>نم ک رض کوی به یارگی اجموده ط ح ی ۲ ق منقح و ندر</p> <p>رخ سیاه ش کیدرم ل شاه بلوط یا و وزن آن نیم ک رض</p> <p>یا نیم وزن استین -</p>	<p>تتمیق الطار المملح و تتمیق الخمار المملح</p> <p>بطنج - ع بکسر اول و طامعه میشد و سکون تخمانی و زاج حبه</p> <p>ف خریزه و خربوزه ط ح ا گویند ص ح ب گویند ب</p> <p>رمق در مجلی و پوست او قحی خ سرفندی شیرین ص</p> <p>سکینین ساده ل در جلاب با قلا و بزر قطنوا -</p>
<p>تتمیق التخمانی</p> <p>بطنج زرقی ح ع کبر اول ثانی مشد و سکون تخمانی و کسر خاچی</p> <p>و زاج و زاج و قاف مشد و سکون تخمانی ثانی ف خیا که و دهنده و</p> <p>ه تر و ز ط ب ر ش یک ص و خ شیرین و رسیده و آبدا</p> <p>ص قند یا عسل یا دی و خرنیا بعد از و -</p>	<p>تتمیق السین المملح</p> <p>بطارس - یونانی بفتح اول و ثانی و الف و کسر را مملح و سکون</p> <p>سین مملح م شرس که زاکیل و رو گویند و سیرا م گرم آشک</p>

تتمیق العین الملهه و تمیق الموهده	والعین بقله الحقا گویند نهاد آن جهت جرب و حکم نافع -
بالمصنوع یعنی اول سکون عین بر سر قفسه نشاند و سکون موهده بر سر عین سوار طرح می ال زبدا بر سر -	تتمیق الموهده بقله المصنوع یعنی موهده بر سر قفسه نشاند و عین بر سر موهده سوار طرح می ال زبدا بر سر -
تتمیق الزرار المجره	تتمیق الزرار الملهه
بعد الماعز عین بر سر عین موهده و سکون زبدا بر سر یشک بگری که شکلی طرح می ال قشع معنی خ تر و زو من و من گل و زو زبدا آن بکنده جهت فتح ادر و جرب -	بقصر یعنی اول زبدا و سکون زبدا در قفسه که اول و بعد - بقله الما انصار یعنی موهده بر سر قفسه و سکون نون با صا و بعد العن و در موهده کلمه گویند زبدا او قاطع خون جین -
تتمیق اللام	تتمیق السین الملهه
بعد الما لاجل عین بر سر عین و العن و لام می ف بشک شتران طرح می ال گویند لاجل پوشیده ادر جل جهت نفوس مجرب -	بقله العدر یعنی عین بر سر عین موهده و سکون سین ف بود و زبدا و طار و گرام و شک من گشایش تاد و دم -
تتمیق النون	تتمیق الف
بعد الفان مع بفا و عجمه شده و الف و نون ف شک میش طرح می ا -	بقیس یعنی اول کسرتانی و سکون شتانی ف و زبدا شتانه -
تتمیق النین المجره و تمیق الالف	بقله الخطاطیع یعنی عین بر سر عجمه و طار و موهده الف و طار
بجا - ف یعنی اول و سکون ضین عجمه بار و موهده الف م خو که زک آرا را زبدا گویند -	موهده ثانی و سکون شتانی او قام با میران -
تتمیق القاف و تمیق الالف	تتمیق القاف
بقله الحقاص یعنی اول و موهده زبدا و سکون قاف لام و موهده ثانی و سکون لام ثانی و عجمه و موهده قاف	بقی یعنی اول و سکون ثانی ف پشه و مجرب -
والف ف تورک و ساگ لویا کا طاب رسا گویت ب هق شمری و سکون اجاع خ بین و رقی ص کرفس گویند جرب حیرت و عجمه گویند نفع ال خس -	بقله المملک یعنی اول و سکون ثانی یعنی لام و موهده ثانی و سکون الم ثانی و موهده کسرتانی و سکون کاف ف شتانه هیت یا پرا -
بقله الزرار یعنی موهده زبدا و سکون زبدا و موهده	تتمیق اللام
بقله الغزال یعنی کسرتانی عجمه و زبدا و الف و لام موهده	بقله الغزال یعنی کسرتانی عجمه و زبدا و الف و لام موهده

<p>تتمیق السیم</p> <p>بقلمه الفارسیتم - بنفع اول و سکون ثانی و فتح لام و هم فو قانی و سکون لام ثانی با تا و الف و فتح زایر جمله و سکون سین جمله و کسر فو قانی و سکون تختانی و یم باد رنجوبیه -</p>	<p>بکلمات بنفع اول و سکون ثانی و فتح سین جمله و یسیم و الف و ی و ا و ز نانی که آزا مریج بریده نیز نند و یه سمانا بکشد و توشه سازان سازند و گوشت ف نان و دو آتشه -</p>
<p>تتمیق الکاف</p> <p>بقلمه الفارسیتم - بنفع اول و سکون ثانی و فتح لام و هم فو قانی و سکون لام ثانی با تا و الف و فتح زایر جمله و سکون سین جمله و کسر فو قانی و سکون تختانی و یم باد رنجوبیه -</p>	<p>بقلمه الفارسیتم - بنفع اول و سکون ثانی و فتح لام و هم فو قانی و سکون لام ثانی با تا و الف و فتح زایر جمله و سکون سین جمله و کسر فو قانی و سکون تختانی و یم باد رنجوبیه -</p>
<p>تتمیق الهمزة</p> <p>بقلمه الفارسیتم - بنفع اول و سکون ثانی و فتح لام و هم فو قانی و سکون لام ثانی با تا و الف و فتح زایر جمله و سکون سین جمله و کسر فو قانی و سکون تختانی و یم باد رنجوبیه -</p>	<p>بقلمه الفارسیتم - بنفع اول و سکون ثانی و فتح لام و هم فو قانی و سکون لام ثانی با تا و الف و فتح زایر جمله و سکون سین جمله و کسر فو قانی و سکون تختانی و یم باد رنجوبیه -</p>
<p>تتمیق الهمزة</p> <p>بقلمه الفارسیتم - بنفع اول و سکون ثانی و فتح لام و هم فو قانی و سکون لام ثانی با تا و الف و فتح زایر جمله و سکون سین جمله و کسر فو قانی و سکون تختانی و یم باد رنجوبیه -</p>	<p>بقلمه الفارسیتم - بنفع اول و سکون ثانی و فتح لام و هم فو قانی و سکون لام ثانی با تا و الف و فتح زایر جمله و سکون سین جمله و کسر فو قانی و سکون تختانی و یم باد رنجوبیه -</p>
<p>تتمیق الهمزة</p> <p>بقلمه الفارسیتم - بنفع اول و سکون ثانی و فتح لام و هم فو قانی و سکون لام ثانی با تا و الف و فتح زایر جمله و سکون سین جمله و کسر فو قانی و سکون تختانی و یم باد رنجوبیه -</p>	<p>بقلمه الفارسیتم - بنفع اول و سکون ثانی و فتح لام و هم فو قانی و سکون لام ثانی با تا و الف و فتح زایر جمله و سکون سین جمله و کسر فو قانی و سکون تختانی و یم باد رنجوبیه -</p>

<p>بلار ف یفتح اول و ثانی و الف هم آذر بود آن پنج خالیت آذر ایشان خوانند گویند بخوان را کی کنند با سیرت</p>	<p>تتمیق اللام تفتح المودة الفارسیه</p>
<p>تتمیق السین الملهله</p>	<p>بلجاسف ف بکسر اول و فتح ثانی و سکون ثانی باجم الف و سین مله و موحده فارسی م بود و اوران -</p>
<p>بلجاسف ف یفتح اول سکون ثانی و فم موحده ثانی و سکون واو سین مله مصل الزید و گویند سپا و فتح طح می گویند حق تلغیخ و ترو تاز و ح شیر تاز و و شیده و بایل نفس</p>	<p>تتمیق البجیم</p>
<p>بلج ف یفتح اول و لام ع عدس -</p>	<p>بلج ف یفتح اول و لام الف هم می یونف که آنان بویا بمانند بلج ف یفتح اول و سکون ثانی و سکون ثانی و فتح لام ثانی و ف</p>
<p>تتمیق الصاد المجهله</p>	<p>بلید بهیراط ب گویند می می می قافض طفت مقوی معه رخ رد و رسیده ش از یکدم رسد ص ص ص یا بوب</p>
<p>بلوط الارض ح یفتح اول و ثانی و سکون و او فم طامه و سکون لام ثانی و فتح فمه و سکون راز و طامه هم که کاف و س</p>	<p>بلوط الارض ح یفتح اول و ثانی و سکون و او فم طامه و سکون لام ثانی و فتح فمه و سکون راز و طامه هم که کاف و س</p>
<p>تتمیق الطار الملهله</p>	<p>بلوط الارض ح یفتح اول و ثانی و سکون و او فم طامه و سکون لام ثانی و فتح فمه و سکون راز و طامه هم که کاف و س</p>
<p>بلوط مله اول و ثانی و سکون و او فم سین نام است طاب می می گویند گویند می ساق قافض و طاب غون</p>	<p>بلوط مله اول و ثانی و سکون و او فم سین نام است طاب می می گویند گویند می ساق قافض و طاب غون</p>
<p>بلوط مله اول و ثانی و سکون و او فم سین نام است طاب می می گویند گویند می ساق قافض و طاب غون</p>	<p>تتمیق البجیم الفارسی</p>
<p>بلوط مله اول و ثانی و سکون و او فم سین نام است طاب می می گویند گویند می ساق قافض و طاب غون</p>	<p>بلج ف یفتح اول و ثانی و سکون و او فم سین نام است طاب می می گویند گویند می ساق قافض و طاب غون</p>
<p>بلوط مله اول و ثانی و سکون و او فم سین نام است طاب می می گویند گویند می ساق قافض و طاب غون</p>	<p>تتمیق السحار الملهله</p>
<p>تتمیق الفسار</p>	<p>بلج ف یفتح اول و ثانی و سکون و او فم سین نام است طاب می می گویند گویند می ساق قافض و طاب غون</p>
<p>بلجاسف بکسر اول و ثانی و سکون و او فم باجم الف و فتح سین مله و فام بر بناسف ف بوی اورا که کند مار و کند</p>	<p>بلج ف یفتح اول و ثانی و سکون و او فم سین نام است طاب می می گویند گویند می ساق قافض و طاب غون</p>
<p>تتمیق الکاف</p>	<p>تتمیق الراء الملهله</p>
<p>تتمیق الکاف</p>	<p>بلوط مله اول و لام الف و فم فال مله و سکون بار مله و</p>
<p>بلوط الملک ح بکسر اول و سکون ثانی و فتح بلوط الملک ح بکسر اول و سکون ثانی و فتح</p>	<p>بلوط الملک ح بکسر اول و سکون ثانی و فتح بلوط الملک ح بکسر اول و سکون ثانی و فتح</p>
<p>بلوط الملک ح بکسر اول و سکون ثانی و فتح بلوط الملک ح بکسر اول و سکون ثانی و فتح</p>	<p>بلوط الملک ح بکسر اول و سکون ثانی و فتح بلوط الملک ح بکسر اول و سکون ثانی و فتح</p>
<p>بلوط الملک ح بکسر اول و سکون ثانی و فتح بلوط الملک ح بکسر اول و سکون ثانی و فتح</p>	<p>بلوط الملک ح بکسر اول و سکون ثانی و فتح بلوط الملک ح بکسر اول و سکون ثانی و فتح</p>
<p>تتمیق اللام</p>	<p>بلوط الملک ح بکسر اول و سکون ثانی و فتح بلوط الملک ح بکسر اول و سکون ثانی و فتح</p>

نبات النار ع بیخ اول ثنائی و الف و جم فوقی بانون
مشهد ثنائی و الف و جم و را اول و م کج و ف گز نه۔

نیسر - و بفتح اول و سکون ثانی فی فتح موحده ثانی و سکون ثالث
مہستان ط ب باح از سہل مخدوہ المزاج -

تمتق الشين المعبر

بنو ماس فاضل مل ثانی سکون و او یام الخشیں سجدہ ملائکہ

٣	تبيين القام
---	-------------

امیر سکندر شاه از غم و اندوه

ق. بعضی حسن خ بزرگ باید هاش ده درم من نیندازد اما
شیرین یا وزن آن مکرر و بعضی گویند بیغوره -

تمتہ الکاف

مینیک - فصلیخ اول د کسرفانی د سکون تخماتی م کر لیدو
ویند نرس از ابر شمر ز مایه است و نرس کر -

تسويق الكاف النوار

بیشمار اول سکون ثانی و کاف م مانند شور است که
در بعضی مغلطه در کس مشروط ح می آید و قاف م مختلف است

و ک غشوا هشتاد و نه

تتميز النون

اول رکن شکر

ن فتح نواجره داورالت ونون ف زبان خنک عسان ابعنا
سلح و رشتو ادا فضا ای شاد از سید مملو غفر لایحه

2000-2001

پونا فی کمالی - پونا فی کمالی - پونا فی کمالی

و فتح نافونم لاهم سکون و اوف بخ چنکشت ط ب
اسی ۲۱ ق تابع رخ بخ غلیظ شش بکشتال هر کس غلظت

بنگرانِ حقِ یقینِ اول و سکونِ ثانی فریغِ کافِ بارِ طوطیِ لوت
 ہم بر بنجے کہ در تریکِ بریانِ شدہ باشدہ کھر حین۔

بن گلبون - فتح اول سکون نانی و کسراف فارسی و تحال

خجیل و منقار و سکون داوم را خواست.

[illegible]

چشمه کبریا

تتمت	تتمت
------	------

١٠٠

بیلوئی مجمع اول و سلون ثانی و جمہور کاناری سلون المودا

	محقق السار	
--	------------	--

بسمه تعالی اول سکون ثانی و ثلث سکون و اول و ثلث سکون و

مختارہ انگریزی

منطقه خلیج اول و دوم ثانوی و فتحه فاف م غله البیت مد

مانند غلبه که غلبه را بر اشد ط مع ۱۱۰

	تمت
--	-----

میرزا محمد علی

یہ بھی ہے کہ اول دول مانی و سیریم فرج کال مہ و کول

سین جیمہ دسکروائی و سلون عثمانی ۵ و جیمہ درا۔

بندقی ہندی بلبلوں و سلوں مانی و صم و ال خلمہ و کسراف

و اما بگویند خون تانی و کسر ال محله تانی را ریشیا طرح

ی آتش بہت شعلہ اڑ رہی تھی اور۔

<p>بول اوران - شنبه اول سكون ثاني بغير دانه وفتح ال ودر دانه ثاني ودر اوران بجز دانه اول عظم بر بنجا سفت -</p>	<p>تمينق العام بول المابل من فتح اول سكون ثاني ودر دانه ودر دانه ثاني سكون لانه شنبه ف كبر شتر شرب از شتر اسباني -</p>
<p>تمينق السار</p>	<p>بول - ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>
<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>	<p>تمينق السار</p>
<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>	<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>
<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>	<p>تمينق السار</p>
<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>	<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>
<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>	<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>
<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>	<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>
<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>	<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>
<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>	<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>
<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>	<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>
<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>	<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>
<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>	<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>
<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>	<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>
<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>	<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>
<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>	<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>
<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>	<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>
<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>	<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>
<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>	<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>
<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>	<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>
<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>	<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>
<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>	<p>بول ونبه اول و سكون ثاني ولام م مر -</p>

بجمل او - هـ بکامل و سکون فنان باللام الف مضاف لغت آخر مانند رنگ خیرت بر سنگ می نشیند -

ف بلا وجب الفهم و الفهم چیست که خواننده بداند و بداند که بخواند
بمنکر اول یعنی اول و سکون ثانی و فاعل و نون و فتح کان فارسی
درست بندیت که در کشید از قضا و اوراق سازند

بہمیرا۔ دینق اول و کسرنانی و تھمانی و راو حلف بلیست
برو کتابت نمایند و گویند بخوان باش از الہ سپہ

تمت

تنسيق الزوار المعجم

بہار سید - فتح اول و ثانی و الف و کسر و جملہ - سوین محلہ
و جوتمان جملہ و مودہ و ف و گ سید سہی و مقوی و داغ -

تمیق الکاف الفارسی

تینیق بجمیس	مجانک - دفتح اول ایلک ثانئ الین خزانو
تینیق اللام	کچ - فتح اول سکون ثانئ م بوزیران -

بہار حج - حج بنتھ اول سکون ثانی بار بیکہ والٹ فریق میر
 سکون چیم میر بید مشک ط مع -
 بہار حج - حج بنتھ اول سکون ثانی بار بیکہ والٹ فریق میر
 سکون چیم میر بید مشک ط مع -

تمت بحمد الله

تنمية النون

ما را مرو و بفتح بهره و سکون سیم و فتم را از جمله و سکون ها و
ن گل را مرو و گو مند تقوی و طبع -

تمنیه الراجاء المملو

نیمتو الارام المله	نانی یاقوت سرخ و غازه که زمان هر یک مانند
مار - ف بفتح اول دلم و الف و در احوال م با جو نه و گویند گل	همین م بفتح اول سکون نانی و فتح بیستم شش
نان دگل تا یخ طرح می طق ملل ح نرد تازه ش	و گویند گنگنه و لایقی هست سرخ بگلش و سفید
مقال من زرد و دل چیده -	می م گویند ح ر م بی و من و مغز و قوی

ہیون لہ تووری

حق البحر - ع یفتح اول نشان و منتهای و سکون لام و فتح
عقله و میم و راء و طاء ع خزانة الخروف کل سنگ و آن

[illegible]

پیشکش پرستوک - فتح بکسر اول فارسی ثانی و سکون
 سین مملعه و ضم فوقانی و سکون کات و لغت اول و سکون و
 و لغت ثانی جانور است که پشت دم آن سیاه بود و بینه سبز باشد
 و منقارش شیخ و در صفت خانه تشبیه دارد و فرشتگ فرشته است
 پریشک - ه بکسر اول فارسی ثانی و ثمنانی مجهول و مختار نون
 کاف عربی و وای هند است و همین نام شهرت دارد -
 پروانک - فتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح نون م
 جانور است که پیشاپیش شیر آواز کند - و -

پریشان و ششان - فتح اول فارسی ح کز المیه و ثانی
 و کز چاه و سنبل که در کنار چاه و چشمه میوه میوه می
 آگوسته مع ح قی منشی ملکیت و منشی منشی سبل المیه و
 رخ سیاه چوب بنزوری یا سیاه چوب سرفی یکی از گزین سرفی
 نادر دوم ص ص خطگی یا کثیر لیل چون از بقیه میانی که
 و دو انگ و زن آن و فاء و لام نادر و انجبت فتح جبهه
 پیران - فتح اول فارسی و ثانی فارسی هم زعفران -

تمنیق الکاف الفارسی
 پرنگ - فتح بکسر اول فارسی ثانی و سکون و
 پریشک - هم بکسر اول فارسی و ثانی و ثمنانی مجهول و مختار نون
 و کاف فارسی و وای هند است ط ب -

تمنیق الهمز
 پرگنه - فتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح کاف
 و نون ترکیبی از دو بیاه است خوش هم از گزین -
 پریمه - فتح اول فارسی کثانی و سکون ثانی و فتح جیم
 فارسی آیت غراط با کرم و شمشاد کثران منشی ثانی و فتح جیم

تمنیق اللام
 پر بال - ه بفتح اول فارسی و سکون ثانی با صوح و واکت
 و لام ع بعد و مر جان هم موندگار -

تمنیق التتانی
 پر بی - ه بضم اول فارسی و سکون ثانی و کسر و سکون ثانی
 نر بسبی ط ط کرم و شمشاد بعضی گویند نر -

تمنیق الیم
 پرچم - هم بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح جیم فارسی
 کا و قعاس و بهند می سر و کاس نامند -

تمنیق الهمز و تمنیق لالت
 پیستار - هم بکسر اول فارسی سکون سین مملعه و فتح ثانی و فتح جیم
 مستحق طح ما کرم و شمشاد قریبی مولد چون ممل و جیم بی

تمنیق النون
 پرا خوران - فتح اول فارسی و سکون و مملعه و مملعه و واکت
 مجرید ممل و لغت جانور است که گازی یا نه می خور و ع
 پر سیر - فتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح جیم
 فارسی ثانی و مال ع فرخ در جمله و نه و سکون و لو و نه

تمنیق الفوقانی
 پیست - فتح بکسر اول و سکون ثانی و فوقانی هم نیم
 آرد و آرد و زبان آرد و زبان ترکی و ثمنان میوانند
 پیتمان - فتح اول فارسی
 پیتمان - فتح اول فارسی
 پیتمان - فتح اول فارسی

تمیق السار	چون دانده و دیگر بر سره پاکه درین شان محمل و بسید باشد
پهنا نه پنج اول فارسی و سکون ثانی یا لالت فتح نون ثانی هم بوزنه وقت بیرون باشد	تمیق النسانی پوست چتبار می رفت ختم ندارد گویم چیز کوچک که پنج پوش و بچندی - بهضم اول فارسی و سکون او و گسترش معده فتح دال ملام و سکون را بر سکون فتح معده و سکون ثانی که سکون ثانی و شیا فست که آنرا در و بچندی آمده آن نیست که چنان میگیند و شیان بسیارند طب سی ال یا بنوا عصب الشلیا بزر اندک با حفض با معصاة و یا شیا
تمیق النسانی	پوستی - و بهضم اول فارسی ثانی جهرل فست بگری نه بچندی که شیا فست
پنج اول فارسی و سکون ثانی و سکون نون ثانی و فتح کاف و سکون ملامه غیب میان فست زک کنید - بچمی فست فتح اول فارسی و گسترش سی ع خطل	آنکه در باز سپارد و غرضش بینه غرض شلیا فست از زوا و غرضش
تمیق الیاء النسانی و تمیق لالت	تمیق السار و تمیق الالاف
پهنا یا نسا - و بکسر اول فارسی یا نسانی و سواد و الف ثانی و نسا نون و سکون سیدین معده قسی از یا نسا -	پهنا - و فتح اول فارسی و اظهار با سکون لام بکسر معده شهور بند است
تمیق الموحدة	تمیق الدال المله
سیکوب - فست طاعت ترش که از رتبه و خبرت سازد	پهنا - و فتح اول فارسی و اظهار با سکون لام بکسر معده شهور بند است
تمیق الدال المله	تمیق الدال المله
پهنا - و فتح اول فارسی و نسانی و لام نون و سواد	پهنا - و فتح اول فارسی و اظهار با سکون لام بکسر معده شهور بند است
تمیق الزاء المله	تمیق الزاء المله
پهنا - و بکسر اول فارسی و نسانی و الف هم بسود هند است که ترش	پهنا - و فتح اول فارسی و سکون ثانی و ضم نون و سکون ثانی
پهنا - و بکسر اول فارسی و نسانی و الف هم بسود هند است که ترش	تمیق الکاف
پهنا - و بکسر اول فارسی و نسانی و الف هم بسود هند است که ترش	تمیق الازاء المله
پهنا - و بکسر اول فارسی و نسانی و الف هم بسود هند است که ترش	تمیق الازاء المله
پهنا - و بکسر اول فارسی و نسانی و الف هم بسود هند است که ترش	تمیق الازاء المله
پهنا - و بکسر اول فارسی و نسانی و الف هم بسود هند است که ترش	تمیق الازاء المله
پهنا - و بکسر اول فارسی و نسانی و الف هم بسود هند است که ترش	تمیق الازاء المله

نور

مترکوب و متبرک و ان سکون تانی و فتح و ال علیه هم کرم کند منوار
ترترکوب و متبرک و ان سکون و ان فتح و ال علیه سکون
و ان تانی و ان هم برتر ترکوب است۔

تراب اطرقتی لاریجہ القطع عربیت و مشک چاندی و جواہر کی ہوتی
تریزہ - فتح اول سکون ثانی فتح موحده و درمندان اول حمزہ
تریزہ - فتح اول سکون ثانی فتح موحده و فتح تارہ مجرم
ہندوانہ و خیارہ باد رنگ و نعم اول حمزہ تریزہ

ترکیب و بنیاد اسکونانی و فتح تحسانی و البت کام پانچ

ترجمہ فصیح اول و سکون ثانی و فتح موجہ دم قرقر اوت۔
ترکر جفت بیکر کاف قیاسی دم باور بخوبی۔

٢	ممنوع الثوب	
---	-------------	--

تراحمان نبتم اود اوشمانى والى و كسرت حمانى بايم والى تانى دهنه

توافق الحیثیہ عارف بنیست کہ درج ہشتم کا کوئی محاسب

تریا بل - یونانی بغیر اول و سکون ثانی باد و موحود و دو و الٹ و غیرہ

١٣	تمنيق التتماني	١٤
----	----------------	----

ترخان فتح اولی سکون ثانی باخار مجید الف نینو ارسنجی

مطلب الفنى سبع بفتح تاء وسكون حاءانى هم اسم الفار.

له مانن یو دنده بانان بخوژد.

تزویتی - و - نفع اول سکونتانی و ضم با و کسر ثانی و کاستن

منزخون و فایز اول سکون ثانی و ضم خای مجید و سکون و ادا

ترباقت ترکی سم بومیان رخ آرتدروالدان برخون بسته.

سخن بفرموده و مقرر فرمود که اینها گرم و خشک است.

بزرگوار خون را روان سازد و اگر در شیر زرد پیوسته بود

نرخان بفتح نون و ثانی سکون نون باجم و الفهم با و رنجوس

تربیت فارسی مبادی

و همچنین هم نیست یعنی نقیض است که برخاسته و هزار سال و بخارا و کابل

تفسيق و تمسيق الزمان الثمارى

نشیند طرح می رگوشید و قلمین مجلی قلم صفت از تازه غیب

شرف بکسرول و سکون زار معجز قاری ہر گ گماہ نور آمد

از این جهت بعد از این بسیار آب و آتش از منبت رستم ناسی و دم ص

	مینیو الکاف	
--	-------------	--

ہندی لٹریچر و نمون سکینر بابینج ایٹا ایمو

شترک - و فیترا و اد سکون فی فارسی و قیاسیه و اصولیه و فقهیه

مهره پشت بختراود و ثمانی و دو سکون نون و شش کاف فارسی و

مفتي السيد الميرزا محمد باقر الخايفي

مریوحہ و سکون تختانی رخ و ترخسہ و

شهرستان - قریب از او در کسب و معاش و فتح سیر میباشند

نفت بیجا اول و ثانی هر گل نسوزن -

مکمل کاغذ فارسی و عربی ہر شاہی نامہ پر عتبہ الکاغذ

ایقروستانان - و فخره و شرف

[illegible]

	تتمتع	
--	-------	--

[illegible]

الشَّارِدُ - فَيَمْشِي بِمَشْرِدٍ وَكَأَنَّ

[illegible]

ما فیہ وفیہ والہما وخاضا باخاک جزیرہ است۔

بسم الله الرحمن الرحيم

۱۰۰

<p>تمام چوک و پانچ چوک و ت نام ترو ایست و حشوق تک و ت گاهی است بغایت تلخ و گویز و غلظت تک و ت بنم اول و سکون لام هم و بیا و یکسوزان سکون ثان</p>	<p>تتمم یکسر و نوقالی و سکون بر دویم ساق و بنم بر دو نوقالی و دم یکا و کوی هم قشاس -</p>
<p>تتمیق اللام</p>	<p>تتمیق اللام</p>
<p>تل ه یکسر اول و سکون ثانی و ت گنجد -</p>	<p>تتمیق التماس</p>
<p>تنگبیس و ت نفع اول و ثانی و سکون نون و حنم کات فارغ و کسر موحده و سکون عثمان هم ترنگبیس -</p>	<p>تتمیق التماس</p>
<p>تک و ت نفع اول و ضم ثانی و سکون وا و هم نثار -</p>	<p>تتمیق التماس</p>
<p>تک و ت بنم اول و سکون ثانی و کسر بنم ه و با و بنم و یه تک و ت یکسر اول و ثانی شده و ت پسر نزع طرال -</p>	<p>تتمیق التماس</p>
<p>تتمیق التماس</p>	<p>تتمیق التماس</p>
<p>تتمیق التماس</p>	<p>تتمیق التماس</p>
<p>تتمیق التماس</p>	<p>تتمیق التماس</p>
<p>تتمیق التماس</p>	<p>تتمیق التماس</p>
<p>تتمیق التماس</p>	<p>تتمیق التماس</p>
<p>تتمیق التماس</p>	<p>تتمیق التماس</p>

<p>توتیا کوان - سرمان بنضم اول و سکون ثانی با دو حده و الت در ضمیم اول و سکون اول و ثانی هم نوسه از توحات یعنی توت شیر توت کوان بنضم اول و سکون ثانی و سکون ثانی و فتح کات فارسی هم غلبه از دو حیل توت ه - کل سبخا -</p>	<p>فارسی و اخطار با احتیاط و الت و الت توت شیر می ده بنضم سکون ثانی و خنار نون و فتح و توت و کوان و ت کوی تل و کوان شیر نیست و فتح و توت و کوان شیر نیست و فتح تمیق الهام و تمیق الهام توت و فتح اول و توت و فتح اول تمیق الواد</p>
<p>توت حلوس و توت شیر می بنضم اول و سکون ثانی اق بلین و بزرگ سرن از لب و کو قیو ص و تلجین ال اجاص یعنی آلو بخارا -</p>	<p>تمیق الواد توت و فتح اول و سکون ثانی و توت و فتح اول تمیق الیا التتانی و تمیق الیا التتانی توت و فتح اول و سکون ثانی و توت و فتح اول تمیق الیا التتانی و تمیق الیا التتانی</p>
<p>تمیق و فتح اول و سکون ثانی و فتح و توت و کوان توت و فتح بنضم اول و ثانی و فتح و توت و کوان طارست بزرگ جبه که کوشش نماید لذیذ باشد و توت و کوان توت و فتح بنضم اول و ثانی و فتح و توت و کوان</p>	<p>تمیق و فتح اول و سکون ثانی و فتح و توت و کوان توت و فتح بنضم اول و ثانی و فتح و توت و کوان طارست بزرگ جبه که کوشش نماید لذیذ باشد و توت و کوان توت و فتح بنضم اول و ثانی و فتح و توت و کوان</p>
<p>توت و فتح بنضم اول و سکون ثانی و فتح و توت و کوان توت و فتح بنضم اول و سکون ثانی و فتح و توت و کوان توت و فتح بنضم اول و سکون ثانی و فتح و توت و کوان</p>	<p>تمیق و فتح اول و سکون ثانی و فتح و توت و کوان توت و فتح بنضم اول و سکون ثانی و فتح و توت و کوان توت و فتح بنضم اول و سکون ثانی و فتح و توت و کوان</p>
<p>توت و فتح بنضم اول و سکون ثانی و فتح و توت و کوان توت و فتح بنضم اول و سکون ثانی و فتح و توت و کوان توت و فتح بنضم اول و سکون ثانی و فتح و توت و کوان</p>	<p>تمیق و فتح اول و سکون ثانی و فتح و توت و کوان توت و فتح بنضم اول و سکون ثانی و فتح و توت و کوان توت و فتح بنضم اول و سکون ثانی و فتح و توت و کوان</p>

تمتیک الدان المله و تمیق التسانی	تیمیق الدان سکون ثانی با فین مع والدت ح شکر العشر
تمیق سماع اول و کسر اول مملد و فتح و سکون کشانی و پیشانی و بیوتی و جیبانی و خجوه و جودان و متدل -	ف شکر ک کوی -
تمیق العین المله و تمیق الوجد	تیمیق الواو
تقلب سماع اول سکون یکن مملد و فتح و سکون موصوف و رده و دلوگری و دلوگری -	قیمت و و کسر اول و ثانی بیوتی و خجوه و فتح و سکون و ادم و غر و زشت و بند و یست که خوب و آ و بنور است -
تمیق المیسر	تمیق التسانی
تقلب سماع اول سکون یکن مملد و فتح و سکون موصوف و رده و دلوگری و دلوگری -	تیمیق الواو
تمیق العین المله و تمیق الوجد	تیمیق الواو
تقلب سماع اول سکون یکن مملد و فتح و سکون موصوف و رده و دلوگری و دلوگری -	تیمیق الواو
تمیق المیسر	تیمیق الواو
تقلب سماع اول سکون یکن مملد و فتح و سکون موصوف و رده و دلوگری و دلوگری -	تیمیق الواو
تمیق العین المله و تمیق الوجد	تیمیق الواو
تقلب سماع اول سکون یکن مملد و فتح و سکون موصوف و رده و دلوگری و دلوگری -	تیمیق الواو
تمیق المیسر	تیمیق الواو
تقلب سماع اول سکون یکن مملد و فتح و سکون موصوف و رده و دلوگری و دلوگری -	تیمیق الواو
تمیق العین المله و تمیق الوجد	تیمیق الواو
تقلب سماع اول سکون یکن مملد و فتح و سکون موصوف و رده و دلوگری و دلوگری -	تیمیق الواو
تمیق المیسر	تیمیق الواو
تقلب سماع اول سکون یکن مملد و فتح و سکون موصوف و رده و دلوگری و دلوگری -	تیمیق الواو
تمیق العین المله و تمیق الوجد	تیمیق الواو
تقلب سماع اول سکون یکن مملد و فتح و سکون موصوف و رده و دلوگری و دلوگری -	تیمیق الواو
تمیق المیسر	تیمیق الواو

[illegible]

[illegible]

طابق قاف غیری و در مل و جابری است پرست حیوان شیر خور ص سرگردم دارندل باکارخ -	تمنیق الیاء تمنیق الیاء المله	جفت الیاء - و پرست بیرون بلوط با سب می ۱ -
جلیش ع اول کشتانی و سکون تحتانی و ف بوش بالاطبی	تمنیق الکاف	جفتک - و بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و غیرت ک
جلیش ع بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و غیرت ک از ان غیری در لوط اب می گویند ب می سابق قافین خ فارسی یا مصری ش از یک نیم درم تا دو درم ص ک یار و غن با دام ل جفت ابوطی اشکوفه آمار با طریقت -	تمنیق الیاء المله	زبان یک بال دارد و بر جانب دیگر قلاب و داده آن نیز یک بال دارد و بر جانب دیگر حلقه هرگاه که فرد آید از هر یک در شش و هر یک در شش و هر یک که میل بر دوازده تن در آن قلاب دارد حلقه بال با و اندازد و با هم بر دوازده تن در آن قلاب دارد حلقه بال با و اندازد و با هم
جلیش ع بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و غیرت ک با دام کوهی طح آگویند ب می ۱ -	تمنیق الزاء المجه	تمنیق التحتانی
جلیش ع بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و غیرت ک با دام کوهی طح آگویند ب می ۱ -	تمنیق الشین المجه	جفری س فتح و ضم اول و سکون فاد کسر مملد و سکون ثانی و ف کفری بینی پرست بهار خرمات از خ خوشبیل مورد و نون پرست آمار و نون کل مخج با و نون خود و با جناد -
جلیش ع بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و غیرت ک با دام کوهی طح آگویند ب می ۱ -	تمنیق الکاف الفارسی تمنیق الیاء	جگر نه - و فتح اول و کاف فارسی و سکون و فتح نون و خفا - یا نون از کنگ که کوچک تر باشد و بر گردش یر یا نون ساه باشد که آزارم و بر سر گذارند -
جلیش ع بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و غیرت ک با دام کوهی طح آگویند ب می ۱ -	تمنیق الکاف	تمنیق اللام و تمنیق الالف
جلیش ع بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و غیرت ک با دام کوهی طح آگویند ب می ۱ -	تمنیق الکاف	جلیش ع بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و غیرت ک با دام کوهی طح آگویند ب می ۱ -
جلیش ع بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و غیرت ک با دام کوهی طح آگویند ب می ۱ -	تمنیق الکاف الفارسی	جلیش ع بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و غیرت ک با دام کوهی طح آگویند ب می ۱ -
جلیش ع بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و غیرت ک با دام کوهی طح آگویند ب می ۱ -	تمنیق الیاء المله	جلیش ع بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و غیرت ک با دام کوهی طح آگویند ب می ۱ -
جلیش ع بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و غیرت ک با دام کوهی طح آگویند ب می ۱ -	تمنیق الکاف الفارسی	جلیش ع بضم اول و سکون ثانی و فتح فوقانی و غیرت ک با دام کوهی طح آگویند ب می ۱ -

و اینانی که بپند می‌گویند -

تمییق اللام

جل س بعنم اول سکون لام ف کل و کلان فتح اول و نه
آب گویند بفارسی پزده آیت که چون بلبل خوش آواز بود -

تمییق النون

جل ل ا ن س بعنم اول سکون ثانی و ضم جم و لام و لث نون
ف کشیده خشک ص ختم نیم بر خست ل ختم کا بو -

جل جین س بعنم اول فتح ثانی و سکون نون و ضم جم و کشیده
و سکون تحتانی ثانی ف کشیده سلی -

جل ن س بعنم اول سکون ثانی و فتح و سکون سین جمله
و کشیده و سکون تحتانی ف و زده جینی -

جل ی ا ن بعنم اول و سکون ثانی با تحتانی و لث نون ف
غلا آیت مانند رس و بشیر از می مشو خوانند -

تمییق الواو

جل بو ف فتح اول سکون ثانی و ضم و سکون و کشیده
جل ی ا و و فتح اول و سکون ثانی و سکون تحتانی و لث نون

و ضم زاده جمله و او و م سرخس -

تمییق الهمزة

جل خ و زه ف بکلز فارسی و نانی و سکون ثانی و ضم فین
مینه و سکون و او و فتح نا و ج و با م حساب الصویر الکبار -

جل کو ج به فتح اول و سکون ثانی و ضم کاف نانی و او و ج و ل
با جرم ثانی و نانی و م بسته زده چلگو جیا -

جل ج و ج به سرانی فتح اول ثانی و سکون نون و ضم جیم ثانی

و سکون و او و ج و ل و فتح جیم ثالث با ف بود و نه بری -

جل ی بعنم اول و فتح ثانی و کشیده و ثانی ثانی است که در جای
نناک روید و مفید قام و کیده و تخم و برگ ندارد و هم سبب فتح و
کشت کرسن فتح اول و سر کین شستر -

تمییق التتانی

جل ی ا ن ج جشی بعنم اول سکون ثانی و ضم جیم ثانی با هم ثانی
و لث نون و ضم نون و سکون لام ثالث و فتح حارمله و موحده و

کشیده و جیم و سکون تحتانی ف خشتاش سبزه و کشیده و زده
جل ی ا ن مصری ف بیش -

تمییق الیم و تمییق التتانی

جل س ج سست ف فتح اول و هم و سکون سین و ثانی ف گسست
و تمییق الیم و سکون تحتانی ف و زده جینی و سکون تحتانی ف و زده جینی
و اگر بار جست و فتح آغازند همین عمل کن و چون زده بالین
نهند خواب نیکو بپوشند -

تمییق الدال المله

جل د س فتح اول ثانی و سکون دال جمله و فتح و پالا -

تمییق الزا المله

جل ا ا شهر س فتح اول ثانی و کشیده و لث نون و ضم زاده جمله و فتح نون
شد و سکون و زاده جمله ثانی و هم جار النهر ل بطباط -

جل ا س بعنم اول و ثانی شد و لث نون و هم جار النهر ل بطباط
خرا که از سبز خرا گویند طبای گویند سبب سبب سبب سبب
ص خرا یا اصل حاض -

تمییق الزا المیم

-

جول - ف بضم اول و سکون ثانی م غلیظ از -	جوز بندی یک طر سکون نون که در اول جمله ف نایل یک
تمنیق الیسم	تمنیق الیسم
جوز بندم - بکسر بنجم فتح بجم سکون نون و ضم اول جمله	جواؤ - و فتح اول و ثانی یا و الف ضم جم و سکون واو
سکون نون بهین نام شمسوت شیرازی گل گندم گویند	ع طراف گز و اسر و خشک -
تمنیق لنون	تمنیق لهما
جودان - فتح اول و سکون ثانی با و الف و سکون نون	جودانه - ف بضم اول و ثانی و سکون با و الف و سکون نون
چیته داک ثانی نون بید و نون از ناکه دایره آن خشک آب است	نون و نون و نون است که صغیر ناکه کوزه گویند و نون
تمنیق الواو	تمنیق التختانی و تمنیق اللات
جوز السرخ - فتح سین همله شد و سکون همله و اول جول	جینها - بکسر اول و سکون تختانی و نون و اول و الف
ف کوز کلاخ که غرخت سورت طح ای سا گویند	ز و جوب و ع و ق و الف و نون و اول و الف و نون و اول و الف و نون
ی قی قانض و الف و نون و ح نماز و نون و نون و نون و نون	تمنیق الکاف
ص عمل نمیزد نون پست نایا نمیزد نون کوز نمیزد نون	جیوک - بکسر اول و سکون تختانی و فتح واو و سکون ف و نون
و نمیزد نون گرمارک قوتشتر تاسه سال باقی ماند -	تمنیق اللام
تمنیق الستار	جیدال - فتح اول و سکون ثانی با و الف و نون و اول و الف و نون
جودانه و فتح اول سکون ثانی با و الف و نون و نون و نون	ع حب السلاطین م جمال گویند -
جوز الزمیه بکسر همله شد و فتح نونانی شده و در اینجا -	تمنیق الواو
جولاد - ف بضم اول ثانی و نون لام و الف و نون و نون و نون	جلید و بکسر اول سکون ثانی و لام با و الف و نون و نون
جولاهیه - فتح لام و الف و نون و نون و نون و نون	را جمله سرخسل - و در خارج دو و بزرگ کابی یا نینل -
جوله - ف و فتح لام و نون و نون و نون و نون	تمنیق الیسم
جولاهیه - فتح لام و نون و نون و نون و نون و نون	جیوه - ف بکسر اول سکون ثانی و فتح واو و نون و نون و نون
تمنیق التختانی	ترتیب الحیم الفاری و تمنیق الموحده
جولانی - ف بضم اول و سکون لام فتح بین و نون و نون و نون	جایب - و بجم فاری و الف و نون و نون و نون و نون

چکاوک - فتح اول فارسی کانت الف فتح واد و سکون	ثانی و فتح لام م لاک پشت ه کجوا -
کانت ثانی زنده است از کتبشک انگ بزرگتر خوش آواز و در مملکت	تمنیق المیم و تمنیق الشین البسم
ع قنبه و ابوالفتح و در عراق شوره دماند و سرخاب نیز گویند -	چشم - فتح اول فارسی و سکون بجم م پاک و -
تمنیق الهاء	تمنیق البسم
چکاسه - فتح اول فارسی ثانی و الف فتح و سکون ثانی	چشم - فتح اول فارسی و سکون بجم م لاک پشت ه کجوا -
تمنیق التختانی	آن گزیده باشد و بجز اول پاک و م حل یک ه سوال -
چکری - فتح اول فارسی و سکون ثانی و کسر و ملام و ع و نیر و	تمنیق النون و تمنیق الالف
تمنیق الحاء و الفارسی فتح و الالف	چنپا - فتح اول فارسی و سکون نون و صوره فارسی بجر
چکندر - فتح اول فارسی و سکون نون و فتح و الالف	هندیت که لغزش خوشه و بیوی صوبه پست و تخنی ست
تمنیق الکاف	در بیان محل وی که مسکرت طاب می -
چکاک - فتح اول فارسی و فتح ثانی فارسی م کتبشک -	تمنیق الفوقانی
چکوک - فتح اول فارسی و فتح ثانی فارسی و واد و سکون م	چندر کانت - فتح اول و سکون ثانی و فتح و الالف و
کتبشک و غر زانیز گویند -	سکون را و ملام و کانت و الف و نفا و سکون ثانی ع جبر القهر -
تمنیق التتانی	تمنیق الراء - البسم
چکائی - فتح اول فارسی و ثانی شده و فارسی الف	چندر - فتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح و الالف و سکون
و سکون م نوسه از خرنزه -	چنگار - فتح اول فارسی و سکون ثانی و کانت فارسی الف
تمنیق اللام و تمنیق الکاف	م حریک ع سلطان -
چکائیک - فتح اول فارسی و لام و الف و فتح و نون م	تمنیق الکاف
سرگین گردانک ع جعل -	چنیک - فتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح و صوره
تمنیق الهاء	م سنگ آهن با س منطالین -
چکاپاسه - فتح اول فارسی و سکون ثانی با صوره فارسی	تمنیق النون
والف و فتح سین و ملام و ناه و بکل و جیکلی -	چندن - فتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح و الالف و
چکلک - فتح اول فارسی و سکون ثانی و کسر حیم فارسی -	و سکون نون ع صندل شنید -

تحقیق لغو تانی	حر جوان یونانی یعنی دل سکون تانی یعنی نیمه واد و اولی و نیمه واد
حشیش الغاف ع م برگ غاف کرم خشک	خزول سرانی بکدران سکون تانی یعنی نیمه واد سکون وادون
تحقیق البیجم	ف جوالی است مانند دما که یونانی سالانه را نوازند واز
حشیش الحجاب ع بضم زار مجر شده و نیمه واد و الف و ت	ع بضم ط س گرم خشک -
اگینک بنانی است که در آب بار وید طلب می شود و از سر	حرز الشیاطین ع بکدران و سکون تانی یعنی نیمه واد و نیمه واد
از عصاره او ده دم صوفی تخیل لسان الحبل	سبب شده با تخانی واد و کسکه که یونانی تانی یعنی نیمه واد
تحقیق الصاد و الهله	خزوقان برومی یعنی دل سکون تانی یعنی نیمه واد و الف و ت
حشیش البرص ع یعنی سوده دراز و عله ام اطر بال	ع سده الف و ت موش و شکیا ط هم گرم خشک -
تحقیق اللام	تحقیق الزاد المجر و تحقیق الزاد المله
حشیش غل ع یعنی اول سکون تانی و کسکه فام و سکون تانی	حرر الصخر ع بضم اول یعنی نیمه واد و نیمه واد و نیمه واد
ضم فام تانی م شتاق ط اگر م ساد خشک و گویند تر -	و فتح صاده و نیمه واد و سکون خامه نیمه واد و نیمه واد و نیمه واد
حشیش الطحال ع بکسکه طریمه شده و یا حار و مرده و	و ان چیز است مانند زبری روی آبی سکه که بیدیش و طب
و لام م استخوان قندریون و زنی دارد -	تحقیق السیر المله و تحقیق الفاء
تحقیق السام	حسن یوسف ع حشیش ط هم گرم خشک نیمه واد و نیمه واد
حشیش وودیه - بضم اول سکون واد و کسکه و نیمه واد	تحقیق الحاف
خزانی شده و تانی و خضار نام استخوان قندریون -	حک ع یعنی اول سکون کان و نیمه واد و نیمه واد و نیمه واد
تحقیق التختانی	و نیمه واد ط بی اگینک ح اگینک م ح نیمه واد و نیمه واد
حشیش خر اسانی - و در سرخرسانی ع شنج که بود	مقی شنج نیست خیشانی نیمه واد و نیمه واد و نیمه واد
تحقیق الصاد و الهله تحقیق البیجم	تا بهت دم برای حقه صوفی نام یا کج و گویند و دل صوفی
حصاة الاسفنج ع یعنی اصل با صفا و نیمه واد و نیمه واد	تحقیق اللام
و سکون لام و کسکه نیمه و سکون نیمه واد و سکون نیمه واد	حسل ع یعنی اول تانی و نیمه واد و نیمه واد
تحقیق البیسم	تحقیق الشیر المجر و تحقیق الفاء
حصص ع یعنی اول و سکون تانی و کسکه نیمه و سکون نیمه واد	حشیش زرقطون ع و برگ بگو ط ب خ نماز و تر -

تحقیق لغو تانی
تحقیق البیجم
تحقیق الصاد و الهله
تحقیق اللام
تحقیق السیر المله و تحقیق الفاء
تحقیق الحاف
تحقیق التختانی
تحقیق الصاد و الهله تحقیق البیجم
تحقیق اللام
تحقیق الشیر المجر و تحقیق الفاء

مهره و سکون داء و سکن تخانی و سکون داء و سکن مهره	تتمیق المیسر	
کادوس ه موندی ط ا کرم ص کیزال میسایوس ق خالادون و قس بیوانی میم و الف ثانی و لام و الف ثالث	خالم و لغیر لام و سکون میم م خارف موشن - خام - بسکون میم شرباب را گویند -	
داه و سکون و قس لام و سکون داه و ثانی و سکون م اذین	تتمیق النون	
سفید و قس بیوانی سفید -		خالادون - یوانی رخا و سجه و الف و لام و الف ثانی و قس داه
خامالادون ماش - یوانی میم ثانی و الف رابع و سکون		و سکون نون ع خطه و ر و سجه و خندق و روس و کاکل و جریه
ثانی ماش بیوانی سیاه م اذین سیاه و قس میم جریه		خاله و قس بیوانی سیاه و الف و سکون و سکون تخانی و قس
خامانیس بیوانی میم و الف ثانی و سکون و سکون		وال مهره و سکون داه و سکون و قس و قس ثانی و سکون
و سکون و قس م کافیتوس و ماش فارو -		داه و ثانی و قس و قس بزرگ ازاف و قس و قس و قس و قس و قس
خایه و قس - و الف ثانی و قس و قس و قس و قس		امران خامالادون بیوانی میم و الف ثانی و لام و الف ثالث و قس
تخانی و سکن مهره م کات -		م اذین و قس و قس و قس و قس و قس و قس و قس و قس
خاوش و قس و سکون و قس و قس و قس و قس و قس	تتمیق الشیرین احمد	خامالین - یوانی میم و الف ثانی و قس میم ثانی و سکون تخانی و قس
خاندیش و قس و قس و قس و قس و قس و قس و قس		لام و سکون نون و قس و قس و قس و قس و قس و قس و قس
کلاه ماران و سانپ کی قوی -		خاندان جان رخا و سجه و الف و قس و قس و قس و قس و قس و قس
خالع - رخا و سجه و الف و سکون و سکون و قس و قس و قس	تتمیق البین المهره	نون یا میم و الف ثانی و قس و قس و قس و قس و قس و قس و قس
خانی الککایه و قس و قس و قس و قس و قس و قس و قس	تتمیق الکاف	خایه علامان - و الف ثانی و قس و قس و قس و قس و قس و قس و قس
خاکشور - و بسکون کاف و قس و قس و قس و قس و قس	تتمیق الواو	خاکشور - و بسکون کاف و قس و قس و قس و قس و قس و قس و قس
خانی گیرک - و قس و قس و قس و قس و قس و قس و قس		خاکس و قس و قس و قس و قس و قس و قس و قس و قس و قس
خالد - و قس و قس و قس و قس و قس و قس و قس	تتمیق اللام	خالد - و قس و قس و قس و قس و قس و قس و قس و قس و قس
خالد - و قس و قس و قس و قس و قس و قس و قس	تتمیق البار	خالد - و قس و قس و قس و قس و قس و قس و قس و قس و قس

خمس مع بفتح اول و سکون ثانی و کاف و طاء و یاء و نون	تتمیق الشین المجر و تمیق القوافی
رق منوم رخ تازه و تسای بسز و ورق مش و دشتقال من کافر	خسک - بفتح اول و سکون ثانی و کاف و طاء و یاء و نون
و نشتعال هندی و نهارسی جاذبیت که یارایه یار یکدو	و نیم موند که فارسی و سکون شین و تثنائی و قوافی و لک پشت
دبر و سه آبید و دوشته و شیده بدانه جو باشد که یک تدر	تتمیق الراء و الهم
چو کدکیند مرغیست سفید رنگ که بزرگ تر از کنگک باشد	خسک - بفتح اول و سکون ثانی و کاف و طاء و یاء و نون
	تتمیق القاف
خمس مع بفتح اول و ثانی و سکون قاف و گان و نون و	خمس - بفتح اول و سکون ثانی و قاف و م کل مصغر
	تتمیق القاف
خمس مع بفتح اول و ثانی و سکون قاف و گان و نون و	تتمیق الکاف
	خسک - بفتح اول و ثانی و سکون کاف و عربی هندی
	و کمر و کمر اول و سکون ثانی و م کل مصغر
	تتمیق الواو
خمس مع بفتح اول و ثانی و سکون واد و م خسته	خمس - بفتح اول و سکون ثانی و واد و م خسته
خمس و دار و نیم اول و سکون ثانی و فتح و او جمله و سکون	خمس و دار و نیم اول و سکون ثانی و فتح و او جمله و سکون
و او با و ال جمله و الف و هم را جمله ثانی و م خسته	تتمیق الراء
	بفتح اول و سکون ثانی و فتح و قاف و نون و
م تخم میو یا مانند شفا و حسته مانع	تتمیق القاف
فسکد اند - بفتح اول و سکون ثانی و کاف و بال و طاء و نون و	تتمیق الراء
	تتمیق التثانی
خمس و ی - بفتح اول و سکون ثانی و فتح و او جمله و کاف و	خمس و ی - بفتح اول و سکون ثانی و سکون لام م مقل -
و سکون تثنائی و م خسته ایشه آب یکیده	تتمیق النون

تحقيق اللام	تحقيق السين	خصي النكبة مع بضم اول وسكون ثانی وقع كاف وسكون ثانی
خصي الابل مع بسكون لام وكسر حمزة وقع تحتانی مشدود وكسر	خصي الابل مع بسكون لام وكسر حمزة وقع تحتانی مشدود وكسر	وكسر حمزة وسكون تحتانی ووزن عمل خشك كذا
لام ثانی ف خایه بركوبی	لام ثانی ف خایه بركوبی	كوبستان بركوبی در اینجا فاء تمام بهیضه طبعی ككوبستان
تحقيق الواو	تحقيق الواو	خصي الجاهل بسكون لام وفتح عين مهله باجم والف وكسر
خصي النكبة مع بضم اول وسكون ثانی وقع كاف یانوف والف	خصي النكبة مع بضم اول وسكون ثانی وقع كاف یانوف والف	خسوع بفتح اول ضم ثانی وسكون عا وضم خا وضم یانوف
تحقيق الهمزة	تحقيق الهمزة	خسوع بفتح اول ضم ثانی وسكون عا وضم خا وضم یانوف
تحقيق الصاد والميم وتميم الفاء	تحقيق الصاد والميم وتميم الفاء	خصي الكلب مع بضم اول وسكون عا وضم هاء وضم تحتانی
خصي الكلب مع بضم اول وسكون عا وضم هاء وضم تحتانی	خصي الكلب مع بضم اول وسكون عا وضم هاء وضم تحتانی	وسكون لام وفتح كاف وسكون لام ثانی ناموحده نمی است
وسكون لام وفتح كاف وسكون لام ثانی ناموحده نمی است	وسكون لام وفتح كاف وسكون لام ثانی ناموحده نمی است	خصي الثعلب مع بضم اول وسكون ثانی وقع تحتانی وضم فتانی
خصي الثعلب مع بضم اول وسكون ثانی وقع تحتانی وضم فتانی	خصي الثعلب مع بضم اول وسكون ثانی وقع تحتانی وضم فتانی	وفتح شكه مشدود وسكون یانوف وضم لام قلبی صری طبعی را
وفتح شكه مشدود وسكون یانوف وضم لام قلبی صری طبعی را	وفتح شكه مشدود وسكون یانوف وضم لام قلبی صری طبعی را	كوبستان بركوبی در اینجا فاء تمام بهیضه طبعی ككوبستان
كوبستان بركوبی در اینجا فاء تمام بهیضه طبعی ككوبستان	كوبستان بركوبی در اینجا فاء تمام بهیضه طبعی ككوبستان	تاء وفتح وضم گونینج در صمد آمدل بوزیدان یا تخم بوزیدان
تاء وفتح وضم گونینج در صمد آمدل بوزیدان یا تخم بوزیدان	تاء وفتح وضم گونینج در صمد آمدل بوزیدان یا تخم بوزیدان	بجزیر یا تخم انجیر یا تخم ایست استقوتور یا تقاقل
بجزیر یا تخم انجیر یا تخم ایست استقوتور یا تقاقل	بجزیر یا تخم انجیر یا تخم ایست استقوتور یا تقاقل	تحقيق الزاير والميم
تحقيق الزاير والميم	تحقيق الزاير والميم	خصي البحر مع بضم اول وسكون ثانی وقع تحتانی
خصي البحر مع بضم اول وسكون ثانی وقع تحتانی	خصي البحر مع بضم اول وسكون ثانی وقع تحتانی	وضم فتانی وسكون لام وفتح موحده وسكون عا وضم
وضم فتانی وسكون لام وفتح موحده وسكون عا وضم	وضم فتانی وسكون لام وفتح موحده وسكون عا وضم	در ارمه لم ج شد بید بستر
در ارمه لم ج شد بید بستر	در ارمه لم ج شد بید بستر	تحقيق السين والميم
تحقيق السين والميم	تحقيق السين والميم	خصي الفرس بضم اول وسكون ثانی وقع تحتانی وسكون
خصي الفرس بضم اول وسكون ثانی وقع تحتانی وسكون	خصي الفرس بضم اول وسكون ثانی وقع تحتانی وسكون	لام وفتح فاء ورمه لم وسكون یانوف مهله بلوب
لام وفتح فاء ورمه لم وسكون یانوف مهله بلوب	لام وفتح فاء ورمه لم وسكون یانوف مهله بلوب	

بجزیر یا تخم انجیر یا تخم ایست استقوتور یا تقاقل

م و در نه و کسر اول بیت بن و سیاه دانه و ناز شک را نیز گویند و بیست گویند غله ایست که بشدی گنجی خوانند -	تمیق الکاف	خمس و اوراق مع بفتح اول سکون ثانی و فتح میمن سه و هج ذواتی و فتح میمه و سکون یاء و او و هاء الف ذوات و بنجاولو -
تمیق الهم	تمیق الهم	
خند میل بفتح اول سکون ثانی و فتح و ال همزه و کسر ا و همزه و سکون ثانی ف کاسخی بری -	خل بفتح اول سکون هم و لام م سوختن یاء بین یاء و ثمره و ششم و دیشته و در ده جامه را نیز نخل گویند -	تمیق الهم
تمیق النون	تمیق الهم	خمس و کسر ثانی گیاره دانه و ا و علف شتر سازند -
خند میمون - بفتح اول سکون ثانی و کسر ال همزه و سکون ثانی و قسم قاف و سکون و او و ذین ثانی ف شرا میست که ابر گل و شراب کس یا شات سازند طحی ش سجد و دم -	تمیق النون	خمان - بفتح اول ثانی و الف م خایه ا و طحی -
تمیق الباء		حما من ف بضم اول سکون ثانی و در همزه و فتح یا سنگی مست جدیدی سیاه آن و دو نوع است یکی زردم و او و آن بنایت سخت و تیره و دیگری چون باب ساید سرخ خودمانند و آن را گویند و در آن جز شراب خندوستی نیار و در معندل و کله
تمیق التتانی	تمیق النون و تمیق الراء السلسله	تمیق النون و تمیق الراء السلسله
خند میمون بضم اول سکون ثانی و فتح شانه الف مقصوره ف مع گیاره برین طحی می گویند ب ر ق مجلی و محلی ش خندیم و از شراب و شکر و او و دم ص شور با سه چرب ال فوه که بغای ریواس و مندی میخند گویند -	تمیق الراء و تمیق الالف	خند کسارت بکسر اول سکون ذون و کاف و ادسی آبستر همزه و الف در او همزه شور که جز و باروت شود -
تمیق الواو و تمیق الالف	تمیق الهم	خند روس مع بفتح اول سکون ثانی و فتح ال همزه و همزه و همزه و سکون ثانی ف کاف و کله و گندم محرابی و جوی برده طحی می گویند ح رل ذره و شراب کهنه و گندم کهنه را نیز گویند -
تمیق النون و قافی	تمیق الکاف	تمیق الکاف
تمیق الهم	تمیق الهم	خند کسارت بکسر اول سکون ثانی و فتح جیم و سکون کاف

بگویند می و در نخل را نیز گویند و در ده جامه را نیز نخل گویند

<p>تتميق اسمين السمل</p>	<p>واحد - ففتح دال مهملة الف وكون كاف فاعلم ان ح ع</p>
<p>فيس مع بكسر اول وكون ثانی وسمین مهملة و شتاب خزائی طح رخ بصری آتش زید دیک از رطب نارنگی بشدن اداوم و کاجول ششاش و سکنین</p>	<p>ن انگریط اگر م و ن و غدا نیت بهترین بود با و پندره فب سکون لام و ضم موحده فارسی و او و مجبول و فتح زار مجمره م فرا شتر و ک ب</p>
<p>تتميق القاف</p>	<p>تتميق الخائنه</p>
<p>داور دمی - بکسر دال مهملة ثانی و تحاتی و ضم راهله و کون ۲ ی ۳ ق محلل ملین رخ تاره المس که دروش کرانی و بروش سیاه سرخی مائل باشد رخ را بنادال تیزون جاقه رخا و چهار انگ دزن آن جوهره و دوزن آن ابل</p>	<p>دارویی - سکون راهله و ضم موحده و او و مجبول ع عود دارینی مع بکسر راهله و صاهله و سکون تخمائی و کسزون دال چینی طح سی ۳ گویند آگویند لطیف فتح مدرقوی دل دیکره و مده و سی خ سیلانی خوشبو سرخ تیز طعم شیرینی</p>
<p>تتميق اللام</p>	<p>تتميق اللام</p>
<p>دلول - بفتح اول و ضم ثانی و سکون و او و لام ف و کونان</p>	<p>آمینش از کورم نادورم من اسارون یا فصل ل پوست سیله و نیموزن کبار یا ابل یا زرب یا تو لخان</p>
<p>تتميق النصار</p>	<p>تتميق النصار</p>
<p>دباله ف بفتح اول ثانی و الف و فتح اداوم و حقا و لام م و کون</p>	<p>دباله ف بفتح اول و کونانی و فتح لام و بان بار خست کریمه ف</p>
<p>تتميق النجم</p>	<p>تتميق النجم</p>
<p>بجاج مع بضم اول و هم و الف و هم ثانی و کیان و کورشی و زبان شایجان با و معی ط مع ح و گوست او مغدی و قو دماغ آنکه مغیه نداده باشد و سوزان جز و بون کچک ان فج مع بفتح اول سکون ثانی ف سرخ بری و بیجام زبان بی</p>	<p>دباب - بضم اول و ثانی و الف و موحده ثانی و همیز و ان بری و ثانی بیباشند و بری و تیز و ثانی است ط م گرم نیشک من کشیزش از خشک و یکتقال ل زرشخوش</p>
<p>تتميق الزا الهمل</p>	<p>تتميق الزا الهمل</p>
<p>دیودار بفتح اول و ضم ثانی و سکون و او و دال مهملة ثانی و الف در او همل ع بجر الحن و ابل اسندی و مشور چندی شیر و تندر و محرق و مطن ط م گرم و خشک و از نسوم و آله</p>	<p>دیودار بفتح اول و ضم ثانی و سکون و او و دال مهملة ثانی و الف در او همل ع بجر الحن و ابل اسندی و مشور چندی شیر و تندر و محرق و مطن ط م گرم و خشک و از نسوم و آله</p>

دالغ ولون و مہوسے کے کار و کھد۔	تمیق العین المسملہ
درش۔ نتیجہ اول ثانی و سکون لون مزلوہ جو تک۔	درش۔ شامی بفتح اول ثانی دالغ و کسر فاد سکون سین
تمیق الماوی	مہلک شغلاوہ آژوہ۔
درخت ہلدی و فہیم سین مہلک سکون و فتح مہدہ و خا ہوا	تمیق الشین المہجنہ
درست کہ درخت را سوراخ کند بزرگ یا ششم بزرگ یا شین۔	درش۔ و فہیم اول ثانی و سکون سین مہیم و فہیم از خیار کھڑا
در دہ۔ و فہیم اول سکون ثانی و فتح دال مہلک ثانی مہلک	کلندہ و درش نیز گویند۔
شراب داب و درغن و شال آن۔	تمیق العین اسملہ
در کالہ و در کالہ۔ و فہیم اول و سکون ثانی باکان فارسی	درج۔ ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح مہیم و سکون سین مہلک
دالغ و فتح لام و لغت اول و فہیم کاف فارسی بالام دالغ	ف شاخلہ اربہ۔
و فتح لام ثانی و لغت ثانی مہلک۔	تمیق الفار
در دہ۔ و فہیم اول ثانی و سکون سین و فتح مہلک و ہوا و ہوا و ہوا	درخت۔ و فہیم اول و سکون ثانی و فہیم مہلک و سکون فاد و ہوا
در دہ۔ و فہیم اول و فہیم ثانی و دال و ہوا و فتح لون گہا یا ش	تمیق اللام
در دہ۔ و فہیم اول و فہیم ثانی و دال و ہوا و فتح لون گہا یا ش	در زنبال۔ بفتح اول ثانی دالغ و فہیم مہلک و سکون
در دہ۔ و فہیم اول و فہیم ثانی و دال و ہوا و فتح لون گہا یا ش	لون با مہدہ و دالغ ثانی و لام فاد و کاف و فہیم۔
در دہ۔ و فہیم اول و فہیم ثانی و دال و ہوا و فتح لون گہا یا ش	در دہی اول۔ ع بفتح اول و سکون اہمہلک و کسر دال مہلک ثانی و فہیم
در دہی اول۔ ع بفتح اول و سکون اہمہلک و کسر دال مہلک ثانی و فہیم	تھانی شدہ و سکون لام و فتح خا و ہوا و فتح در دہی مہلک طرح
در دہی اول۔ ع بفتح اول و سکون اہمہلک و کسر دال مہلک ثانی و فہیم	می ق بفتح ح کسہ ص ر و فہیم گل ل و فہیم سہ یا مہلک یا ش
در دہی اول۔ ع بفتح اول و سکون اہمہلک و کسر دال مہلک ثانی و فہیم	تمیق المسیم
در دہی اول۔ ع بفتح اول و سکون اہمہلک و کسر دال مہلک ثانی و فہیم	در دہی دوم۔ و فہیم اول و ثانی دالغ و فہیم مہلک و سکون دال مہلک
در دہی اول۔ ع بفتح اول و سکون اہمہلک و کسر دال مہلک ثانی و فہیم	ثانی و سکون مہیم ف م سگ و کتا۔
در دہی اول۔ ع بفتح اول و سکون اہمہلک و کسر دال مہلک ثانی و فہیم	تمیق النون
در دہی اول۔ ع بفتح اول و سکون اہمہلک و کسر دال مہلک ثانی و فہیم	درخت کلجکان۔ و فہیم اول و ثانی و سکون خا و ہوا
در دہی اول۔ ع بفتح اول و سکون اہمہلک و کسر دال مہلک ثانی و فہیم	و کسر فاد و فہیم کاف فارسی و سکون لام و فتح مہیم فارسی باکان

درش

درش

وسه - ف باکر اول سکون ثانی و فتح سین مبداء و نحو
م ابریشم سعید رخ و مسق -

در مسیحیه - ف بنهم اول و سکون کسرین مبداء و سکون
تحتانی و فتح هم فارسی کا ندرک رخ و معبود نمود -

تمینق الذنون و تمینق الدلال

فند - ف بفتح اول و سکون فون دال و دال ثانی م باوع
حسابا طیس ه بال گونا طح ی م ق سسل رخ

چینی بعد از و خبری بعد از و پندی ش از یک نیم چه نادره
از دو انگ نمایند پس نشاسته بنهم اول و فون از نور -

تمینق الزا و السلسله

و فقره بفتح اول و سکون ثانی و فتح قاف و سکون
ف شور و با جمی ط ح -

تمینق السار

و فقره بنهم اول سکون ثانی و فتح قاف و ثانی ی سین
و فقره بنهم اول سکون ثانی و فتح قاف و ثانی ی سین

تمینق الواو و تمینق الالف

و و باق بنهم اول مبداء و او مجهول با موحده فارسی و الف
مخفیست که در ریخت بطول یابد و آن با بر شیم مثال آن نگه کن

تمینق الحاء و السلسله

و و با و ح بنهم اول ثانی مجهول با موحده و الف و هم
مبداء و سکون و او ثانی و او مجهول م کسح -

تمینق الخاء و السلسله

و و خ - ف بنهم اول سکون ثانی فارسی هم رخ و و رخ
تمینق الزا و السلسله

و و الحاء میریخ بنهم اول سکون ثانی و هم و ال
مبداء ثانی و سکون لام و فتح عا و مبداء کسر و مبداء و سکون
استخوانه در او مبداء ثانی و ف کرم ایشم -

و و سر - بنهم اول ثانی مجهول و فتح سین مبداء کسح و جو بر
و کرم محرابی طح رای م گردن ب ق سسل رخ سیار

و و درم من کثیر او قتل بنورن حب ایشل -

تمینق الزا و السلسله

و و و القصر میریخ بنهم اول سکون ثانی و هم دال مبداء ثانی و سکون
لام و کسر ثانی و سکون را و مبداء کسریم و سکون زاز و هم
ف کرم ایشم رخ طح می -

تمینق الصاد و السلسله

و و ص - ع بنهم اول و سکون ثانی و صاد مبداء ف آبی است
کو آبرن تافته در داندازند -

و و قس - بنهم اول و سکون ثانی و کسر قاف ع بسلح

تمینق الفین و السلسله

و و غ - ف بنهم اول و ثانی مجهول و غین مبداء ه حیا حیه -

تمینق الکاف

و و اکاب - ف بنهم اول با ثانی و الف و فتح لام و سکون
کاف ع آشته و حیر لا -

و و لک - بنهم اول با ثانی و فتح لام ف ظفکویه -

تمینق اللام

و و ال - ف بنهم اول با ثانی و الف لام هم زرد
و یغنی گویند خالی یغنی ف پوست یخ زیر تو -

کتابت این کتاب از سید بن ابی طالب است و در نسخه خطی است

دسکون تختانی روغن نسیرین روغن بادام -

وسین - بفرم اول و سکن نانی و روغن طرح رقیق خ نازده

دسکون اول و سکن نانی و روغن نسیرین و روغن بادام

تمیق السار

و پانه - و بفتح اول و نانی و الف و فتح فن و حقا و

م رنجانه و سکن نانی و الف و نانی و الف و فتح فن و حقا و

دین الیخیر - و سکن نانی و الف و نانی و الف و فتح فن و حقا و

دفتح را و سکن نانی و الف و نانی و الف و فتح فن و حقا و

تمیق التختانی

و حاکمی - و بفتح اول و الف و نانی و الف و فتح فن و حقا و

دسکون تختانی م گل و دوی -

دین الیخیر - و سکن نانی و الف و نانی و الف و فتح فن و حقا و

روغن خیر و روغن خیر و روغن خیر و روغن خیر

دین السوئی - و سکن نانی و الف و نانی و الف و فتح فن و حقا و

دین السوئی - و سکن نانی و الف و نانی و الف و فتح فن و حقا و

تمیق التختانی و تمیق الف

و یا قود و نانی و بفتح اول و سکن نانی و الف و فتح فن و حقا و

دسکون و او با مال و الف و نانی و الف و فتح فن و حقا و

و یا قود و نانی و بفتح اول و سکن نانی و الف و فتح فن و حقا و

دسکون و او با مال و الف و نانی و الف و فتح فن و حقا و

تمیق الفوقانی

و یا قود و نانی و بفتح اول و سکن نانی و الف و فتح فن و حقا و

دسکون و او با مال و الف و نانی و الف و فتح فن و حقا و

تمیق الرار المسله

و یا قود و نانی و بفتح اول و سکن نانی و الف و فتح فن و حقا و

دسکون و او با مال و الف و نانی و الف و فتح فن و حقا و

و یا قود و نانی و بفتح اول و سکن نانی و الف و فتح فن و حقا و

تمیق السین المله

و یا قود و نانی و بفتح اول و سکن نانی و الف و فتح فن و حقا و

دسکون و او با مال و الف و نانی و الف و فتح فن و حقا و

و یا قود و نانی و بفتح اول و سکن نانی و الف و فتح فن و حقا و

دسکون و او با مال و الف و نانی و الف و فتح فن و حقا و

و یا قود و نانی و بفتح اول و سکن نانی و الف و فتح فن و حقا و

دسکون و او با مال و الف و نانی و الف و فتح فن و حقا و

و یا قود و نانی و بفتح اول و سکن نانی و الف و فتح فن و حقا و

دسکون و او با مال و الف و نانی و الف و فتح فن و حقا و

و یا قود و نانی و بفتح اول و سکن نانی و الف و فتح فن و حقا و

دسکون و او با مال و الف و نانی و الف و فتح فن و حقا و

و یا قود و نانی و بفتح اول و سکن نانی و الف و فتح فن و حقا و

تمیق الکاف

و یا قود و نانی و بفتح اول و سکن نانی و الف و فتح فن و حقا و

دسکون و او با مال و الف و نانی و الف و فتح فن و حقا و

و یا قود و نانی و بفتح اول و سکن نانی و الف و فتح فن و حقا و

دسکون و او با مال و الف و نانی و الف و فتح فن و حقا و

و یا قود و نانی و بفتح اول و سکن نانی و الف و فتح فن و حقا و

دسکون و او با مال و الف و نانی و الف و فتح فن و حقا و

و یا قود و نانی و بفتح اول و سکن نانی و الف و فتح فن و حقا و

جلد دانه بواسیر مجرب - دیک سح - بکسر اول و سکون ثانی و کاف و خوسه لکڑا ط گشت اوج رگ بندی رخ زرد	تفتیق و تفتیق المومس آداب - ع بنم اول مجرب با موحه ثانی و کس طح ق ملین و متوی -
دیک - و بکسر اول ثانی مجول و سکون لام فتح ع دیوک - و بکسر اول ثانی مجول و سکون لام فتح ع	تفتیق اللام آداب - ع بنم اول ثانی و کاف و خوسه دیل بنم یکم و سکون دوم سنگ بنم در بانی و آن
تفتیق السیم دیس - بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین مهر و سکون نیم و کستان افور -	تفتیق الزهر اللبل و تفتیق الفوقانی آداب - ع بنم اول و فتح د و مهر و سکون ثانی
دیو گندم بکسر اول ثانی مجول و فتح کاف و خوسه و سکون ثانی و فتح دال مهر ثانی و فتح اذ گندم که دانه و یک فلان باشد و گندم خوشه بزرگ بیدانه -	تفتیق الزهر اللبل و تفتیق الفوقانی آداب - ع بنم اول و فتح د و مهر و سکون ثانی
تفتیق الواو دیو بکسر اول و سکون ثانی و فتح دال مهر و سکون ثانی دید و کاف و بکسر اول و سکون ثانی و فتح دال مهر و سکون ثانی	تفتیق البیسیم آداب - ع بنم اول و فتح دال مهر و سکون ثانی
تفتیق البسار دیس - بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین مهر و سکون نیم دیو بکسر اول و سکون ثانی و فتح سین مهر و سکون نیم	تفتیق البسار آداب - ع بنم اول و فتح دال مهر و سکون ثانی
ترقیم لزال البه تفتیق الالف و تفتیق الموحده داستال و آداب - ع بنم اول و فتح دال مهر و سکون ثانی	تفتیق الفار آداب - ع بنم اول و فتح دال مهر و سکون ثانی
داستال و آداب - ع بنم اول و فتح دال مهر و سکون ثانی دال منجه شده مالی ماد و الف و کسر موحده و سکون موحده ثانی و درخت بر -	تفتیق الفار آداب - ع بنم اول و فتح دال مهر و سکون ثانی

بکسر اول و فتح دال مهر و سکون ثانی

<p>فون و سکون نیم مفتح و زنت مشهور و نگین طحی</p>	<p>تتمیق السین المهرله</p>
<p>۲ ق نسبت الیهم فی فروع خ سفید زردی مال که جوی بود راس سح بفتح اول و جزه ساکنه ف سره مومثره</p>	<p>تتمیق الفار</p>
<p>رازین سح بر او مهره و سکون را به جبهه استخوانی و الف</p>	<p>تتمیق الکاف</p>
<p>عانی ففتح فون م راز یا زنت بادیان ه سولف طح</p>	<p>راکب - و بر او مهره و الف و فتح نیم و سکون کات م</p>
<p>۳ ق مفتح در زنت خ بنانی مش راز دوست او</p>	<p>تتمیق الحاء المهرله</p>
<p>بکمال آدودرم ص مندل و کاف و یاز و عدل تخم کرم</p>	<p>راکب - و بر او مهره و الف و عدل مهره و شد اب</p>
<p>را نچ فتح اول و الف و فتح فون و سکون نیم و ناکیر</p>	<p>راکب - و بر او مهره و الف و عدل مهره و شد اب</p>
<p>۴ ق مفتح و زنت خ بنانی مش راز دوست او</p>	<p>تتمیق الکاف الفاری</p>
<p>را نچ فتح اول و الف و فتح فون و سکون نیم و ناکیر</p>	<p>راکب - و بر او مهره و الف و عدل مهره و شد اب</p>
<p>۵ ق مفتح و زنت خ بنانی مش راز دوست او</p>	<p>تتمیق الکاف الفاری</p>
<p>۶ ق مفتح و زنت خ بنانی مش راز دوست او</p>	<p>تتمیق الکاف الفاری</p>
<p>۷ ق مفتح و زنت خ بنانی مش راز دوست او</p>	<p>تتمیق الکاف الفاری</p>
<p>۸ ق مفتح و زنت خ بنانی مش راز دوست او</p>	<p>تتمیق الکاف الفاری</p>
<p>۹ ق مفتح و زنت خ بنانی مش راز دوست او</p>	<p>تتمیق الکاف الفاری</p>
<p>۱۰ ق مفتح و زنت خ بنانی مش راز دوست او</p>	<p>تتمیق الکاف الفاری</p>

<p>رجل الغراب مع سکون نام ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن خیشی است که فاسد بزی یا پای کلای گویند و گویند که تحتانی ذون م قوت طح سی ۲ گویند یعنی دو غ مست</p>	<p>رجل الغراب مع سکون نام ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن خیشی است که فاسد بزی یا پای کلای گویند و گویند که تحتانی ذون م قوت طح سی ۲ گویند یعنی دو غ مست</p>
<p>تتمیق البسار</p>	<p>الطیر لیل مست طح سی ح ای ۲</p>
<p>رخته مع بقیه اول و سکون ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن رخته مع بقیه اول و سکون ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن</p>	<p>تتمیق الدال المولود</p>
<p>رجل الجرد مع بکر اول و سکون ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن رجل الجرد مع بکر اول و سکون ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن</p>	<p>رجل الجرد مع بکر اول و سکون ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن رجل الجرد مع بکر اول و سکون ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن</p>
<p>رخته مع بقیه اول و سکون ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن رخته مع بقیه اول و سکون ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن</p>	<p>تتمیق الرار المولود</p>
<p>تتمیق الدال المولود و تتمیق الواو</p>	<p>رجل الطیر مع قشیرین مجرب یا را برسد و آن</p>
<p>رخته مع بقیه اول و سکون ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن رخته مع بقیه اول و سکون ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن</p>	<p>تتمیق السیم</p>
<p>تتمیق الهمار</p>	<p>رجل الحمام مع بکر اول و قشیرین مجرب یا را برسد و آن</p>
<p>روده و کبر لول و قشیرین ثانی شده و دالطمار یا دواوی پند است</p>	<p>و سیم ثانی و شنگار</p>
<p>تتمیق و تتمیق الزار المجرب</p>	<p>تتمیق البسار</p>
<p>رخته مع بقیه اول و سکون ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن رخته مع بقیه اول و سکون ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن</p>	<p>رجل بکر اول و سکون ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن رجل بکر اول و سکون ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن</p>
<p>تتمیق البسار</p>	<p>م بقایه الحما و قشیرین اول قشیرین دو غ</p>
<p>روده و قشیرین اول و قشیرین ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن روده و قشیرین اول و قشیرین ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن</p>	<p>تتمیق و تتمیق الخار المجرب</p>
<p>تتمیق السین المولود و تتمیق الفوقانی</p>	<p>رخته مع بقیه اول و سکون ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن رخته مع بقیه اول و سکون ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن</p>
<p>رسوت و قشیرین اول و سکون ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن رسوت و قشیرین اول و سکون ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن</p>	<p>رخته مع بقیه اول و سکون ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن رخته مع بقیه اول و سکون ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن</p>
<p>در وی بند است که در وی شش بکار بریزد م حنظل</p>	<p>ورخ با قشیرین مع قشیرین مجرب یا را برسد و آن ورخ با قشیرین مع قشیرین مجرب یا را برسد و آن</p>
<p>تتمیق السین المولود</p>	<p>تتمیق السیم</p>
<p>رخته مع بقیه اول و سکون ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن رخته مع بقیه اول و سکون ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن</p>	<p>رخته مع بقیه اول و سکون ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن رخته مع بقیه اول و سکون ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن</p>
<p>تتمیق البسار</p>	<p>شنگی است سفید طح سی گنجی قحلی خ سفید</p>
<p>رسته و قشیرین اول و سکون ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن رسته و قشیرین اول و سکون ثانی و قشیرین مجرب یا را برسد و آن</p>	<p>روغن گل شاخ ایل بونته</p>
<p>شیرینی است شیشه قشیرین مع کب انزال و بنابر</p>	<p>تتمیق النون</p>

<p>رقاس - بضم اول وفتح ثانی وکسر فاق ثانی وکون آنرا زود که بکسر زود وحب بقتل وانه ویت وشناختن ویت</p>	<p>سین مهلم خصی الشک وکوند لبست بر بری -</p>
<p>رقاس - ف بفتح اول و ثانی و الف م معطی ملک الروم</p>	<p>تمیق القات</p>
<p>رق - ع بفتح اول و سکون قاف و پست سنگ بشت طم گم و شک غوی سدد و جگرو دانه و اشتها و محرک آرد و غ</p>	<p>تمیق النون</p>
<p>رقون - ع بفتح اول و ضم ثانی و سکون واد و نون و حلقه</p>	<p>تمیق المراء</p>
<p>رقعه بضم اول و سکون ثانی و فتح عین و حلقه و خا و یام و هم می آید</p>	<p>رقعه بضم اول و سکون ثانی و فتح عین و حلقه و خا و یام و هم می آید</p>
<p>سرخ رنگ و هر دار وکی که بر کسر کند آنرا رقه خوانند</p>	<p>تمیق الکاف و تمیق الواو و الف و ی</p>
<p>انبار و بنومه و خارا قطی -</p>	<p>تمیق اللام</p>
<p>رکت بضم اول و فتح کاف و سکون نون و ثانی و ضم و حلقه</p>	<p>تمیق السعال</p>
<p>فارسی و قطار و سکون و حلقه و فارسی و ثانی و فتح و حلقه و یام و هم می آید</p>	<p>تمیق السار</p>
<p>رک - ع بفتح اول و سکون میم و فتح و حلقه و یام و هم می آید</p>	<p>تمیق السیم</p>
<p>رکاسه - ف بضم اول و فتح ثانی و الف و فتح سین مهلم</p>	<p>تمیق الال</p>
<p>مهر و خا و یام و حلقه و یام و هم می آید</p>	<p>تمیق الواو</p>
<p>رم - ع بکسر اول و سکون میم و فتح و حلقه و یام و هم می آید</p>	<p>تمیق الزون و تمیق الالف</p>
<p>رک - ع بکسر اول و سکون میم و فتح و حلقه و یام و هم می آید</p>	<p>تمیق الزون و تمیق الالف</p>
<p>رمان البرج - ع بضم اول و فتح ثانی و الف و ضم نون و سکون لام و فتح نوحه و دانه و حلقه و یام و هم می آید</p>	<p>تمیق الزون و تمیق الالف</p>
<p>سکون لام و فتح نوحه و دانه و حلقه و یام و هم می آید</p>	<p>تمیق الزون و تمیق الالف</p>

تتميق الحار البهيمه	تخانی با نون ثانی مالت م سقرنگ -
روح - ف بنیم اول سکون ثانی و حار و مجریای است که زیاده آب برود و از آن حصیر را بقدم فروخ و نه	تتمیق الدال الملهه رنگ - بفتح اول سکون ثانی م بر و گویند و سخت پاک خوب و خوشبوی و بعضی درخت خود را هم گویند -
تتمیق البین الملهه	تتمیق الفاد
روح - ع بنیم اول و ان هیزه سکون داد و بین مملکت سرخ رق متمیق ح سگایان متشابه الخیزه ریش انیم سکون ثانی و با	رنگ - بفتح اول سکون ثانی ف بید شک -
روناس - ف بنیم اول ثانی مجهول و الف فوه و بمطوط	تتمیق الکاف الفارسی
۴ سر و خشک متعده در اول فین و عرق و معوی معدود و متعده	رنگ - بفتح اول سکون ثانی و کاف فارسی م بزرگو
بنین من کسر لادیمون ش یکشال کیاب و سلیم و موسیر	تتمیق الواو و تتمیق الالف
رومنش - ه بنیم اول ثانی مجهول و فتح با سکون و نون بایسین م کدیل ع اذ حشر -	رویا - ه بنیم اول سکون واو با موحده فارسی و الف ف نقره موحده تازی م رویا و ترکیه -
تتمیق الشین المبهه	روح - ه بنیم اول سکون ثانی و فتح جیم فارسی با و قالی م
روح الحار و خوش سبج بفتح اول سکون ثانی و ضم شانه	روح قویا - ه بنیم اول سکون ثانی و حار و مایه و ضم قالی
سکون لام و کسر حار علی مایه و الف و کسر با و ه ثانی و سکون	سکون دا و ثانی و کسر قالی با تخانی و الف ه جست
لام ثانی و فتح و او سکون ما و ه ثانی ف سگرین گورخر -	روینا - ف بنیم اول قالی مجهول و کسر و سکون تخانی
تتمیق الکاف	بانون و الف م پولا و جوهر دار -
رویا و ترکیه - ف بنیم اول سکون ثانی با موحده الف	روی تو تیا - بنیم اول سکون ثانی و تخانی مجهول و ضم
و اعطایا و ضم قالی و سکون با و ه ثانی و فتح موحده ثانی	و قالی و سکون و او ثانی و کسر قالی ثانی با تخانی م جست -
سکون کاف ع غب الشلب -	تتمیق الجسیم
روح - ع بنیم اول سکون ثانی و فتح سین مهله و سکون	روح شحج - ع بنیم اول سکون ثانی و فتح سین مهله و سکون
خارجیه و فتح قالی و سکون جیم ف مس در و سونیه طحی	خارجیه و فتح قالی و سکون جیم ف مس در و سونیه طحی
که هر چندش بر نماند و از آنرا برک و شست خوانند و از	حق بحجف کال محلی خ سفیری رفیقش بنیم م صم کیرا و شش بوسین سازند -
روح - ف بنیم اول سکون ثانی مجهول و فتح شین معجزه و نون	الو بال روح - بنیم اول سکون ثانی و فتح نون و سکون جیم م

<p>تمیق الثین المجهه</p> <p>ریش ع بکراول سکون ثانی دشین مجروح پیره بکله -</p>	<p>سین مهلم خار بیت -</p> <p>ریک زاده - ف بکراول دثانی مجبول ککاف فافه</p>
<p>تمیق النون</p> <p>ریحان سلیمان - بفتح اول سکون ثانی با حاء معمله والفت</p>	<p>مجهه والفت وقع دال جهام ریک باهی مع سقعه ر -</p> <p>ریح ع بکراول دفتح ثانی ف شش و بیسیر طاح ر</p>
<p>ریحان ع بفتح اول سکون ثانی دفتح حاء معمله والفت</p> <p>نازیده کالی طح ی حق مجکل رخ خوشبوش از تخم</p>	<p>تمیق تحتانی</p> <p>رسی - ف بکراول دثانی مجبول و کسرین مهمل سکون</p>
<p>ریحان ع بفتح اول سکون ثانی دفتح حاء معمله والفت</p> <p>نازیده کالی طح ی حق مجکل رخ خوشبوش از تخم</p>	<p>تیمیق التحتانی</p> <p>رسی - ف بکراول دثانی مجبول و کسرین مهمل سکون</p>
<p>تمیق الواو</p> <p>ریحان ع بفتح اول سکون ثانی دفتح حاء معمله والفت</p>	<p>تیمیق التحتانی</p> <p>رسی - ف بکراول دثانی مجبول و کسرین مهمل سکون</p>
<p>تمیق الهمزة</p> <p>ریحان ع بفتح اول سکون ثانی دفتح حاء معمله والفت</p>	<p>تیمیق التحتانی</p> <p>رسی - ف بکراول دثانی مجبول و کسرین مهمل سکون</p>

تمیق التزل و تمیق الموحده	زنجبیل - فن بفتح اول و سکون ثانی و فتح هاء و سکون لام و زنجبیل
زنجبیل - بفتح اول و سکون ثانی و فتح هاء و سکون لام و زنجبیل	زنجبیل - بفتح اول و سکون ثانی و فتح هاء و سکون لام و زنجبیل
تمیق الدال الهله	من یقرض کافول دار فلفلس یا عاقر قرحا
زنجبیل - فن بفتح اول و سکون ثانی و دال هاء و دست مود	تمیق الیم
تمیق الزار الهله	زنجبیل - بفتح اول و سکون ثانی و فتح هاء و سکون لام و زنجبیل
زنجبیل - بفتح اول و سکون ثانی و فتح هاء و سکون لام و زنجبیل	زنجبیل - بفتح اول و سکون ثانی و فتح هاء و سکون لام و زنجبیل
تمیق النون	زنجبیل - بفتح اول و سکون ثانی و فتح هاء و سکون لام و زنجبیل
زنجبیل - بفتح اول و سکون ثانی و فتح هاء و سکون لام و زنجبیل	زنجبیل - بفتح اول و سکون ثانی و فتح هاء و سکون لام و زنجبیل
زنجبیل - بفتح اول و سکون ثانی و فتح هاء و سکون لام و زنجبیل	زنجبیل - بفتح اول و سکون ثانی و فتح هاء و سکون لام و زنجبیل
تمیق الواو	زنجبیل - بفتح اول و سکون ثانی و فتح هاء و سکون لام و زنجبیل
زنجبیل - بفتح اول و سکون ثانی و فتح هاء و سکون لام و زنجبیل	زنجبیل - بفتح اول و سکون ثانی و فتح هاء و سکون لام و زنجبیل
تمیق الهمزة	زنجبیل - بفتح اول و سکون ثانی و فتح هاء و سکون لام و زنجبیل
تمیق الفاء	زنجبیل - بفتح اول و سکون ثانی و فتح هاء و سکون لام و زنجبیل
زنجبیل - بفتح اول و سکون ثانی و فتح هاء و سکون لام و زنجبیل	زنجبیل - بفتح اول و سکون ثانی و فتح هاء و سکون لام و زنجبیل
تمیق القاف	زنجبیل - بفتح اول و سکون ثانی و فتح هاء و سکون لام و زنجبیل
زنجبیل - بفتح اول و سکون ثانی و فتح هاء و سکون لام و زنجبیل	زنجبیل - بفتح اول و سکون ثانی و فتح هاء و سکون لام و زنجبیل
تمیق الغائ	زنجبیل - بفتح اول و سکون ثانی و فتح هاء و سکون لام و زنجبیل
تمیق الهمزة	زنجبیل - بفتح اول و سکون ثانی و فتح هاء و سکون لام و زنجبیل

<p>ترجم الزوار الفارسی و تفسیق الالف تفسیق الزوار الفارسی</p> <p>ترتیب اول و سکون ثانی رفع جمیم فارسی و سکون کاف مبدی و دو گویند که برنج و گوشت باصلح بر کرده تانی زرک. و بکسر اول سکون ثانی فتح را و دویم قول و دویم را و</p>	<p>تفسیق الکاف</p>
<p>تفسیق الکاف</p> <p>زیک. و بکسر اول و سکون ثانی و کاف فارسی م با و در حقیر خیر فاکتری زنگ که برید و پائیس سرخ است و که بکر از کج شک خاکی بود و آوازش بنیاست خوش و دوزین</p>	<p>تفسیق الکاف الفارسی</p>
<p>ترتیب اول و سکون ثانی و کاف فارسی م با و در حقیر خیر فاکتری زنگ که برید و پائیس سرخ است و که بکر از کج شک خاکی بود و آوازش بنیاست خوش و دوزین</p>	<p>تفسیق النون</p>
<p>ترتیب اول و سکون ثانی و کاف فارسی م با و در حقیر خیر فاکتری زنگ که برید و پائیس سرخ است و که بکر از کج شک خاکی بود و آوازش بنیاست خوش و دوزین</p>	<p>زیت السوادان مع بفتح اول و سکون ثانی و ضم فغانی و فتح سین و مده مشد و سکون و او با دال و هاء و الف و روضن بجرک یسیر و فغانی با و ام کو بی</p>
<p>ترتیب اول و سکون ثانی و کاف فارسی م با و در حقیر خیر فاکتری زنگ که برید و پائیس سرخ است و که بکر از کج شک خاکی بود و آوازش بنیاست خوش و دوزین</p>	<p>زیت العربیان بفتح اول و سکون ثانی و ضم فغانی و فتح سین و مده مشد و سکون و او با دال و هاء و الف و روضن بجرک یسیر و فغانی با و ام کو بی</p>
<p>ترتیب اول و سکون ثانی و کاف فارسی م با و در حقیر خیر فاکتری زنگ که برید و پائیس سرخ است و که بکر از کج شک خاکی بود و آوازش بنیاست خوش و دوزین</p>	<p>زیت العربیان بفتح اول و سکون ثانی و ضم فغانی و فتح سین و مده مشد و سکون و او با دال و هاء و الف و روضن بجرک یسیر و فغانی با و ام کو بی</p>
<p>ترتیب اول و سکون ثانی و کاف فارسی م با و در حقیر خیر فاکتری زنگ که برید و پائیس سرخ است و که بکر از کج شک خاکی بود و آوازش بنیاست خوش و دوزین</p>	<p>زیت العربیان بفتح اول و سکون ثانی و ضم فغانی و فتح سین و مده مشد و سکون و او با دال و هاء و الف و روضن بجرک یسیر و فغانی با و ام کو بی</p>

فیل هر چه داد و مالک زن آن پنج خه یا آلوده اقا قبا -	تمیق التسانی
ساطر لوبن - بفتح طاء موله و سکون سا و حله و ضم تسانی بکون و اوم نفسی اقلب -	ساشی - و بکر فو تانی هندی و نظار باد سکون تسانی ف قسمی از شالی سهر خ هندیست -
ساگون - و فتح کان فارسی سکون او و دخت شمو زیست که برگهایش بگوشه نخل باد و دخت تالکس گش چون بسویان -	ساجی - و بکر جیم و فتح شخار - ساری - و بکر راء و ملام سار - سالی بکر لام م انجمن رومی و کاسم رومی -
ساجهر لون - و بین هله و الف و خا و زون و موحده هله و سکون او و موله و سکون او و فو تانی ع و عین و لم و افلا تانی سان - و سا و ان و تکی که بران مخبر و کار و غیره تیز کنند و آنرا انسان نیز خوانند ع س -	تمیق المرحه و تمیق الالف سین التشریح بفتح اول و سکون موحده و ضم عین موله و تکریم شده و فتح عین موله تانی بار بار موله و الف م اقیون -
ساقوان - و بین موله و الف و خا و زون و واد الف و زون نمایه ایست هندی و سا ملخ -	تمیق الفوقانی سبکت - و بکر اول و سکون تانی و کرام و سکون فو تانی و ضم
تمیق الود	تمیق البجیم سج - و فتح اول و موحده و سکون جم و تبط سبی
سارو - و فتح یاء موله و سکون و اوم ساز و ج و بوا و بول م با و زیست سیاه رنگ که در هند بهر سرد و ماند طولی من گوید و آنرا شاستر و شمارک نیز گویند -	تمیق الحما و الجیم سرخ - و بکر اول و فتح تانی و سکون خا و مجیم نمک -
شاور - و فتح خالکس کشکته و زیزه با شرخ و فرانسه و نیز و به خاردار و سفید رنگ که در آفریش یکا که باشد و چون بهر بسوزد و نیز و میان کرم بگردد و زرد تا بیل بران شد	تمیق الدال المله سیو سینه و فتح اول و ضم تانی و سکون و او و کسر سین موله تانی و فتح موحده فارسی و سکون فون و ج و انسا -
تمیق السامر	تمیق الشین المجر سپوش - و بکر اول و سکون تانی فارسی و ضم تسانی و سکون یاء و شین سپوش تانی م نمخ اسفول -
ساده - و فتح دال موله و خفا و طاع سازج - سارونه - و فتح راء موله و سکون و او و فتح فو تانی و زنگار سافته - بکر فون و فتح فاب م پرشاد و شان -	تمیق الصاد المجر سبع الارض - و فتح خا و ان تانی و ضم عین موله و سکون لام

و فتح هزه و سکون اول و ثانی و ثانی فارسی و الف و نون و الف
 و بران پس اگر چاه و نیکو طبع نالی گوی خوشکی و مطلق و مختلف
 و محمل و فتح و در صحن مسکونی از حرم او تا هفت دم و از آن
 طبعش تا بیست و در مل حمت آلام شش و از غیره مختلف و هفت
 سار و بقول مصر سیر ز ص گل غنوم شش و دو دریم -

آن اول السوریه - تحقیق الفصاد الجهمیه

سپند یا الارض - بکر اول و فتح ثانی فارسی و سکون
 و فتح دال و ال و ثانی و الف و ضم نون ثانی و سکون
 و فتح هزه و سکون و اول و سکون و الف و سکون -
 تحقیق الکاف

سپند و سکون اول و ثانی فارسی و الف و ضم و سکون

سپند و سکون اول و ثانی فارسی و الف و ضم و سکون

سپند و سکون اول و ثانی فارسی و الف و ضم و سکون

سپند و سکون اول و ثانی فارسی و الف و ضم و سکون

سپند و سکون اول و ثانی فارسی و الف و ضم و سکون

سپند و سکون اول و ثانی فارسی و الف و ضم و سکون

سپند و سکون اول و ثانی فارسی و الف و ضم و سکون

سپند و سکون اول و ثانی فارسی و الف و ضم و سکون

سپند و سکون اول و ثانی فارسی و الف و ضم و سکون

سپند و سکون اول و ثانی فارسی و الف و ضم و سکون

سپند و سکون اول و ثانی فارسی و الف و ضم و سکون

سپند و سکون اول و ثانی فارسی و الف و ضم و سکون

سپند و سکون اول و ثانی فارسی و الف و ضم و سکون

سپند و سکون اول و ثانی فارسی و الف و ضم و سکون

سپند و سکون اول و ثانی فارسی و الف و ضم و سکون

سپند و سکون اول و ثانی فارسی و الف و ضم و سکون

سپند و سکون اول و ثانی فارسی و الف و ضم و سکون

انیس و نیا فاعلة المحصول لنفع و فوئح یا سیسبز -

تمیق الرار المله

سدر سرج کبر اول و سکون ثانی و در و عافیت درخت کناره به
کاکل طبیبی اقیانوس بنشیند پس درفش سدر

تمیق الساء

سنیابیه - ف بائع اول و سکون ثانی با موحده فارسی و الف
و فوئح تخمانی و فغار با خرنده است که در گوش و در

سدر - ف بائع اول و ثانی و فغار با خرنده است که در گوش و در
و مادر الهه دیگر بلاد ایران و توران بیشتر شود و شایه بزرگ

باشد که تنه او به شوری و پهل سید چهار کس در آید و برگهایش
و نبوده بود که باران از آن نکرده و تا ویت سوار در سایه آن

آرام تواند گرفت و بعد سید و در و در که از دیگر کله
آهن بلند تر باشد و ساقش بنایت موزون بود و بران درخت

چیزه که گرد مانند خرطیله که از چرم ساخته باشند بهر سدر
برازیشه باشد و در ایام بهار در میان آن خرطیله آبی بهر سدر

و در تیره را و همچو گردانند یعنی که آنرا به بعضی وضع در سایه
کنند سیاهی را رنگین و شفاف سازد و از آینه خانه و پیشه

و کوشه غمال و سار و کله و در و شکر و از این که نم در شکر
بیشه و کوشک و کجک و در و تیره و اندر سرج شجر البی -

تمیق التستالی

سدری - ف بائع اول و سکون ثانی و سماواتی مجبول بلندی
ابن مدنی ع غلال و غوره خرام -

تمیق الرار المله و تمیق الالف

مرکب کجک - ه الف اول و سکون با حمله و نم موحده فارسی
فاطه بار یا و سکون و داد و لون با کاف و الف تمیسی از بیضا

تمیق الموحده

سراج القطر سرج کبر اول یا نالی و الف و نم سرج
لام و نم فاف و سکون طاه و حمله و نم رار و سراج

موحده گویند که این نام مشتق از و حیرست کی سراج
و آن چراغ است دم قطرب آن جانور است که آنرا طینوس

گویند و شب بدین است چون این گیاه شب روشن است
و او ای که ترست پس شب است سراج و قطرب بهر که در شب

روشن باشد گویند که قطرب این گیاه را دوست دارد و در خیمه
طلب کنندگی اقیانوس بنشیند و فوئح فوئح فوئح فوئح فوئح فوئح

سرج با ف بضم اول و سکون ثانی ه سید -
سرج با ف بضم اول و سکون ثانی یا خا و حمله الف م

درغالی سرج رنگ که ماده آن جیص کند و سرجی که زنان
با منقید اب بکست خوش آیندگی بر رخسار و بالند و شربت

تمیق الجیس

سرج - ف کبر اول و ثانی و سکون و فوئح و حمله سدر -
تمیق الرار المله

سرا - ف بائع اول و الف و دال و ه با حمله غلال و غوره خرام
سرج مرد و بضم اول و سکون ثانی و حمله و فوئح و سکون و

مهره ثانی و دال و الف و حمله و سرجی که در گوش شبیه برگ بنان افزاید و
آن سرج خوش رنگ و خوش آیند و آنرا که بن نیز خوانند

سراج و ف بائع اول و سکون ثانی یا سرجی که حمله ثانی و الف و حمله

سرف - بکر اول و ثانی و سکون ذوق و دال و هرات حاکم و سوال و مشقه را نیز خوانند -	سد و باد هیچ باه و سوسن و بنین و خا و مرکب و مفرج جلد است ش کیرم و مفرج و مفرج عربی و مشکلی از زرباد و ذوق مثل سیر و مرغان و بسید و رایتج -
تمیق الا و الملیا	
سرف نفع اول و سکون راه و ملامت و راس و بنیم اول و بنیم از برنج سازد و نام نفع از نای که طول آن یک گز است و نیکو در گارد و مانند پیکان و اکثر حیوانات را بدان گز و سازد مسور و و نفع اول و سکون ثانی و نفع نیم و سکون و اود مار و ملامت ثانی و م ساگ چوک -	سرس - بکر اول و سکون ثانی و سکون ثانی و سکون ثانی و سکون مشور و مفرج و مفرج و مفرج و مفرج و مفرج و مفرج و مفرج تمیق الشین المیه
تمیق الزا و المجه	سرف و نفع اول و سکون ثانی و نفع نیم و سکون و اود سرف و نفع اول و سکون ثانی و نفع نیم و سکون و اود
تمیق الکاف	سرف و نفع اول و سکون ثانی و نفع نیم و سکون و اود سرف و نفع اول و سکون ثانی و نفع نیم و سکون و اود
تمیق الیون الممل	سرف و نفع اول و سکون ثانی و نفع نیم و سکون و اود سرف و نفع اول و سکون ثانی و نفع نیم و سکون و اود
تمیق الکاف	سرف و نفع اول و سکون ثانی و نفع نیم و سکون و اود سرف و نفع اول و سکون ثانی و نفع نیم و سکون و اود
تمیق الکاف الفارسی	سرف و نفع اول و سکون ثانی و نفع نیم و سکون و اود سرف و نفع اول و سکون ثانی و نفع نیم و سکون و اود
تمیق النون	سرف و نفع اول و سکون ثانی و نفع نیم و سکون و اود سرف و نفع اول و سکون ثانی و نفع نیم و سکون و اود
تمیق النون	سرف و نفع اول و سکون ثانی و نفع نیم و سکون و اود سرف و نفع اول و سکون ثانی و نفع نیم و سکون و اود
تمیق النون	سرف و نفع اول و سکون ثانی و نفع نیم و سکون و اود سرف و نفع اول و سکون ثانی و نفع نیم و سکون و اود
تمیق النون	سرف و نفع اول و سکون ثانی و نفع نیم و سکون و اود سرف و نفع اول و سکون ثانی و نفع نیم و سکون و اود
تمیق النون	سرف و نفع اول و سکون ثانی و نفع نیم و سکون و اود سرف و نفع اول و سکون ثانی و نفع نیم و سکون و اود
تمیق النون	سرف و نفع اول و سکون ثانی و نفع نیم و سکون و اود سرف و نفع اول و سکون ثانی و نفع نیم و سکون و اود
تمیق النون	سرف و نفع اول و سکون ثانی و نفع نیم و سکون و اود سرف و نفع اول و سکون ثانی و نفع نیم و سکون و اود
تمیق النون	سرف و نفع اول و سکون ثانی و نفع نیم و سکون و اود سرف و نفع اول و سکون ثانی و نفع نیم و سکون و اود

سعد رخ بضم اول و سکون بین همزه و ال همزه در متعاطع	تمیق النون	
ی اگر ۲ ق بمقتضای مفتوحه نشی و مقوی و مانع دل و مدح	سسیلیون - یو نالی بفتح اول و سکون ثانی و کسر طاء و همزه	
کو فی فرغ و خبری بستانی سفید بعد از آن شیرازی بستان بزرگ	و سکون ثانی و ضم بین همزه و سکون و او فتن ف میرک نادر و نی	
که چون سیاهی از بخار شد سفید و زرد بودش کیدرم من و نو	تمیق الطاء و همزه و تمیق الالف	
منزل و انیسون و گوشت خیارل در مینوی دوج -	سطرک - رومی بفتح اول و طاء و همزه و سکون - یو همزه با کاف	
تمیق الراء همزه	و الف تم اصطرک ط سکر کم انشک من تخم و از یا نفل سه سال	
سحرف بضم اول و سکون ثانی و فتح قوفانی و سکون راء همزه	تمیق الحاء همزه	
گیا هست شل خرده گوده سانه -	سلاح - ع بفتح اول و ثانی و الف و حاء همزه بر بنایک	
تمیق النین المجه و تمیق الدال همزه	بر روی زمین گستره شود و او را برین نام خوانند -	
مغود و ف بضم اول و ثین بجره سکون و او و ال همزه و ع سکر	تمیق السین همزه	
تمیق الراء همزه	سطرک ایوس - یو نالی بفتح اول و سکون ثانی بار و همزه و الف	
سفر بر روی بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحه و در همزه و سحر	و کسر طاء و همزه و ثانی و فتح نیمه ثانی و سکون و او و بین همزه و ثانی و ف	
سحرف بضم اول و فتح ثانی و او و رست که سینه ای از پیش	بنائی ست که او را بفتح نیست و بر روی تاب پیدا شود و درش مانند	
درق با درخوبه بود و کوچک تر از دانه خالص بزرگ و طرب تر آن باشد و چون کسی قصد گرفتن آن کند خود را چنان بجنباند که	و درق با درخوبه بود و کوچک تر از دانه خالص بزرگ و طرب تر آن باشد و چون کسی قصد گرفتن آن کند خود را چنان بجنباند که	
آن سیماب را نکس بخیزد ه ساری -	سیلیوس - یو نالی بضم اول و سکون ثانی و ضم ثانی و سکون	
تمیق النون	و سین همزه ثانی نم گنار -	
سفین - یو نالی بفتح اول و سکون ثانی و کسر موحه و سکون ثانی و ف	تمیق الکاف	
تمیق الساء	سطرک اسطرک - یو نالی بفتح اول و سکون ثانی بار و همزه	
سفر نه - ف بضم اول و فتح ثانی و سکون ثانی و فتح قوفانی و ف	و الف و کاف و لغت اول و با و او و لغت ثانی نم زرباد -	
تمیق الفاء و تمیق الحاء الف	تمیق النون	
سفر - ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم فارسی هم خریز که با رسید	سطرک و نیون - یو نالی بفتح اول و سکون ثانی و ضم راء همزه و سکون	
تمیق الدال همزه	و او و کترین و ضم ثانی و سکون او و ثون ثانی و فتح یک انسان	
سفر و - ف بفتح اول و سکون ثانی و ضم راء همزه و او و مجهول	تمیق النین همزه و تمیق الدال همزه	

یا کز گاه خوشک سوده و میوزن تخم زردک - یا پوست کبریا میوزن آن تخم کرمس -

تمیق الزرار المحم

تمیق الکاف و تمیق الالف

سحق - بفتح امل و کسر ثانی شده و سکون زار بجزم عکائی
و عکای الیثم ف صبح درخت بن - یونانی بفتح اول و کسر کاف و سکون ثانی و فتح زار
و سکون عین مهله بالام و الف م بشافج -

تمیق السین المله

تمیق البجیم

سحق - بفتح اول و ثانی و سکون فون و ضم کاف ثانی و
سکون سین مهله ثانی م سحقور -

تمیق اللام

سکینج - یونانی بفتح اول و سکون ثانی و کسر و حده و سکون
ثانی و فتح فون و سکون جیم و ضم صبی است مثل انکوز و کزل
خوانند طرح می حق محل لطف مفتخ معانی بیرون

سقاقل - بفتح اول و الف و ضم کاف ثانی و سکون لام م
شقاقل که جمیعت ق تا چهار سال با نیست ط اگر م

اندون سفید زرد و گدازنده و بولش مشابه بلیست و فتنه و
تیز روی با خورش از یکدم تا یک شقال م و با سوسل

تر مبی مفتخ قاطع بلغم مقوی کمر سخن کرده و صده و جگر و صده
و مضر شش مصل و در بای او باصل مینا و مقوی را و خ و

باز و سفید یا میوزن جاقه شیر یا قمل و صبر و آس و جاد و غیر
از هر یک یکد انگ یا میوزن آن -

ش یا میوزن در تقویت با و جب منور و بوزیدان -

سکج - ف بفتح اول و کسر ثانی م و میوزن
سکونج - ف بضم اول و ثانی و فون و فتح با و سکون فون حاد که

تمیق النون

تمیق الزرار المله

سحق - ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون فون ع و ف
ف بیلان مینے عمل رطب -

سکج - ف بفتح اول و فتح ثانی شده و ضم زار مهله و سکون لام
و ضم عین مهله و سکون شین و حده او مهله ثانی ف صنیست که از غیر

ستور و لون - یونانی بضم اول و ثانی و سکون و او و مهله
و فتح دال مهله و ضم ثانی و سکون و او ثانی م سیر بری -

عشیر یعنی آگ بیرون می آید در موضع گل و می که خشک گردیده
میشود و از این نام خوانند م تینال و شکر که کوی طامح

مستول و قدر لادن - یونانی بضم اول و ثانی و سکون و او و ضم
و سکون و او ثانی و فتح ثانی و سکون فون و فتح حال و جزم

سکج - ع بضم اول و فتح ثانی شده و فتح طح را گویند می ق
مجلی یعنی خ سفید شفاف هندی شست در م صان ترس

و سکون بر مهله و ضم ثانی و سکون و او ثالث و فون م
استول و قدر لادن و فون و وار و طرح ای را گویند می ق

فروضا یا به و طبا شیر الی و سیاه با و میوزن اسانی یا عمل م

ملین م و در م ص دریا معطی عسل ل خافه یا کلا و یوس

تمیق الزرار المله

تمیق الزرار المله

<p>ق محلل لطیف مجلی خ شیرین سفید ص سرکل شلغم - سلق - بفتح اول و سکون ثانی و فتح سیم و کیتی -</p>	<p>کرم و جره و دلفت ثانی و کسر و اول و دلفت ثالث م جنید خرم تفتیق الالم و تفتیق الالف</p>
<p>تفتیق الکاف سلق - بفتح اول و فتح ثانی و سکون کاف کبک بجهز -</p>	<p>سلق المارح بکسر اول و سکون لام و ضم و سکون لام ثانی باسیم و الف محدود و م جار النهر -</p>
<p>تفتیق الیم سلمج - بفتح اول و سکون ثانی و فتح یم و سکون یم و ف شلغم طر ح ۲ ق مرسخ بتانی تازه ص تازه و ابل جزر -</p>	<p>تفتیق القوفانی سلاجبت - بفتح اول و ثانی و الف و کسر جیم و سکون قوفانی م قسمی از سلا رس -</p>
<p>تفتیق الهمسا سلا ص بفتح اول و ثانی و الف و فتح حار و مهله و فاف اول برکوی ست که بنگام تنج برنگ کرده باشد و سنگ سیاه و کف</p>	<p>سلمات بکسر اول و سکون لام و ف جو برهنه - سلخات بفتح اول و فتح ثانی و سکون حار و مهله و فاف و الف و قوفانی و کیم و ط مع ق مرطب خ بزرگ حن</p>
<p>سلا ص بفتح اول و ثانی و الف و فتح حار و مهله و فاف اول برکوی ست که بنگام تنج برنگ کرده باشد و سنگ سیاه و کف</p>	<p>تفتیق الدال المله سلسه - بفتح اول و سکون ثانی و فتح سین و مهله ثانی و سکون ال</p>
<p>سلا ص بفتح اول و ثانی و الف و فتح حار و مهله و فاف اول برکوی ست که بنگام تنج برنگ کرده باشد و سنگ سیاه و کف</p>	<p>تفتیق الزرار المله سلور - بفتح اول و ضم ثانی و سکون و او و او و مهله و فاف از راهی ست و در نیل مصر -</p>
<p>سلا ص بفتح اول و ثانی و الف و فتح حار و مهله و فاف اول برکوی ست که بنگام تنج برنگ کرده باشد و سنگ سیاه و کف</p>	<p>سلا رس - بکسر اول و ثانی و الف و او و او و مهله و فاف ثانی و سکون سین مهله ثانی م بند سائله -</p>
<p>سلا ص بفتح اول و ثانی و الف و فتح حار و مهله و فاف اول برکوی ست که بنگام تنج برنگ کرده باشد و سنگ سیاه و کف</p>	<p>تفتیق الطاء المله سلیط - یونانی بفتح اول و کسر ثانی و سکون ثانی و طاء مهله ر و عن نیتون غیر متشوش و سرخ الالم و سرخ بون</p>
<p>سلا ص بفتح اول و ثانی و الف و فتح حار و مهله و فاف اول برکوی ست که بنگام تنج برنگ کرده باشد و سنگ سیاه و کف</p>	<p>تفتیق القاف سلق بری - ف بکسر اول و سکون ثانی و کسر فاف و فتح</p>
<p>سلا ص بفتح اول و ثانی و الف و فتح حار و مهله و فاف اول برکوی ست که بنگام تنج برنگ کرده باشد و سنگ سیاه و کف</p>	<p>سلق - بفتح اول و سکون ثانی و فاف و فتح حار و مهله و فاف سلق - بفتح اول و سکون ثانی و فاف و فتح حار و مهله و فاف</p>

<p>ساقی جلی سق بقیع جم و مود و کسر لام طر ح و</p>	<p>تمیق القات</p>
<p>ساقی سق بقیع اول با ثانی و الف و قاف تهری قی قی و تهری</p>	<p>تمیق القات</p>
<p>سکه و صید سق بقیع اول و سیم و کاف و نیز و طیز با و قی</p>	<p>تمیق القات</p>
<p>ممل و سکون تخانی با ثانی و الف و تهری سق و کاف و نیز و طیز با و قی</p>	<p>تمیق القات</p>
<p>نزدیک برینه صید اندر زمین خام و مانند ریگ های کو میک و</p>	<p>تمیق القات</p>
<p>و بجز فصل مبارک که هنگام حیان آب است صیدش بتوان کرد</p>	<p>تمیق القات</p>
<p>خ نر طرح شخ خیرم</p>	<p>تمیق القات</p>
<p>سکه سق بقیع اول و قی و سکون تخانی با ثانی و الف و قاف تهری قی قی و تهری</p>	<p>تمیق القات</p>
<p>ساقی سق بقیع اول و سیم و کاف و نیز و طیز با و قی</p>	<p>تمیق القات</p>
<p>ساقی سق بقیع اول و سیم و کاف و نیز و طیز با و قی</p>	<p>تمیق القات</p>
<p>ساقی سق بقیع اول و سیم و کاف و نیز و طیز با و قی</p>	<p>تمیق القات</p>
<p>ساقی سق بقیع اول و سیم و کاف و نیز و طیز با و قی</p>	<p>تمیق القات</p>
<p>ساقی سق بقیع اول و سیم و کاف و نیز و طیز با و قی</p>	<p>تمیق القات</p>
<p>ساقی سق بقیع اول و سیم و کاف و نیز و طیز با و قی</p>	<p>تمیق القات</p>
<p>ساقی سق بقیع اول و سیم و کاف و نیز و طیز با و قی</p>	<p>تمیق القات</p>
<p>ساقی سق بقیع اول و سیم و کاف و نیز و طیز با و قی</p>	<p>تمیق القات</p>
<p>ساقی سق بقیع اول و سیم و کاف و نیز و طیز با و قی</p>	<p>تمیق القات</p>
<p>ساقی سق بقیع اول و سیم و کاف و نیز و طیز با و قی</p>	<p>تمیق القات</p>
<p>ساقی سق بقیع اول و سیم و کاف و نیز و طیز با و قی</p>	<p>تمیق القات</p>
<p>ساقی سق بقیع اول و سیم و کاف و نیز و طیز با و قی</p>	<p>تمیق القات</p>
<p>ساقی سق بقیع اول و سیم و کاف و نیز و طیز با و قی</p>	<p>تمیق القات</p>
<p>ساقی سق بقیع اول و سیم و کاف و نیز و طیز با و قی</p>	<p>تمیق القات</p>
<p>ساقی سق بقیع اول و سیم و کاف و نیز و طیز با و قی</p>	<p>تمیق القات</p>
<p>ساقی سق بقیع اول و سیم و کاف و نیز و طیز با و قی</p>	<p>تمیق القات</p>
<p>ساقی سق بقیع اول و سیم و کاف و نیز و طیز با و قی</p>	<p>تمیق القات</p>
<p>ساقی سق بقیع اول و سیم و کاف و نیز و طیز با و قی</p>	<p>تمیق القات</p>

<p>سمه - ع بفتح اول و سکون ثانی و فتح نون م حسب السمه ف تقل خواصه - هر چه در پی - سمه - ف بکسر اول و فتح ثانی م رنگ برنگ بر روی آب سرد</p>	<p>ط ح را گویند ۳۰ ممل بهی خ تازه بزرگ دانه ترک کف ص بریان کردن با عسل خوردن ل بزرگ کتان کلیمه دور در مابین مغز با دام یا خشان سفید عسل -</p>
<p>تمیق التخیانی</p>	<p>سم - ع بفتح اول و سکون ثانی و زهر و میش و مس</p>
<p>سمانی - بفتح اول و ثانی و الف و سکون ف و مضیعت در بانی که او را قلیل از عدد خوانند بدان سبب که چون آواز و عیش و میوه سمسم بر می - بکسر سر دو سین مهله و سکون هر دو میم و فتح موه و کسر را مهله شده و بای تحتانی سیم طبعش که طبع سنگ است و خرد و نازک</p>	<p>تمیق النون سمند پچمین - ه بفتح اول و ضم ثانی و سکون نون و ضم دال مهله و سکون را و مهله و کسر موحده فارسی و اظهار را و تختانی نیمول و نون و ف کف دریا -</p>
<p>تمیق النون و تمیق الالف</p>	<p>سمند لرون - ه بفتح اول و ضم ثانی و دال مهله شده و</p>
<p>سنا - ع بفتح اول و نون و الف و مجتور و در و هله و فواته طح می ق سهل و دواخ کی و مجازی که بایر گهای بود و دانه و گرش از هر دو طرف اس و خضرش نازل بر روی و پاکان و چوب کش ش در مطبوخ از چهار دم تا هفت دم و از کوفته تا سه دم و ص بلبله زرد و خسته و فنی گل و صمغ عربی و کثیرا یا ابا ص و ضم فندی ل از کلمی یک وزن و نیم ساهو بخدی یا مصری یا دو وزن ساهو دیگر و گویند بفایح و شاپوره -</p>	<p>سکون را و مهله و ضم لام و اوچول ع ملح محیط نمک یا سمسمون - بفتح اول و ضم ثانی و فتح فاف و سکون میز ثانی و فتح میم ثانی و ضم ما و مهله و سکون دال و اذان الفات سمن - ع بفتح اول و ثانی و ف و رغن گاه و کمی و کمی و ط ح راق شقیج محلل ملین ح تازه ص صمغ صوبات مده و نازل مسکه و ضم اول و فتح ثانی و فتح کل سبک -</p>
<p>سنگهارا - و کسر اول و فغاره ثانی و فتح کاف فارسی عالم را والف و را و مهله مخریست شکست خلد دار سنی هنر نیست بشکل خندق که در بار وید و بالا ای شرا و سه بار باشد -</p>	<p>سمور یون - یونانی بفتح اول و ضم ثانی و سکون و او و و کسر موحده و ضم تختانی و سکون و ثانی و ف کف بری سمین - ع بفتح اول و کسر ثانی و سکون تختانی و ف جری گوشت طح رخ ناخ و از حیوان شکل ص زخیل ق محلل</p>
<p>تمیق الموحده</p>	<p>سمنون - بفتح اول و سکون ثانی و کسر نون و ضم تختانی و داوم سمنه و هر ترکیبه که بدن را قوت کند آنرا سمنه خوانند -</p>
<p>سنبیل الطیب - ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم موحده دال و کسر را و مهله شده و سکون تختانی و موحده ثانی ه یا طح ای مگویند ۳۰ مفتح محلل تقوی دماغ و دل و سوری نازک</p>	<p>تمیق المساو سمانه - ع بفتح اول و ثانی و الف و فتح نون و فغاره م یا نوزده</p>

دسکون داد و کسراف دسکون ملام سرخ -	سینجاول - ف بفتح اول دسکون ثانی باموحده و الف ضم موحده
تمینق الکاف الفارسی	تمینق الیاء
سنگرگ - ف بفتح اول دسکون ثانی و فتح کاف فارسی در اوجله دسکون کاف ثانی م تراله -	سنباده - ف بفتح اول دسکون ثانی باموحده و الف فتح دال جهله و فها و هم سنگی است که بدان کار و دشمنیه و غیره تیز کنند و گنبد تر باشند و از خرابی حین خیزد -
سنگاک - بفتح اول دسکون ثانی و فتح کاف فارسی هم سنگرگ	سنسده - ف بفتح اول دسکون ثانی و فتح سین جهله ثانی
تمینق اللام	
سنبیل - ف بفتح اول دسکون ثانی و ضم موحده و سکون لام ع سنبیل الطیب بیونانی ناردینه و باجی و دجاسی با کرم و شک و منق و منقوی هم معده و جگر یارده و در بول و منق کردن کثیر اش بکمال ل از خر -	م زبدر سیاه و الگو سیاه -
تمینق الیسیر	
سنگم - ف بفتح اول دسکون ثانی و فتح کاف فارسی سکون میم جاکو نیست پرند و گویند که می است که می پرند -	سنگ - ف بفتح اول دسکون ثانی و سکون ثانی و سکون فارسی مثله و الف و فتح لون تهری که از شانه آدمیان آید و این مثله
تمینق النون	تمینق الحما لی
سند بان - ف بفتح اول دسکون ثانی و کسر ال همله و انهار و الف و لون ثانی ح عوده اگر بهترین ادویه و صلب براق خوشبوی تلخ است که در آب نشیند طحری -	سنبیل رومی - ف بفتح حین جهله دسکون لون و فتح با و کسر لام هم برای جهله دسکون و او و کسر هم و سکون تخانی هم ناردین -
سنگ اشکن - ف بفتح اول دسکون ثانی و کاف فارسی همزه دسکون سین میوه فتح کا کلکشی نام عله الیت و در خرا سن - ف بفتح اول دسکون ثانی بانی است مشهور که در خرا ریمان سازند ع قتب و انباری -	سنبیل الطیب گویند و از ششمان -
تمینق الواو	
سنا و ف بفتح اول ثانی و الف جهله و سکون ثانی و فتح کاف فارسی و الف	سندھی - ف بفتح اول دسکون ثانی و کسر ال و انهار و لام و سکون سینجاولی - ف بفتح اول دسکون ثانی و فتح حیم و سکون و ان و ضم موحده و سکون و او و یای تخانی هم نام گی است -

فون وفتح موحده هم سی سبیل و سبیل و تمام سبزی با شکر
فصلع و پودینه زیر اگر بود و چون در کوزه دست نشان نیک
سینسر و پودینه باز کوزه دیگر نقل کند فصلع بر آید و شکر
تیز باشد طی سبیل در تخمیل و ملطیف بار مویج -

تتمیق الزاوار الموم

سیا کبر - ف بفتح لام ثانی و الفی ککون و سکون ثانی و فون و فتح موحده هم

تتمیق ایسن المله

سیا لیوس - بکسر اول و سکون ثانی یا سین جمله ثانی و الف
و کسر لام فون تخم ثانی و ثانی و سکون و او سین جمله ثالث و ف
از صحنه ست مثل انگور و حلان و خندان و می و کاشم و می است
و گویند تخم ست مثل کون کرانی کبوی ترنج در طرحی ۳۲
محل ملطیف رخ روی کوچک و در قیوش و شیرینی و صفت
و تخم کاشمش بیدرم ص بدلت مثل خردل سفید یا خندان
طیب یا فطر یا سیون -

تتمیق الکاف

سیسک و سیک و سبک و سلک - ف بکسر اول و سکون
ثانی و کسر سین جمله ثانی و سکون و او جمله و کاف و لغت اول
و کسر سین جمله و لغت ثانی و کسر کاف اول و لغت ثالث
و کسر لام و لغت رابع م کرم گت دم خوار -

تتمیق الکاف الفاسی

سما هنگ - ف بکسر اول و سکون ثانی یا هم و الف و فتح
یا و سکون فون و کاف فارسی جار بری -

تتمیق الالام

سیال - ففتح اول و ثانی و الف و لام ف یا سین و کسر
سم هند است و ف شمال ع ابن آدمی و کب بری
یکید و سیارط سا گرم و خشک و فو ص اندک و کب بری
سیخول - ف بکسر اول و سکون ثانی و فتح موحده هم سیسک
و او م غار است ع فنی و سیاهی -

سیسبیل - ف بکسر اول و فتح ثانی و اظهار او هم سین جمله
ثانی و سکون فون و فتح موحده هم سیسبیر -

تتمیق النون

سیسین - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده هم سکون
و او فتح سین جمله ثانی و سکون فون م جهنول -
سیکراول - بکسر اول و سکون ثانی و فتح موحده هم سکون
سیا و ن - بکسر اول و سکون ثانی یا سین جمله ثانی و الف
و ضم رای جمله و سکون و او ف و ب سیاه و انطخ حی
سیبان بکسر و فتح اول و سکون ثانی و فتح سین جمله ثانی
یا موحده و الف م حب لغت -

سیسون - بکسر اول و سکون ثانی و فتح موحده هم سکون
درخت بید است مشهور که و تصفیه فون و او ای نویست -
سیکران - بفتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و او جمله و الف
سیلان و ف بکسر اول و فجهول بلام و الف شیر و کاذب و بار
سینه حالون - بکسر اول و ثانی و فجهول و فجهول فون و فتح و ال
و اظهار یا و الف و فلام و او فجهول م نمک سنگ -

تتمیق الزاوار

سیسیر - ف بکسر اول و ثانی و سکون سین جمله ثانی و فتح موحده هم

<p>دسکون و ادم کرم گندم خوار - سید و ف بکر اول و فم ثانی و او محمول م سبب -</p>	<p>فتح غنی و سهل مغز رخ سبز مذق و فتح نش از آب و حیر محل آلوده شد مثل و شکست و طبعه تازه دم و غیره طبع تا بهشت</p>
<p>ص لم یعد ل نیز زن ساری و چهار انگشت زن بلبله زرد سالمو ج - عیشین مجر و الف و با و فم لام و سکون و ادم فت شاه آلوده در سید -</p>	<p>تمیق الباء سیا و دانه - ف بکر اول با بانی و الف انظار را با دال علا و الف ثانی و فتح نون و کلونجی -</p>
<p>تمیق الفاء و الباء</p>	<p>سپخته - ف بکر اول و سکون ثانی و کسرم فای و سکون مین مجر و فتح نون و با و همل جانور باشد که شکاریست</p>
<p>شاخ - ف بسکون خا و شاخ و دشت و شاخ حیوانات و عطریست که از گربه حاصل شود ع زباد -</p>	<p>تمیق التاء سینی و ف بکر اول و سکون ثانی و کسرم و سکون ثانی آدم ریم آهن -</p>
<p>تمیق الدال المله</p>	<p>سی و ف بکر اول م شک -</p>
<p>ساکت - ف ففتح دال و الف و سکون و فتح نیم و سکون و ثانی و سکون</p>	<p>ترقیم بشین ابجد و تمیق الف فتح النون و الفی</p>
<p>تمیق الراء المله</p>	<p>شاه و درخت - ف ففتح اول و سکون ثانی و انظار یاد و فتح دال و همل و سکون و با و مجر و فانی و دشت منوخر</p>
<p>شار - ف ففتح اول با الف و سکون از همل و شغال حادیک مانند طوطی سخن گوید و از شاخ و ک و شار و نیز گویند -</p>	<p>تمیق الجیم</p>
<p>شانه سر - ف ففتح اول با الف و فتح نون و فانی و فتح نیم و سکون شاه انجیر - ف ففتح اول با الف و انظار یاد و فتح نیم و سکون نون و کسرم جیم و سکون ثانی م انجیر و زیری -</p>	<p>شاه و مجر و الف و ففتح دال و همل و نون و سکون جیم م شاه و مجر و الف و ففتح دال و همل و نون و سکون جیم گویند ۲۰ ف ففتح محفل جابش و فتح خمدی و کاز</p>
<p>تمیق الظار المله</p>	<p>مدرسین بر باشد و بار سرخ سیاهی مائل بود و محفل شغال ش نیم مثال ص عصاره و زنجبیل نیز زن آن و سکون و چهار انگشت زن آن و فانی کرانی و غیره متاقلین سوخته -</p>
<p>تمیق القاف</p>	<p>شاه مجر ج - عیشین مجر و الف و با و فتح نون و دال و ادم و سکون حروف شاه و دشت و ففتح اسی و از براق</p>

شاد افق بفتح اول باالف و فتح دال مهمل و الف تانی
دفتح لون م شدا رخ ف تخم جنگ

تتمیق الکاف

شارک - ف بفتح اول باالف و فتح راهمه و سکون کاف
م جانور ساردک سخلو است

شاسک بفتح اول باالف و فتح سین محله م بیو

شالوک - ف بفتح اول باالف و فتح لام سکون و او فتنه کون
شامک - ف بفتح لون م شکله مرغان

شانه سرک - ف بفتح لون فخر و فتح سین مهمل و لام سکون
شاهبازک - ف بکون با بوجه و الف و فتح لون م

رانش بک ع پنج الکلاب و شایاخ ط ۲ گرم و خشک

تتمیق الکاف الفارسی

شاشک - ف بفتح تین مخمر ثانی و سکون فون و فتح فارسی

تتمیق اللام

شاخل - ف بفتح تین مخمر و سکون لام غلا است
شاطل بکبر و امهله و اکیست هندی مانند کات خشک

ه سائل ط ح ی ۲ ش نیرم

تتمیق الیم

شاه اسپرم و شاه اسپر و شاه اسپرم و شاه اسپرم
شاه هیه و شاه هیه - ف باظهار با و کسر و سکون

سین مهمل و فتح با و فارسی و سکون راهمه و فتح غین مخمر
د سکون بیم و دلنت اول و سکون راهمه و دلنت ثانی و فتح

با و ثانی و دلنت ثالث و فتح با و اول و سکون سین مهمل و دلنت

الیم و سکون با و اول و فتح با و ثانی و دلنت فاس و فتح کاف
و دلنت سادس گویند و کسری بینی و کسری بینی و کسری بینی

سکون و از من قدر تخم سیاه و زردیند و کسری فزودتا
این تخم را بکشد از ان این بست ع ریکان طح ای ۳ ق

تخمس قابض و منوم ح ستری که کرانی و ریکانی و اسفون

تتمیق النون

شابر ن و شاپو کان و شاپور ن و شاد ران ف
بضم موحده و فتح راهمه و سکون فون و دلنت اول و او و

و فتح راهمه با کاف و الف و دلنت ثانی و فتح راهمه و دلنت
ثالث و فتح دال مهمل و الف و الف و دلنت الرابع و فون و

شان و ف بکون لون خانه و یو عسل کدان عسل با شکر گاو
شاپین - ف بکسر و سکون تسانی م جانوریت تمکاز

تتمیق الواو

شاه وارو - ف باظهار با و دال مهمل و الف و فتح راهمه
و سکون و او م شراب گویند و شید خواست که اکثر اوقات

خلق از انکو منتفع شوند آب انکو را بکرفت و بطری بنام و
وصاف شد هر دو و شید چون از خوشیدن باز ایستاد تلخ شد

گمان بود که گزهر قاتل گشته و از ادویه گشته نهاده و کسری بود که
مشوقه اول و دوا گمان برزد و حقیقه بکشد از دوا و طاق گشته

ببرگ تن خلوه و باخ و فانیته که از ان زهر قدری بخورد و بکشد
خلوص شود قدیمی برداشت و بخورد و انری بران منرب گشت

قدیمی که بخورد و استرازی و دوا و یاق پس چند قدیمی و پس بخورد
که غنوده بود و برایش نهاده و بکشد و در سخت چون میزد و از ان

اگر سه نامه بود و اندر برترین مشید را به پیشین از شاه

تتمیق المساء

شادنده - ففتح دال همزه با همزه نون و خاء با ع تلوذ
مک نهیمست که بیای ز نزد و بنگند و آینه حد
و گادری از دایار خیزد طور سینا آید زنده -

شانه - ففتح نون و خاء با هم نشان -

شاه بسه - ف با طار از هم و ففتح عین و طح کمال

شاه بتره - ف با طار از ففتح نون و ففتح نون و ففتح نون

شاه دانه - ف با طار از دال همزه و الف و فتح نون و ففتح نون

شایه - ففتح تحتانی م میوه -

تتمیق التحتانی

شاه روی - یک سر موده و هم را همزه و سکون فاکس
میم و سکون تحتانی ف فلفل سفید -

شاه دوشی - ففتح نون و همزه مینه و ففتح دال همزه

و سکون شین میوه ثانی و کسر ف تانی ه گنگی -

شاه بوی - ف با طار از هم و ففتح نون و ففتح نون

شاه چینی - ف با طار از کسر نای و سکون تحتانی و ففتح نون

تتمیق الوده

شاه ع ففتح اول و سکون موده شده و ففتح نون و ففتح نون
و زاک سفید و بشکری طح می سو گنیز ر ق قابض

محفف رخ یانی سفید ماکل بز و می سکه و شیر تازه

و شکو و لبات ل نمک تلخ و نمک سیاه و میوزن -

شبان قریب - ف اول و فتح ثانی و الف و ففتح نون و کسر نای

و از همزه و سکون تحتانی و موده ثانی م مرغ کو یک شبیه با

باشه و هرگاه بر زمین نشیند چنان معلوم شود که فوت بر خاستن

و بریدن ناله و همین که کسی قصد گرفتن او کند بریده اند

سکه و در نشیند و هر چند که بیشتر و نادر بیشتر خفته بنشیند

شب تاب - ففتح اول و سکون ثانی و ففتح نون و الف م

کر که کدو ر شب روشن نماید از طرف ذب که بندش بگنجد

تتمیق الفوقانی

شب تاب - ففتح اول و سکون ثانی و ففتح نون و الف م

شک مفتح و مفتح منوم خ سیر تازه و شکفته گل شد هم ص

و اینجی یا قنفل یا ایوب یا سل یا شلغم کل میوزن با بیان با او

تتمیق الزا و المله

شاه نوری - ففتح اول و سکون ثانی و الف و ففتح نون و ففتح نون
و سکون را همزه م شب پرده -

شب یار - ففتح اول و سکون ثانی و ففتح نون و الف م

طلح که آرا الیو اینر گو شیع مبر طرح می ق سسل صغیر

تتمیق الزا و المله

شاه نوری - ففتح اول و سکون ثانی و الف و ففتح نون و ففتح نون

شب افروز - ففتح اول و سکون ثانی و ففتح نون و ففتح نون

و هم را همزه و ففتح نون و ففتح نون و ففتح نون

شب انگیز - ففتح اول و سکون ثانی و ففتح نون و ففتح نون

ف ف نای و تحتانی همزه و ففتح نون و ففتح نون

شب آویز - ففتح نون و کسر نای و ففتح نون و ففتح نون

یا از نون و ففتح نون و ففتح نون و ففتح نون

شیرم - بکر اول و سکون ثانی و کسر اول و سکون سیم	تمیق الفاء المله
شبه طاء - بفتح اول و کسر ثانی و سکون طاء و سکون با و سکون نانی و الف و طاء و سکون ثانی و کسر - شبه و ط - بفتح اول و سکون با و سکون طاء و سکون ر و سکون ی	شبه طاء - بفتح اول و کسر ثانی و سکون طاء و سکون با و سکون نانی و الف و طاء و سکون ثانی و کسر - شبه و ط - بفتح اول و سکون با و سکون طاء و سکون ر و سکون ی
تمیق النون	تمیق المیم الخجعه
شکون - ف بفتح اول و سکون ثانی و هم کاف فارسی و سکون واد و وزن م شب ج راغ -	شب ج راغ - ف بفتح اول و سکون ثانی و فتح هم فارسی و سکون واد و وزن م شب ج راغ -
تمیق الواو	شبان فرود - ف بفتح اول و ثانی و الف و وزن م شب ج راغ -
شبان فرود - ف بفتح اول و ثانی و الف و وزن م شب ج راغ -	تمیق الکاف
تمیق الساء	شبان فریدک - شبان فرودک - ف بفتح اول و ثانی و الف و وزن م شب ج راغ -
شبه - ف بفتح اول و ثانی و الف و وزن م شب ج راغ - شبه - ف بفتح اول و ثانی و الف و وزن م شب ج راغ - شبه - ف بفتح اول و ثانی و الف و وزن م شب ج راغ -	شبان فریدک - شبان فرودک - ف بفتح اول و ثانی و الف و وزن م شب ج راغ - شبان فریدک - شبان فرودک - ف بفتح اول و ثانی و الف و وزن م شب ج راغ - شبان فریدک - شبان فرودک - ف بفتح اول و ثانی و الف و وزن م شب ج راغ -
تمیق اللغات	تمیق الکاف الفارسی
شبه - ف بفتح اول و ثانی و الف و وزن م شب ج راغ - شبه - ف بفتح اول و ثانی و الف و وزن م شب ج راغ - شبه - ف بفتح اول و ثانی و الف و وزن م شب ج راغ -	شبه - ف بفتح اول و ثانی و الف و وزن م شب ج راغ - شبه - ف بفتح اول و ثانی و الف و وزن م شب ج راغ - شبه - ف بفتح اول و ثانی و الف و وزن م شب ج راغ -
تمیق الوجود الفارسی تمیق الازالمه	تمیق السیم

ط م گ رم و خشک قد شش با بیست سال یا بیست و پنج سال و شش جلد در دجالی حسن و ضرر باره و حسن با دام و آب قلم ل باقی و دیر و دین و بارش کوفی و غرول و معطلی	شجره حره - بهرزه لینه و باضم خار و مملو ثانی و فتح را و مملو شده و ثانی و از اذ و رخت و نیتب
---	---

تتمیق الکاف	تتمیق التمثانی
-------------	----------------

شجره لبق - بکون لام و فتح موده و سفید و رخت پسته شجره لبق - بکون لام و فتح موده و هام قناری و قناری شجره اللی - بکون لام و مملو شده و سکون موده و مملو شده شجره لبق - ع بکون لام و مملو شده و رخت	شجره موسی - بهرزه لینه و ضم میم و سکون و با و با بین مملو والف مقصوره و رخت مملو و بران سبب بکون لام نسبت کرده اند که گویند موسی علیه السلام آتش از ان رخت برآید تتمیق الحاء و المله و تتمیق الموحده شجره الدب - ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم میم و مال مملو شده و سکون موده و ع میم حسان و بیسک
--	--

تتمیق الکاف	تتمیق التمثانی
-------------	----------------

شجره الی مالک بهرزه لینه و با فتح موده و کسر موده و سکون تتمیق الی میم و الف و کسر لام و ف و کسر از ثانی	شجره المرح - بکون لام و فتح میم و سکون و با و با بین مملو تتمیق الی میم و الف و کسر لام و ف و کسر از ثانی
---	--

تتمیق المیم	تتمیق الی میم
-------------	---------------

شجره ابراهیم - بکسر و سکون موده و بار و مملو و الف و کسر و سکون ثانی و فتح و بیسکشت شجره الدم - بفتح و الف و مملو شده و ثانی و سکون شجره و ستم - بهرزه لینه و باضم را و مملو ثانی و سکون سین مملو و ضم نو فاسه م و ذرا و ذل و لیل	شجره ابراهیم - بکسر و سکون موده و بار و مملو و الف و کسر و سکون ثانی و فتح و بیسکشت شجره الدم - بفتح و الف و مملو شده و ثانی و سکون شجره و ستم - بهرزه لینه و باضم را و مملو ثانی و سکون سین مملو و ضم نو فاسه م و ذرا و ذل و لیل
---	---

تتمیق انصا و المیمه	تتمیق الی میم
---------------------	---------------

شجره الارض - ع بکون لام و فتح موده و سکون و با و با بین مملو تتمیق الارض و الف و کسر لام و ف و کسر از ثانی	شجره الارض - ع بکون لام و فتح موده و سکون و با و با بین مملو تتمیق الارض و الف و کسر لام و ف و کسر از ثانی
---	---

تتمیق الطاء و المله	تتمیق التمثانی
---------------------	----------------

شجره البط - بکون لام و فتح موده و سکون طاء و مملو تتمیق البط و الف و کسر لام و ف و کسر از ثانی	شجره البط - بکون لام و فتح موده و سکون طاء و مملو تتمیق البط و الف و کسر لام و ف و کسر از ثانی
---	---

تتمیق الی میم	تتمیق التمثانی
---------------	----------------

شجره الکله - بهرزه لینه و ضم میم و سکون و با و با بین مملو شجره اللد - ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم میم و مملو لام شده و الف تقدیری و المله و الف و کسر و سکون و با و با بین مملو شجره باره - بهرزه لینه و باضم و الف و کسر و سکون و با و با بین مملو	شجره الکله - بهرزه لینه و ضم میم و سکون و با و با بین مملو شجره اللد - ع بفتح اول و سکون ثانی و ضم میم و مملو لام شده و الف تقدیری و المله و الف و کسر و سکون و با و با بین مملو شجره باره - بهرزه لینه و باضم و الف و کسر و سکون و با و با بین مملو
---	---

دو کسر جیم یا موحده والفت و در اول جمله ثانی ف پشیا و شان	شفا دار و ف یکسر اول با ثانی والفت دال مهمله والفت
شعر - ع بفتح اول و سکون ثانی ف نوی و بال طری	ثانی و ضم را و مهمله و سکون دادم یا زهر -
ح ساق و جمع فتح نوی آدمی ستم دل که سخته باشد است	تمیق التانی
شعیر ع بفتح اول و کسری ثانی و سکون تثنائی ف جوطب	شفتین بری - ع بفتح اول و کسری اول سکون ثانی و کسری ثانی و سکون تثنائی ف فتح موحده و کسر را و مهمله شده
می اگر میزد ف محل محل می رخ سفید تازه بزرگ دانه فزیه	ف سرخ و تیمار رخ کو یک -
من از آب او صد درم صل ایا زیر گرم ل باشد -	تمیق القاف و تمیق الراء المهمله
شعر لجن بفتح اول و سکون ثانی و ضم را و مهمله و سکون	شعار - بضم اول با قاف والفت و در اول جمله ساجی -
لام و کسر جیم و سکون فون ف برسیا و شان	شعر - بفتح اول و ثانی م شقایق -
تمیق الباء	تمیق القاف
شعر الصقالیه ع بفتح اول و ثانی سکون دادم و ضم را و مهمله	شعراق ع بفتح اول و سکون ثانی با را و مهمله والفت و قاف
و سکون لام و فتح نسا و مهمله قاف الف و فتح موحده و خنایان	شعر ثانی ف مرغیست که کاسه شکک گویند و آن کلاغ پرنده
تمیق التثنائی	تمیق اللام
شعیر رمی بفتح اول و کسری ثانی و سکون تثنائی و کسر را و مهمله	شفا حل ع بفتح اول و ثانی والفت و ضم قاف ثانی ف
ضم را و مهمله ثانی و سکون او و کسر م و سکون تثنائی م خدر و ن	گر روشی و پشای می گاجرد برای دود و صالی و صالی و کاکالی
تمیق التین المعرب و تمیق التثنائی	سیالی طرح را گویند و گویند می ۲ ق بی و مفرج و مفرج
شمالی - ف بکر اول با ضین معجده الف و کسر م و نوی از کور	دل و کسر و سخن کرده و موحده و جکر و قاطع بضم رخ بزرگ و پندی من
تمیق الفاء و تمیق الجیم	دو درم ص آله یا غسل ل بوزید ان یا جله زده یا دایچی یا
شفا بفتح اول و سکون ف و فتح لام و سکون جیم م شکر کر	تخم زردک و در تقویت باه حب الصنوبر -
تمیق الکاف الفاری	تمیق النون
شفتین ک - ف بفتح اول سکون ثانی و فتح و ثانی و در اول جمله	شقایق السیمان - بفتح اول و ثانی والفت و کسر ثانی و ضم
د سکون فون کاف و ثانی میوه خرد سفید بیهشتا لام شکر لیل	قاف ثانی و کسری ثانی شده و سکون جیم مهمله با سیم والفت ثانی
تمیق الواو	ف گل لاله طح می اگر نیند اگر نیند حراق بلی یا زهر

برنده مانند مرغانی که در آب همه خشکی زندگانی کند و گویند
 برنده است سرخ رنگ کبریزان بگنی اولی برآیم و بگویند
 تنیق الادل المسله
 شود و فیتع اول بانی و الف دال هاء م شفت
 تنیق الادل المسله
 شود و فیتع اول ثانی مجهول غین مجهول الف و اله و الف
 تنیق الادل المسله
 شود و فیتع اول ثانی مجهول و فیتع اول هاء و فیتع
 با و فیتع کاف فارسی مع الف ه درخت جها و
 شود و فیتع اول و سکون ثانی و شین و یه ثانی و ک
 میم و سکون تخمانی ع قاف و صغار
 شود و فیتع اول و سکون ثانی و کفر و سکون ثانی
 و سیاده طح س ق قطع معی کل میش از نیم قاف
 نادر و ص کتیر و کاستی ل منبع زیتون یا تخم قوتیر که
 تنیق الطاء المسله
 شود و فیتع اول و سکون ثانی و فیتع غایبه و طاء و هاء و فیتع
 تنیق البدر المسله
 شود و فیتع اول و سکون ثانی و عین و هاء و فیتع
 تنیق الکاف
 شود و فیتع اول ثانی و الف و فیتع لام و معنی
 که هر زبان برنگی نماید ع یو بر آست
 شود و فیتع اول و سکون ثانی و فیتع یه ثانی و جاده
 سکونیه و فیتع اول و سکون ثانی و فیتع کاف و فیتع و فانی

و سکون لام و سکون میم و سکون لام ثانی و فیتع یه ثانی و جاده
 تنیق الذون
 شود و فیتع اول و سکون ثانی و فیتع کاف و فیتع
 و فانی و فیتع دال و فیتع ده و فیتع میم و سکون ذون م ککر
 شود و فیتع اول و سکون ثانی و فیتع کاف و فیتع و فانی و فیتع
 و فانی و فیتع یه و فیتع کاف و فیتع میم و سکون ذون م ککر
 طبیبی ۲۱ ق مخلف خ شیردی ش نیدم ص شرب
 مرف ل بزرانج و تخم لقاخ
 تنیق الواو
 شود و فیتع اول و سکون ثانی و فیتع کاف و فیتع
 تنیق الهاء
 شود و فیتع اول و سکون ثانی و فیتع کاف و فیتع
 تنیق التتائے
 شود و فیتع اول و سکون ثانی و فیتع کاف و فیتع
 تنیق السار و تنیق الموحده
 شود و فیتع اول و سکون ثانی و فیتع کاف و فیتع
 شهاب و فیتع اول و سکون ثانی و فیتع کاف و فیتع
 که مرتبه اول از کل کاه رزه کشد و در جلی شربک آب آینه
 و گویند شیر و جگر خوردنی که باب آینه باشد
 تنیق الجسسم
 شود و فیتع اول و سکون ثانی و فیتع کاف و فیتع
 و فانی و فیتع یه و فیتع کاف و فیتع میم و سکون ذون م ککر
 و فانی و فیتع یه و فیتع کاف و فیتع میم و سکون ذون م ککر

[illegible]

<p>تختی که ز رخا بد شد صبر - بافتخ هم غیر ترش - صبر - با لکتر شده ساله -</p>	<p>تمیق المسموم و تمیق الموحده ضمع السداب بفتح اول و سکون هم و هم عن مجرایین محل مشد و بال مهره الف و سداب کا کو نمل و دوزن ان</p>
<p>صبر صبر مع بفتح و صاد مهره و سکون را و مهره اول و فتح مهره ثانی ف ج و اسک و جید گرش سه عدد یا پنج یا هفت</p>	<p>تمیق المثلثه ضمع الحرف مع بفتح اول و سکون ثانی و هم عن مجرایین لام و فتح ثانی و سکون حای مهره و هم را و سکون و او بفتح ثانی</p>
<p>تمیق العین المهره و تمیق الزا المهره</p>	<p>تمیق الدال المهره</p>
<p>صفت مع بفتح اول و سکون عین مهره و فتح و ثانی و سکون را مهره نوعی یا پودینه بری ست و او سه و کا کو نمل و اس کبا هست که بری و ثانی می باشد تا سام او تند و خوش طوح ی ۳۲ ابتدا یافت و فتح و مطلق و محمل و هم و فتح و ثانی و سکون و هر که در فتح که کش از هم مثال یا که در هم هر که در فتح</p>	<p>ضمع اقباد بفتح اول و ثانی و هم عن مجرایین و سکون لام و فتح قاف و ثانی و الف و دال مهره کثیرا - ضمع سفید بفتح اول و سکون ثانی و سکون عین مجرایین و فتح سین مهره و کسر یا تحتانی مجرایین و گوشت که بری</p>
<p>تمیق العین المهره و تمیق النون</p>	<p>تمیق الدال المهره</p>
<p>صغیرین بفتح اول و سکون عین مجرایین و کسر و سکون ثانی و فتح</p>	<p>ضمع الصغیر بفتح صاد مهره یا هم و سکون عین مجرایین و سکون لام و فتح و ثانی یا نون و سکون و او فتح و سکون و سکون</p>
<p>تمیق القاف و تمیق الزا المهره</p>	<p>تمیق القاف و تمیق الزا المهره</p>
<p>صفت مع بفتح اول و سکون قاف و را و مهره طایر است تختاری و جریح طح ی -</p>	<p>ضمع الکنک مع بفتح لام و فتح کاف و سکون نون و فتح کان فارسی شهور است همین نام ل بیج و تشیخان و دوزن ان</p>
<p>تمیق العین المهره</p>	<p>تمیق الزا المهره</p>
<p>صغیرین بفتح اول و ثانی و کسر ثانی و سکون سین مهره و کسر ثانی</p>	<p>ضمع اللوز مع بفتح لام مشد و سکون و او فتح و سکون لام ح سفید یا خاوند و فتح جان ل صمغ عربی و کثیرا -</p>
<p>تمیق و تمیق اللام</p>	<p>تمیق الصاد المهره</p>
<p>صاعل مع بفتح پ و صاد مهره و سکون پ و دو لام عا که</p>	<p>ضمع الاجاص بفتح اول و سکون لام و کسر و جیم شد و الف هم</p>
<p>صل مع بکسر اول و سکون ثانی ف ماریت که افون نمی</p>	<p>ضمع الوقفت مل ح یا خاوند و فتح کسر -</p>
<p>تمیق النون</p>	<p>تمیق الطاء المهره</p>
<p>صلون مع بفتح اول و هم ثانی و سکون و نون هم و فتح</p>	<p>تمیق الطاء المهره</p>

صغیر

ظفره و آنرا بفتح اول و کسر ثانی و سکون ثانی و فتح
 راء و همزة و فاقی و سکون لام و فتح عین مهمله و ضم جیم
 داء و زایر موحیه خارجک -

تینق الباء

ظفره و بفتح اول و کسر ثانی و سکون ثانی و فتح راء
 مهمله و ضاء لام یودنه بری -

تینق اللام و تینق الفاء

ظفره و بفتح اول و سکون لام و فاقی و سکون کاف و کوا
 فاء و کیر ط ب ی ۱۲ قی جفت رخ سخت ص زبیل
 شاخ و منحنه بمجرع آن مهمل زرد آب ضا د ش با شربیه

گزین پروام و با عسل جبت نفوس و جمع مناسله
 ف و دخت ساج ده سال -

تینق المیم

ظفره و بفتح اول و کسر ثانی و سکون ثانی و بسم ف کزنا
 تینق الراء و تینق النون

طیان و بفتح اول و ثانی و الف و نون ف یا مین
 بری که گل کجک ارده جالی جو بی طرح می نرم قی

کادی ص ریو غن کل ل و فلی غصیل -

تینق الراء و تینق الف

عاقربما بعین مهمله و الف و سکون کاف و سکون راء و
 و فتح ثین بمجرع سکون میم بعین مهمله ثانی و الف و ثانی

عاقربما بعین مهمله و الف و فتح هر دو فاق و سکون
 هر دو راء و مهمله یا حاد و مهمله الف و اگر که با طرح می ۱۳
 قی محلل چاذب المطفخ تیر تحرق گزده زبان فز

تینق المیم و تینق الموحده

ص روغن بنفشه زهره الالج یا آرد مغر بل
عصافه السوس - بفتح ثانی وضم فاد سکون واد
زار و سلف کینک و فاکتی چو او گر یا طرح ی سح
تمیق الزرار المخرجه
عصاره شجرة الجوز بفتح شین مجر وجم واد وضم فاد ثانی
و سکون لام وفتح جیم ثانی و سکون واد ف افشرد و درخت
کرده کان ل مرزنجوش -

عصاره آفستین - بفتح مزه و سکون فاد فتح شین مهمل
و سکون نون و کسر فانی و سکون تهمانی و نون ثانی ف افشرد
افستین ص ریوند چینی ل سه دزن آن از دق آن
عصاره شقایق النعمان بفتح شین مجر و فاد فالف
و کسر تهمانی وضم فاد ثانی وفتح نون شده و سکون یح
یا نیم و الف ثانی ف افشرد لال عصاره بجز و ریم -

عصبة - بضم فاد اول و سکون ثانی وفتح حده و فها
م ریحان سلیمان گویند بلاب -
عصفیرو - بفتح اول و سکون ثانی و کسر فاد سکون تهمانی
و فتح را و مهمل و فاف خیر یا زرد -

عصافه انبر باریس بفتح مزه و سکون نون وفتح حده
و سکون را و مهمل ثانی و موحده و الف و کسر را و مهمل ثانی
سکون تهمانی ف افشرد زهر کبک ل و دزن آن
عصاره الحیدر بفتح حیدر و سکون یا و مهمل وفتح تهمانی
وضم فاد ثانی وفتح فاد ثانی و سکون تهمانی ثانی ف
افشرد درخت سرسرخ تازه ل آفاتیا -

عصافه الرامحی - بفتح اول و فانی و الف وضم فاد
مهمل شده و الف و کسر عین مهمل و سکون تهمانی فاف
کسه لال یا گ طیب می گویند رخ بتانی فاف
یا کل یا بر ص مندل غلب السلب -

عصافه القوط بکون لام و کسر فاد و سکون او و لک
عصافه المثل - بکون لام و کسر میم و سکون مثله
و لام ثانی و عصافه السوس هم رب السوس -

عصافه السوس - بفتح اول و سکون ثانی و کسر را و مهمل و سکون یح
حله لال فارسی خطمی بری خوانند -

تمیق السین الملهه
عصافه السوس - بفتح ثانی و سکون و سکون
واد و سکون مهمل ثانی هم رب السوس شیرازی آب
شده مبهک طبع ح ر -

تمیق الزرار المخرجه
عصافه السوس - بفتح ثانی و سکون و سکون
واد و سکون مهمل ثانی هم رب السوس شیرازی آب
شده مبهک طبع ح ر -

تمیق الزرار المخرجه
عصافه السوس - بفتح ثانی و سکون و سکون
واد و سکون مهمل ثانی هم رب السوس شیرازی آب
شده مبهک طبع ح ر -

تمیق الزرار المخرجه
عصافه السوس - بفتح ثانی و سکون و سکون
واد و سکون مهمل ثانی هم رب السوس شیرازی آب
شده مبهک طبع ح ر -

تمیق الزرار المخرجه
عصافه السوس - بفتح ثانی و سکون و سکون
واد و سکون مهمل ثانی هم رب السوس شیرازی آب
شده مبهک طبع ح ر -

تشیق النوب و تشق الالف	علیق - مع بنیم اول و فتح ثانی و سکون تخمائی و قنات و
عفتا - بفتح اول و سکون ثانی و قنات و الف م سیرخ	در دیشیرازی قنات م کل ط ب ای ق قنات و فتح
تشیق الموحده	تر و در هفت از پنج او و در هفت م ص ج ک ل سکون ط
غاب - مع بنیم اول با ثانی مشد و الف م و حده و	تشیق الکاف
جیلان و طان ه و لایمی بر ط مع گویند خ و را اگر ندب	عکس ک ب کبر اول و سکون ثانی و کاف ف بر هفتی که قنات و طان
اق طین خ جرمانی تازه گرم ناخورد شیرین شام و بلبل خ	تشیق الیسیم
ص شکر ک کشمش بدو بر منعی یک یک میوزن آن یا بستان	حلقه - مع بفتح اول و سکون ثانی و فتح قنات و سکون میم
عنب لیلیب - مع کبر اول و فتح ثانی و ضم یوح و ه و ف و کشمش	خفطل و گویند قنار و کما و هر پنج بود و از فلفله خوانند -
شده و سکون مین جمله ثانی مشد و دو فتح لام ف و با نود	عکس لیسیم - مع کبر اول و سکون ثانی و ضم کاف سکون
و کوی کاکاچی ط ب را گویند ۲ گویند م ص ح راق راق	لام ثانی و ضم موحده و سکون طار مام متروک و ضم حیت
خ زرد تازه م و ف و مصل ل ساد و ران یا بطا -	بطم ست ط س گرم و شک مصل ش کشال -
عنب - مع کبر اول و فتح ثانی و سکون و حده و ف انگور	تشیق التخمائی
ه و کله ط پوست ادبی شکوت اوج رود و کوب -	علی - بفتح اول و ثانی و کسر سین و سکون تخمائی و ضم میم
ق مندی مملخ سید رفیق شیرین م ص طین ل زبیب -	عکس - بفتح اول و بفتح موحده و سکون مین مجرایه و ال مصل
عندلیب کبر اول و سکون ثانی و فتح وال مایه و کرام و	والف و کسر وال مایه ثانی م ص ص کای رخ سید مصل بر دی
سکون تخمائی و مرغ هزاره استان -	تشیق الیسیم و تشیق الیسیم
تشیق الفوقائی	علی - بفتح اول و سکون میم و فتح لام و سکون حیت و
عزروت - مع فتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و م و م و مصل	از جزیره کبود است او سرخ و سبز بود و او را همچنان باخته
و سکون و اوم خور و ه راکی -	خورد و خور و زه رسانی -
عزروت - مع بفتح اول و سکون ثانی و فتح زایچه و ضم	تشیق الدال المصل
را همل و سکون و او و قناتی م انزوت -	عزروت - بفتح اول و سکون میم و فتح زایچه و سکون و ال مصل و
عکس ک - مع فتح اول و سکون ثانی و فتح کاف و ضم موحده	تشیق الراء المبله
و سکون و او کاتره و دیو یا ه کوی ط ح و مسنخ و ایچ و	غار - بفتح اول و ثانی مشد و الف و مصل و ف مود -

تتمیق النون	تتمیق الدال المله
عود بلان سع بکسر دال مله فتح بوجه و سکون	عین البدر سع بکسر دال مله فتح بوجه و سکون
دین مهرا الب و لون ف جوب بلان طح ی	دال مله اسم ثانی است بافرقی که معروف است بازان لغت
خ الم س هنر و شلوخ نیم مثال کثر ال حب بلان	تتمیق الراء المله
تتمیق المهاء	عیون البقر سع لسم اول و ثانی و سکون و د و ص و ی و م و ن و ک و ل
عود الدرقه سع بفتح دال مله مشد و سکون راه مله	لام و فتح موه و د و ف و سکون با حمله و زوال سفر ب اندلس
د فتح قاف و بافت بیج نگدان -	بها ص است گونند گور سیه کمان که مدادی الحلات نیست
عود الحجه سع بفتح حاء مله و یا و شاه تها یه مشد و د و یام	تتمیق الطاء المله
ناقصه که در باد و رود و ان هم بر شریک یون طه س که	عید ان النطا ط کسر اول و سکون ثانی و دال مله الف
تتمیق التماسه	و ضم نون و سکون لام و فتح موه و سکون طاء و مله و فتح موه
عود و نندی بکسر دال سکون فون و کسر ال مله ثانی و اگر	ثانی و الف و طاء مله ثانی ساکن ف جوب کت -
از و ج و سا ز و نط ح ی ا ق مفتوح و زعی و ذ و ل و ح	تتمیق الیم
شدن ش ازیم دریم یک ویم دم ق فک سر غل	عیام سع بفتح اول سکون ثانی و ثلثه الف ویم و ف و ج و ح
شکم بستن مندل زرد و د و یام و د و لک من ثانی و یام	تتمیق النون
رود و لک زن آن و غفران و د و لک و نیت آن ز و د و	عیران یهودی بکسر اول و ثانی مجهول و ناء و حمله و طه
در ج و د و گون و صلی و سبیل -	و الف تم ق می زرد و ط ی ۲ ق فایض ح انچه بود
تتمیق الماء و تتمیق النون	سب و د و ح و ص ل و صغر ل -
امن سع بکسر اول و سکون با ط ل ف و و ص و ر ب شیم	عین سع بفتح اول و سکون ثانی ف میثم و آنکه دوند
تتمیق الیاء التماسه و تتمیق اللوحه	عیون جمع من است و آن عضو نیست از اعضای معرو
بوسوب سع بفتح اول و سکون تها ثانی و ضم سین مهرا و سکون	حیدان و گرم و زرع و نمک و صقر
و ی و ص و م ا ذ ال اند و بار شاه و زور ان و ص ل و غیره	عیون - بکسر عین و سکون یا و ثلثه تها ثانی و ضم نون و سکون
ب ل د ی سع بفتح اول و سکون ثانی و ضم نون و دال	و او باقیست یا تلخ و ان هر دو نوع است یکی کلاه و یکی کلاه
یه مشد و هم پیشم و رس -	نار و دیگر آن که یکم از دیگران بود و نوع اول بزرگ آن

مرغانی بزرگ چشم طاکرم و تدر در هر چهار درجه -	تمیق الساء	عیمون الکرم - ع بغم اول و ثانی و سکون و او و هم نون
تمیق الزاء الفارسی	عاز و ف بزا و فارسی م حار -	و کسر دال ملامت و سکون تحتانی ثانی و فتح کان و خذ
تمیق السین المله		ف شک و خرو و س وجیه سرج و گویچی و سق ط ح ی
عاعاس - بفتح هر دو عین مجمر و الف بعد از هر یک		ا فریم اینین المجر و تمیق و تمیق الالف
و هم لام و سین مهمل بنا نیست الملس و بدل و گکل آن حنی		عالا و طار یونانی بفتح ع و الف و لام و الف ثانی و هم لام
و خید و اندک گل شبت و یونانی منتن اراک و گوی طاکرم و خنک		ثانی و سکون و او باطای و هاید و الف ثالث باطای قطبی
تمیق السین المجر	تمیق الفوقانی	خافت بفتح غین مجمر و الف و فتح قاء و ثانی و فانی و کسر
		با و فانی و ثانی و فانی و کسر و فانی و کسر و فانی و کسر
تمیق اللام		حوسه شران و در و برگ آن حرار و عریض و طولانی و غریب
عاسول - ع بضم سین مهمل و سکون و ادم اشان -		و از و سطر گهای آن شاخی و جوف خشن و زوید و گکل آن
تمیق النون		لاجر و در و رنگ و در و شکل و بار یک شاخ و در و زری و کسر
		شاخ و در و قی و میر تلخ و ناشیون و صبر و از و گکل و فانی و کسر
		سب و گوی و ح می قی و فتح و قوی کبرخ فارسی که از
		کو و سنا و اخی شیراز و زرد سن نیم مثال ص اینیون و اذ و
		لح آسار و ن و نیم وزن آن افشیتن -
	تمیق الزاء المله	عاز - بفتح غین مجمر و الف و یکون را در و مشهور است
		بهین نام طرح ی س ق محمل لطیف و در و اد و بر
		ش نیم مثال ص طباشیر ل برگ سینیز با شونیز -
	تمیق الزاء المجر	طاکرم خشک ۲ -
		عالمون - دو است خوشبو و طریک با قوت بفتح و کسر

غزال کبک مع بفتح اول غم ثانی شد و فتح سین مهله شد و دیم ف سریش اری طح می رخ سفید شدن -	تتمیق الکاف
غرم ف بفتح اول غم ثانی غم کیش شوی و گو نمند و میش و شستی -	تتمیق الهم
غرضم ف بفتح اول و سکون ثانی فارسی هم غرض -	تتمیق الواو
غرض خاؤ و غرض گھاؤ - ف سر بگاسه -	تتمیق الاء
غرضک بفتح اول سکون ثانی با و ا و الف و فتح یون -	تتمیق الهم
غرضک بفتح اول و سکون ثانی و فتح کلام هم غرضک -	تتمیق الکاف
غرضک بفتح اول و سکون ثانی دالف هم گیاره یان کیش گزید -	تتمیق الواو
غرضک - ف بفتح اول و غم ثانی هم کرم و غرضک -	تتمیق الاء
غرضک بفتح اول و سکون ثانی و فتح کلام هم غرضک -	تتمیق الواو
غرضک بفتح اول و سکون ثانی و فتح کلام هم غرضک -	تتمیق الواو
غرضک بفتح اول و سکون ثانی و فتح کلام هم غرضک -	تتمیق الواو
غرضک بفتح اول و سکون ثانی و فتح کلام هم غرضک -	تتمیق الواو
غرضک بفتح اول و سکون ثانی و فتح کلام هم غرضک -	تتمیق الواو
غرضک بفتح اول و سکون ثانی و فتح کلام هم غرضک -	تتمیق الواو
غرضک بفتح اول و سکون ثانی و فتح کلام هم غرضک -	تتمیق الواو
غرضک بفتح اول و سکون ثانی و فتح کلام هم غرضک -	تتمیق الواو
غرضک بفتح اول و سکون ثانی و فتح کلام هم غرضک -	تتمیق الواو
غرضک بفتح اول و سکون ثانی و فتح کلام هم غرضک -	تتمیق الواو
غرضک بفتح اول و سکون ثانی و فتح کلام هم غرضک -	تتمیق الواو
غرضک بفتح اول و سکون ثانی و فتح کلام هم غرضک -	تتمیق الواو
غرضک بفتح اول و سکون ثانی و فتح کلام هم غرضک -	تتمیق الواو

فقطا فلون کیرل سکون ثانی باطوار اول الف فتح فاف وقم لام و سکون نادر و ثانی ف فتح فاف	ش نیم شغال در مطبخ در دم صلیب و نیم ل یک نیم وزن بلخ و شیطخ در طلا
تسبیح الواو و تسبیح الدال المله	تسبیح التماس
فواو - یفتح اول و واو و الف و یجکرا -	فوتج چلی بضم اول ثانی مجهول سکون فاف و ثانی فتح
تسبیح اللام	و کسجم و فتح جیم ثانی در موده و کلام و سکون ثانی ف
فوقل ع بضم اول سکون ثانی و کسفا و ثانی و بسیاری طبی سی گو یح ی ساق فاف و یح ی ساق فاف و یح ی ساق فاف ص صعل و سعل و دود و ابان و نیم وزن بن و یح ی ساق فاف قول ع یفتح اول و سکون ثانی فاف و یح ی ساق فاف فویل بضم اول سکون او و فتح فاف و یح ی ساق فاف	پودینه کوی طح ی ساق فاف و یح ی ساق فاف و یح ی ساق فاف ش یک نیم وزن ص کسرا ل یک نیم وزن و یح ی ساق فاف فوتج نهری یح ی ساق فاف و سکون ثانی و کسرا و یح ی ساق فاف بستانی طح ی ساق فاف و یح ی ساق فاف و یح ی ساق فاف تا یک شغال ص کسرا یار الی بوس ل فاف و یح ی ساق فاف
تسبیح الیم	تسبیح التماس و تسبیح الیم
قوم ع بضم اول و سکون ثانی و یم و فاف و یح ی ساق فاف	فیر و ج کسرا ل سکون ثانی و یح ی ساق فاف و یح ی ساق فاف
تسبیح الواو	را و ج و سکون جیم و یح ی ساق فاف و یح ی ساق فاف
فواو - یونانی بضم اول سکون ثانی و یح ی ساق فاف خوب و یح ی ساق فاف و یح ی ساق فاف و یح ی ساق فاف جال کرمی طح ی ساق فاف و یح ی ساق فاف و یح ی ساق فاف ص از یح ی ساق فاف و یح ی ساق فاف و یح ی ساق فاف	فیل و ج کسرا ل سکون ثانی و یح ی ساق فاف و یح ی ساق فاف حفظ و یح ی ساق فاف و یح ی ساق فاف و یح ی ساق فاف
تسبیح الال المله	تسبیح الدال المله
فودو - فاف بضم اول سکون ثانی و فتح دال مله	فیدر ع یفتح اول سکون ثانی و یح ی ساق فاف و یح ی ساق فاف
تسبیح الال	تسبیح الال
فودو - فاف بضم اول سکون ثانی و فتح دال مله م خمیر خشکی که از آن آبکامه بسیارند - فوشه بضم اول ثانی مجهول و یح ی ساق فاف و یح ی ساق فاف فودو بضم اول سکون ثانی و یح ی ساق فاف و یح ی ساق فاف فوشه بضم اول سکون ثانی و یح ی ساق فاف و یح ی ساق فاف	فودو بضم اول سکون ثانی و یح ی ساق فاف و یح ی ساق فاف فوشه بضم اول سکون ثانی و یح ی ساق فاف و یح ی ساق فاف فودو بضم اول سکون ثانی و یح ی ساق فاف و یح ی ساق فاف فوشه بضم اول سکون ثانی و یح ی ساق فاف و یح ی ساق فاف

تمنیق الشار الملحمه	در آب بکوان مفران تند و بد از آن چون بخارید رنگش بر آن کند -
قرطاس مع نفع اول ثانی در انت دعا و مملکت تخم نمل -	قرصیا - یقین اول سکون ثانی و کسر سیم یا تخم کرم تو تیا -
تمنیق الشار الملحمه	تمنیق الحار الملحمه
قرطاس مع نفع اول سکون ثانی و نفع نیز سکون ظاهر مملکت	قرطاس مع نفع اول سکون ثانی و دعا و مملکت شونیز -
نومی از پست کبک اول دم نومی از کرات و نفع اول ثانی و	تمنیق الدال الملحمه
سکون ثانی نیز کرات آن صغ و خشت غفلت است اقا قیا	قرطاس مع نفع اول ثانی با الوت و ال مله و نفع
عصاره اوست طبای ۲۰ ق قابض ش یک دم ص	اول و کبک اول سکون ثانی و نفع ثانی و کبی بوزنه
ایتم کدول حبابا و نفع اول سکون ثانی و دعا و مملکت	و بیون تیری نخی بند سی نچه آوان سخی است بند و آنچه
نوسه از پست و کبک اول نومی از کرات است -	رو به آن سیاه است لنگور و نومی کمری نخی کلی نیز آمده -
تمنیق الیس الملحمه	قرطاس مع کبک اول سکون ثانی و کسر سیم و سکون و نفع شونیز
قرطاس مع نفع اول و نفع نیز سکون ثانی و مملکت	تمنیق الرار الملحمه
کد و طب ۲۰ ق ملین کخ ترد و بند و شیرین ش	قرطاس مع نفع اول سکون ثانی و نفع نون و سکون
از آب او نیم رطل ص خردل سیرک تر بریز -	لام و نفع موده و سکون جار مملکت کبریا -
تمنیق الکفاح	قرطاس مع نفع اول ثانی و سکون و نفع ثانی و دعا و مملکت
قرطاس مع نفع اول سکون ثانی و نفع موده و سکون و دعا و مملکت	تمنیق الزاد الملحمه
تمنیق اللام	قرطاس مع نفع اول سکون ثانی و کسر سیم و سکون و نفع نون و سکون
قرطاس مع نفع اول سکون ثانی و نفع نون و سکون و دعا و مملکت	ف کرم و نکره نران کبدان آب و شیر و صون و آب و کبک
سکون و نفع ثانی و دعا و مملکت سکون و نفع نون و سکون	تمنیق الیسین الملحمه
قرطاس مع نفع اول سکون ثانی و نفع نون و سکون و دعا و مملکت	قرطاس مع کبک اول سکون ثانی با دعا و مملکت و نفع نون و سکون
سکون و نفع ثانی و دعا و مملکت سکون و نفع نون و سکون	ف کبک اول سکون ثانی و نفع نون و سکون و دعا و مملکت
قرطاس مع نفع اول سکون ثانی و نفع نون و سکون و دعا و مملکت	تمنیق الشار الملحمه
طرحی ۲۰ گونینا ق ملط و نومی باغ و کبک و نفع نیز نمل	قرطاس مع نفع اول ثانی و نفع نون و سکون و دعا و مملکت
تلخ با یک چوب ش نیم در ص صمغ عربی یا نون و نفع	قرطاس مع نفع اول سکون ثانی و نفع نون و سکون و دعا و مملکت

نیم وزن جزو الطبع نیم وزن و اینی و قریه یا نیم وزن و قریه شک
 و نیم وزن آن خو کجایان گویند وزن آن خو کجایان -
 قرن مزایل - و اینی اول ثانی و سکون فون و فتح هم و صین هاء
 سکون نون و جود کسره و فتح و فتح و شد و م شاع بر کوی خ
 از ایل بزرگ که سوخته باشد و ص کثیر ال اسار و ن خو کجایان
 قول - نیم اول ثانی و سکون و او و لام هم مرغان -
 قرون اسنبل - نیم اول ثانی و سکون او و هم و نون و صین
 سهله شد و سکون نون ثانی و فتح موعده و حیریه در بیان
 سنبل بیانده و آن از مسموم است که میاد و بر طرح می آم

و سطر اول و فتح اول و کثرتانی و سکون نون و حیریه و موعده
 ال کسره و او و حیریه ثانی و فتح و حیریه و سکون نون و حیریه و موعده
 قرون نیم اول و سکون ثانی و فتح و حیریه و سکون نون و حیریه و موعده
 قرون - روی نیم اول و سکون ثانی و فتح و حیریه و سکون نون و حیریه و موعده
 و او و حیریه ثانی و سکون نون و حیریه و سکون نون و حیریه و موعده
 قرقان - سر یاقی و فتح اول و سکون نون و حیریه و سکون نون و حیریه و موعده
 قات ثانی و الف و نون ثانی هم کرد یا -
 قرون نیم اول ثانی و سکون نون و حیریه و سکون نون و حیریه و موعده
 سینک طب یاقی و فتح اول و سکون نون و حیریه و سکون نون و حیریه و موعده

تتمیم السیم

قرطیم - نیم اول و سکون ثانی و سطر و حیریه و سکون نیم و
 خشک اند و در طرح اوراق و فتح و صین و طبع و صین و فرب
 شد و درم از آب و صین ال یکوزن بادام درج و وزن نیم و

قرطیم - سر یاقی نیم اول و سکون ثانی و فتح و حیریه و سکون نون و حیریه و موعده
 و سکون و او و حیریه و سکون نون و حیریه و سکون نون و حیریه و موعده

تتمیم النون

قرق اینین - نیم اول و فتح ثانی و شد و فتح و ثانی و سکون
 لام و فتح نین و حیریه و سکون ثانی هم و کسر ال هاء هم و صین ال
 مجله و قطع ش و م و طبع و فتح و حیریه و سکون نون و حیریه و موعده
 قرحان - نیم اول و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه
 قرون - نیم اول و سکون ثانی و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه
 فردان - نیم اول و سکون ثانی و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه
 و کینه و کلک و اکثر و سکون و کاه و می و سپید -

قرطیم - سر یاقی نیم اول و سکون ثانی و فتح و حیریه و سکون نون و حیریه و موعده
 کسره و او و سکون نون و حیریه و سکون نون و حیریه و موعده
 قرقه ال و حیریه و سکون نون و حیریه و سکون نون و حیریه و موعده
 حیریه و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه
 نون هم و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه
 حیریه و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه
 قرقه ال و حیریه و سکون نون و حیریه و سکون نون و حیریه و موعده

تتمیم السیم المملیه و تتمیم الالف

فردا و مومن - نون ثانی و فتح اول و سکون ثانی و حیریه و حیریه و حیریه
 و فتح هم و سکون نون و حیریه و سکون نون و حیریه و موعده

قسا - نیم اول و سکون حیریه و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه
 و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه

له و زبان شایمان آباد و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه و حیریه

باد او شد و الفه قصبه لذريره	قصبه ع بضم اول سکون ثانی و میم مث غلبه کشته
تمیق الموحده	تمیق السار
قصبه ع بفتح اول و صاد ممله و سکون موحده و ف نه طحی ا کوین بر کلا و ب اق المطنخ مخ اول زوق عرو	قضا ع بفتح قاف و فتح ضاد و الف و فتح عین مملع ماده سگ آبی و او د بلا و و کوین غبار آسیا
تمیق الدال الممله	تمیق القنابله
قصبه بفتح اول ثانی و سکون و ال مملع عوج	قضا بضم ی ع بفتح اول ثانی و الف و کسر مملع و میم و سکون صاد ممله و کسر ر ممله و کشته
تمیق الرا الممله	تمیق الظا و الممله و تمیق الالف
قصبه السکته بفتح اول ثانی و ضم موحده وین ممله بشده و کاف شد و ف شکره کانداد او که و پندار گویند طح راح شیرین آبدار	قطونا بفتح اول و ظا ممله و سکون او بانون م بفتح اول و ظا بفتح قاف طار و الف شکوره و اظالم کرم شک
قصبه بکسر اول سکون ثانی و کسوف و سکون حکام قلمی و ازیز	تمیق الباء الموحده
تمیق السار	قطلبه شامی بفتح قاف و سکون ظا و ضم لام مع قافل ا بیه و ختیت شبیه بدرخت نه ط م سرد و شک
قضا ع بضم اول با ثانی و الف و فتح عین ممله و سگ آبی یعنی قناره او د بلا و	تمیق الرا الممله
قصبه لذريره بفتح اول ثانی و ضم موحده و فتح ذال مجیه شد و کسوف ممله و سکون مملع و فتح را ممله ثانی و ماه چایا طحی ا ق المطنخ پندش یکدم و گویند و دالکس عرق اسوس ال ظفار الطیب یا صندل یا عود تل یا بل و عود قصبه بفتح اول سکون ثانی و فتح صاد و سکون ثانی و م و وری	قطر بکسر اول سکون ظا ممله و را و ممله و سق یا بل و ی تمیق العتاء
تمیق الفاد المبع و تمیق الموحده	تمیق النون
قصبه بفتح اول سکون فاد مجیه موحده و سب	قطران ع بکسر اول سکون ثانی و بار و ممله و الف و نون و نونی مت که از خرت سر گرید و گویند قیر طحی ام
قصبه بفتح اول سکون ثانی و سکون موحده و ف نه	گویند ا ق مطنخ مملع طح مانود از خرت سر صر و نون ال لفظ سیاه و بایم وزن جوب بیدار و ق یا جاد شیرین و خرت قطن ع بضم اول سکون ثانی و ف نه طح ر ق تخم ممله
تمیق المیم	

خ فزید پیش از آب و تخم او و در هر صلیب	و کسوفون با تخم آن و الف و زنگباری -
ل از تخم او خشکش و بادام -	قلیما یکسر اول ثان و سکون چنانچه کسوف و تخم آن می باشد
تسبیق التماسی	تسبیق الوحدہ
قلعہ بخری - بزوانی میسوزن و ملح نیز خوانند	قلب بفر اول و سکون ثانی و مود و ماش میسوزی
نباتیت شبیه بیدر و بنیاط اگر م اتر -	ه نکه مود و گویند فزاد و طاب و م گویند ح ی -
تسبیق همین للمعه و تسبیق الیاء و مود	قلوب ع لبقم اول و ثانی و سکون و اود و لملاط
قلعہ بفتح قات و سکون مین و مود و فتح فون ع اتر	رخ مود و از بیدان کو یک و دندان -
و قلب فزاد و زانمان و فون باز و گویند نباتیت بر یک	تسبیق الفوقانی
ساق آیتاد و بر یک آن شبیه ببرگ استالخ -	قلعہ ع یکسر اول و سکون ثانی ع کاسر و مود و مود
تسبیق اللام	طرح ای ۲ ق مد و مود و مود و مود و مود و مود
قلعہ ع لفتح اول و سکون مین و مود و فتح مود	نیم شقال ص نشاسته و کتیرال کبابه -
و سکون لام م فوسه از کلمات طرح ر -	تسبیق الدال المله
تسبیق الفاد و تسبیق الدال المله	قلعہ ع یونانی بفتح اول و سکون لام و فتح قات ثانی
قلعہ الیسیوز بفتح اول و سکون فاد و مود و سکون لام	و سکون فون دال مود و فوسه از زراع طرح می هم -
و فتح تخم ثانی و مود و سکون ادم و مود و مود و مود	تسبیق الراء المله
ق کلل خ فزاد و الیسیوز مین و مود و مود و مود و مود	قلعہ طار یونانی بفتح اول و سکون ثانی و فتح قات ثانی
تسبیق الراء المله	و طاد و مود و الف و مود و مود و مود و مود و مود و مود
قلعہ بفتح اول و سکون فاد و مود و نبات کثوت -	و مود و مود و مود و مود و مود و مود و مود و مود
تسبیق الطاء المله	ص شود و کچر و مود و مود و مود و مود و مود و مود
قلعہ بفتح اول و سکون ثانی و مود و سکون	تسبیق الیسین المله
و اود و طاد و مود و مود و مود و مود و مود و مود	قلعہ لیس یونانی بفتح اول و سکون ثانی و فتح قات ثانی
تسبیق اللام و تسبیق الالف	و سکون اول و سکون مین و مود و مود و مود و مود
قلعہ نیا - مود و مود اول و سکون لام و مود و مود و مود	قلعہ مین نباتیت و مود و مود و مود و مود و مود و مود

تتمیق اللام	تتمیق الموحده
قلقل - کسر فاقه اول سکون لایح فاقطان و قلاقل بر سر ف ناز دانه شقی که کوار یکینه و گویند پنج آن مقام است ط ۲ گرم و تر بار طوبت فضلیه ص سکنجبین و یا باقی در خوردن ل بوزن آن تو در می سفید -	قنبرع کسر اول فتح ثانی مشدود و سکون موحده فت ننگ ه بمانگه بجا و گویند بند می سنان کرا و رسمان سازند و مسکه از رنگ است ط ۲ گرم و گویند ب ق فخر نزل رنگ و دریم تا دو دریم -
تتمیق النون	تتمیق الذال اجمعه
قلندار دین - سر یانی بفتح اول سکون ثانی و فتح سین مملکه و کسر ال مملکه با فون والفت و را مملکه و کسر دال مملکه ثانی و سکون تحمسنه م دارشیشان -	قنبرع کسر اول سکون ثانی و فتح فاقه سکون ثانی فت فخریت ه ساجی می مثل از گوشتی خیدیم فصل تتمیق الزار المملکه
قلو یابین - یونانی بفتح ثانی و لام سکون او و فتح میم با الفت و ضم یا شنه آتیم شجرو آبی مالک ط ۲ گرم و تر -	قنبرع کسر اول سکون ثانی و فتح کسر موحده و سکون را و مملکه مریخ چکار ط ۲ گرم فخر بریان کرده -
تتمیق التماسه	تتمیق البیض المملکه
قلادی بفتح اول سکون ثانی و کسر اول سکون ثانی و نوی یا قلی ع کراول ثانی و ثانی م قلیا ه ساجی ط ۲ گرم مخرق جلجلا کمال خ از شنان ص ثاب ل در پنج -	قنبرع بفتح اول سکون ثانی و فتح ثانی و کسر مملکه اسم حیثیت که چند بستر خایه اوست ه اود و بلا و قنطرس یونانی بفتح اول سکون ثانی و فتح ط ۲ گرم و تر -
تتمیق المیم و تمیق البحار المملکه	تتمیق البیض المملکه
قنبرع بفتح اول سکون میم و حار مملکه گندم -	قنبرع بفتح اول سکون ثانی و فتح مملکه و سکون ثانی اسم حیثیت که چند بستر خایه اوست ه اود و بلا و قنطرس یونانی بفتح اول سکون ثانی و فتح ط ۲ گرم و تر -
تتمیق اللام	تتمیق البیض المملکه
قل سکون بفتح اول فتح ثانی مشدود و سکون لام و پیش و بطن	تتمیق البیض المملکه
تتمیق البیض المملکه	تتمیق البیض المملکه
قنبرع بفتح اول سکون ثانی و فتح کسر مملکه و سکون ثانی فت کزیه و ط ۲ گرم و کزیه ای ۲ قنبرع حار و زرد رنگ	قنبرع بفتح اول سکون ثانی و فتح کسر مملکه و سکون ثانی فت کزیه و ط ۲ گرم و کزیه ای ۲ قنبرع حار و زرد رنگ
تتمیق النون و تمیق الالف	تتمیق اللام
قنطاریک اول سکون نون بفتح ط ۲ گرم و کسر مملکه و سکون لام و ثانی	قنبرع بفتح اول سکون ثانی و فتح کسر مملکه و سکون لام و ثانی

<p>۱- تمییز الراء و تمییز الالف</p> <p>کیر طحی ۲ گوتید بوق لطیف سخا مل بزروی ش در دم و گویند در سه است نیم مقال ص مع عربی یا ایسون ل راز یانه یابرک کالی یا شج ارمی -</p>	<p>قوتیل - بقم اول و سکون و او و کسر شله و سکون تحتانی بار او مملد و الف و ن شادر -</p>
<p>۲- تمییز النون</p>	<p>قور ساما - یونانی بقم اول و سکون ثانی و او و مملد باسین مملد و الف و نیم و الف م و د و بسان -</p>
<p>قندر ان - و نیم اول و سکون ثانی و کسر ال مملد بار او مملد و الف م منقر -</p> <p>قنطور یون - بقم اول سکون ثانی بقم طار مملد و سکون او و کسر مملد و نیم تحتانی و سکون او ثانی م کرون طحی ۲ ق قسط مفتح لطفت سسل باقم مدر جالین م مخ و قش از کبر و در دم و از و قش بکشتال او و قشال او و قشال صل و کبر مع عربی و کبره اباسنل یا سنبال از کبر حنا و دو و گم زان سور یکان بوزن آن لونی از و قش یرشیا و شان و میوزن حنا باز او و مدر حرج -</p>	<p>قوسیا - یونانی بقم اول و سکون ثانی و کسرین مملد باخم قوطلا - یونانی بقم اول سکون ثانی و نیم طار مملد و سکون و او ثانی باقم و الف م و آ و یون برمی -</p> <p>قونیا - یونانی بقم اول و سکون ثانی و سکون باخم و الف و آب یکیده و خاکستر -</p>
<p>۳- تمییز الراء و الهمله</p>	<p>قور یوسف - بقم اول سکون ثانی و او و مملد و نیم و الف مملد و نیم تحتانی و سکون او ثانی و ثانی گیهیت که پای ناخ خوانده کاک جنگی و سی -</p>
<p>۴- تمییز السوا</p>	<p>قور یوسف - بقم اول سکون ثانی و او و مملد و نیم و الف مملد و نیم تحتانی و سکون او ثانی و ثانی گیهیت که پای ناخ خوانده کاک جنگی و سی -</p>
<p>قندر ان - و نیم اول و سکون ثانی و کسر ال مملد بار او مملد و الف م منقر -</p> <p>قنطور یون - بقم اول سکون ثانی بقم طار مملد و سکون او و کسر مملد و نیم تحتانی و سکون او ثانی م کرون طحی ۲ ق قسط مفتح لطفت سسل باقم مدر جالین م مخ و قش از کبر و در دم و از و قش بکشتال او و قشال او و قشال صل و کبر مع عربی و کبره اباسنل یا سنبال از کبر حنا و دو و گم زان سور یکان بوزن آن لونی از و قش یرشیا و شان و میوزن حنا باز او و مدر حرج -</p>	<p>قور یوسف - بقم اول سکون ثانی و او و مملد و نیم و الف مملد و نیم تحتانی و سکون او ثانی و ثانی گیهیت که پای ناخ خوانده کاک جنگی و سی -</p> <p>قور یوسف - بقم اول سکون ثانی و او و مملد و نیم و الف مملد و نیم تحتانی و سکون او ثانی و ثانی گیهیت که پای ناخ خوانده کاک جنگی و سی -</p>
<p>۵- تمییز التماسه</p>	<p>قور یوسف - بقم اول سکون ثانی و او و مملد و نیم و الف مملد و نیم تحتانی و سکون او ثانی و ثانی گیهیت که پای ناخ خوانده کاک جنگی و سی -</p>
<p>قنابری - بقم اول و سکون ثانی و الف و نیم و کسر و او مملد م نیا نیست که در اول بجم مبرید طلان گرم راق و قش محل ص طنج و بریان و آن ش با و ام ل کبر</p>	<p>قور یوسف - بقم اول سکون ثانی و او و مملد و نیم و الف مملد و نیم تحتانی و سکون او ثانی و ثانی گیهیت که پای ناخ خوانده کاک جنگی و سی -</p> <p>قور یوسف - بقم اول سکون ثانی و او و مملد و نیم و الف مملد و نیم تحتانی و سکون او ثانی و ثانی گیهیت که پای ناخ خوانده کاک جنگی و سی -</p>

ترقیم اکات توسیق و تمیق الالفت	را و سمل و سکون لام و فتح حار و سمل و فحم را و سمل م بزر لقلت ه کلتی -
کاک جگما - ه بکات والفت و کات فارسی ثانی و فتح جم و سکون نون و فتح کات فارسی ثالث و انما را الفت ثانی و دوا سے ہند لیت م مسی -	کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب خون خ قیووری سفید کہ زردی زدنش یک غیر امان بنہ شد و نیلوفر و زعفران یا شک یا جویون گل منبر ل و دوزن طباشیر و یک زن عدل سفید و گویند کمر را
کاه ربان یا انما را فحم را و سمل یا و سمل و الٹ کپور	بنہ شد و نیلوفر و زعفران یا شک یا جویون گل منبر ل و دوزن طباشیر و یک زن عدل سفید و گویند کمر را
تمیق الفوقانی	کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب
کات و فتح کات والفت و انما را فحم را و سمل یا و سمل و الٹ کپور از سنج کہ در دلایت شتر سیرد گویند کہ چون از کما را ہفت سال بار آرد و دلا ۲ ستر و خشک ص خشک و غیر کاسر لیت - و فتح کات سین سمل و فحم را و سمل و الٹ کپور فارسی و سکون شین مجرم لال لیت -	کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب
تمیق الزا و الفجیم	کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب
کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب	کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب
کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب	کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب
کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب	کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب
کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب	کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب
کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب	کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب
کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب	کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب
کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب	کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب
کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب	کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب
کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب	کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب
کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب	کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب
کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب	کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب
کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب	کاف و فتح کات الٹ بضم فا و سکون او و فتح و ختیت مشہود طبعی ۲۱ ق مبر و سکون مقوی و فتح دل حاب

<p>که گوید که در کتب ح ۲۱ مطلقاً جاذب رخ زرد و کاش از یکده هم نادر و هم بطبع نیست و آن نوعی خفته است و متین</p>	<p>که پنجمه غنما و فتح جبر فارسی اظهارات آگینند - کاوند و بیگون او فتح لون که غنما و کونیدر شمشاب -</p>
<p>کبت - فتح اول ثانی و کونیدر مین حلقه خطره انبار</p>	<p>تمینق التماسه</p>
<p>کبت - تمینق الجسیم</p>	<p>کادی ع کسورال - طه و گویت بر او دگر گل کسورال</p>
<p>کبت - سرانی بفتح اول کسورانی و سکون تثنائی فتح کاف ثانی و سکون جیم فتح زای از کسورانی و سکون جیم از کسورانی کوبت طرح ح ۲۱ مطلقاً خطره انبار</p>	<p>ق مطلق خوشه و مین گل ل و مین و اس کون مری - کجاف و کسورانی مین مین مین کسورانی مهر و سکون تثنائی درخت بند بستم کسورانی</p>
<p>کبت - تمینق الدال المله</p>	<p>کاسنی - کجاف و الفتح مین مین مین کسورانی</p>
<p>کبت - بفتح اول کسورانی و سکون دال مهر و کسورانی طرح ح ۲۱ مطلقاً خطره انبار کبت - بفتح اول کسورانی و سکون تثنائی م کسورانی</p>	<p>کاف و الفتح مین مین مین کسورانی کاف و الفتح مین مین مین کسورانی کاف و الفتح مین مین مین کسورانی</p>
<p>کبت - تمینق الزار المله</p>	<p>کاف و الفتح مین مین مین کسورانی</p>
<p>کبت - بفتح اول کسورانی و سکون تثنائی فتح قوتانی و سکون دال مهر و کسورانی کبت - بفتح اول کسورانی و سکون تثنائی فتح قوتانی و سکون دال مهر و کسورانی کبت - بفتح اول کسورانی و سکون تثنائی فتح قوتانی و سکون دال مهر و کسورانی</p>	<p>کاف و الفتح مین مین مین کسورانی کاف و الفتح مین مین مین کسورانی کاف و الفتح مین مین مین کسورانی</p>
<p>کبت - تمینق الزار المله</p>	<p>کاف و الفتح مین مین مین کسورانی</p>
<p>کبت - بفتح اول کسورانی و سکون تثنائی فتح قوتانی و سکون دال مهر و کسورانی کبت - بفتح اول کسورانی و سکون تثنائی فتح قوتانی و سکون دال مهر و کسورانی کبت - بفتح اول کسورانی و سکون تثنائی فتح قوتانی و سکون دال مهر و کسورانی</p>	<p>کاف و الفتح مین مین مین کسورانی کاف و الفتح مین مین مین کسورانی کاف و الفتح مین مین مین کسورانی</p>
<p>کبت - تمینق الزار المله</p>	<p>کاف و الفتح مین مین مین کسورانی</p>
<p>کبت - بفتح اول کسورانی و سکون تثنائی فتح قوتانی و سکون دال مهر و کسورانی کبت - بفتح اول کسورانی و سکون تثنائی فتح قوتانی و سکون دال مهر و کسورانی کبت - بفتح اول کسورانی و سکون تثنائی فتح قوتانی و سکون دال مهر و کسورانی</p>	<p>کاف و الفتح مین مین مین کسورانی کاف و الفتح مین مین مین کسورانی کاف و الفتح مین مین مین کسورانی</p>
<p>کبت - تمینق الزار المله</p>	<p>کاف و الفتح مین مین مین کسورانی</p>
<p>کبت - بفتح اول کسورانی و سکون تثنائی فتح قوتانی و سکون دال مهر و کسورانی کبت - بفتح اول کسورانی و سکون تثنائی فتح قوتانی و سکون دال مهر و کسورانی کبت - بفتح اول کسورانی و سکون تثنائی فتح قوتانی و سکون دال مهر و کسورانی</p>	<p>کاف و الفتح مین مین مین کسورانی کاف و الفتح مین مین مین کسورانی کاف و الفتح مین مین مین کسورانی</p>
<p>کبت - تمینق الزار المله</p>	<p>کاف و الفتح مین مین مین کسورانی</p>
<p>کبت - بفتح اول کسورانی و سکون تثنائی فتح قوتانی و سکون دال مهر و کسورانی کبت - بفتح اول کسورانی و سکون تثنائی فتح قوتانی و سکون دال مهر و کسورانی کبت - بفتح اول کسورانی و سکون تثنائی فتح قوتانی و سکون دال مهر و کسورانی</p>	<p>کاف و الفتح مین مین مین کسورانی کاف و الفتح مین مین مین کسورانی کاف و الفتح مین مین مین کسورانی</p>

کریا - و بفتح اول و سکون ثانی با موحده فارسی	تتمین الحاء المعجمه
کریا بیست که آنرا بلند و زگو میسند -	کح - و بضم اول و سکون خا و مجرم ک یا و لوح -
کره بضم کح و فتح اول و سکون ثانی و فتح میم و هزه و لمینه نا	تتمین الدال الملهه و تتمین الحاء المعجمه
و فتح موحده و سکون تحتانی با صا و مجرم فاشرا -	کدوی تلخ - و بفتح اول و ضم دال و همزه و او و مجبول و
کرمه سودا بفتح نین همزه و سکون ا و دال همزه فاشر شین	تحتانی مجبول فتح فوقانی و سکون لام ه و تو بظری -
کر تبا - و بفتح اول و ثانی و سکون نون با موحده هم کلم -	تتمین الراء الملهه
کرتبا الحاء بفتح اول و سکون ثانی و فتح نون و ضم موحده	کدیه بفتح اول و ثانی و سکون را و میم کاوی که کواکب
و سکون لام با میم ذالت همزه و و تیلوفر -	می ۲ سکون ش کشا ل ص غاب ل ثارت فوا که فوندل
کرواراه - و سکون اول سکون ثانی با و ا و ذالت و را و	تتمین الیم
مهمله ثانی و تبا و جینبر -	کدرم - و بضم اول و سکون ثانی و ضم را و همزه هم غلمه
کزدندرا - و بفتح اول و ثانی و سکون و ا و و فقاو	الیست مانند ارن که اکثر در پنج زار باشد -
نون با دال مهمله میوه هند لیست -	کدرم - و بفتح اول و ثانی و سکون میم و ذبت هند لیست
کرفیاض بضم اول و ثانی و سکون ا و با تحتانی و قبی از	مشهور که گلشن زرد و شا بهت بکمر که بزرگ گوسه خرد -
زیراه کالی زیری طح می ۲ گویند و طح قابض لطفت	تتمین النون
مقوی مده تم تازه بستانی شش و در ص ص ص ص ص ص ص ص	کدوی شیرین - و بفتح اول و ضم ثانی و او و مجبول و
ل نیم و رن کون غلی و نیم وزن انیسون یا لایز باغ -	تحتانی مجبول و کشین مجرمه سکون تحتانی ثانی و کسر را و
تتمین الموحده	همزه و سکون تحتانی ثالثه ع قرع -
کرتب - و بفتح اول و ضم ثانی و سکون نون هم کلم	تتمین المراء
طح می ۲ و اطراف او می ۳ ق لمین منفتح	کدیه - و بفتح اول و سکون ثانی و فتح موحده و پوست خرنوب -
خ که بکرتب بستانی مشهور است ص و بن	تتمین الراء الملهه و تتمین الالف
تتمین المثلثه	کدرا - و بضم اول با را و همزه ذالت و ذرت لسان البصا قیر
کراشع بضم اول با ثانی نش و ذالت و گن باط	کراکا و بفتح اول و ثانی ذالت با کاف ثانی هم و در هم سکون
ح می ۳ ق منفتح ص س که در وزن ل لصل -	کراکرا بفتح اول و ثانی و فتح کاف ثانی و او و همزه ثانی هم ذراع -

کرم برق المیتع بضم اول سکون ثانی و کسر موحده و فتح	کرم - و بضم اول سکون ثانی فارسی مخرجه این -
را و مملکه و ضم فو ثانی و سکون لام و کسر موحده ثانی	تمینق النون
و سکون تکرار و را و مملکه ثانی و کسر سا و شان -	کرم ترخون و بفتح اول سکون ثانی فارسی و فتح فو ثانی
تمینق الفین المجمع	د سکون را و مملکه و ضم نا و جیم سکون و ا و ع طاق و حاء
کرم اغ و کرم غ و بضم اول سکون ثانی و کسر موحده و فتح	تمینق الواو
در لنت اول سکون را و مملکه و لنت ثانی ع اشنق -	کرم طاو و کرم گا و و بفتح اول سکون ثانی و بضم جیم
تمینق الفاء	ا و و مملکه و لنت اول کاف فارسی و لنت ثانی م کرم گا و
کرم ف - بفتح اول و ثانی و کسر قیر و رال -	تمینق السار
تمینق النون	کرم انه - و بفتح اول سکون ثانی فارسی و بفتح فو ثانی و کسر موحده و فتح
کرم وان - بکسر اول سکون ثانی و او و لنت نون و م با و جیم و	کرم دم خواره و بفتح اول سکون ثانی فارسی و فتح فو و لنت
تمینق السا و	مملکه سکون جیم و فتح نا و جیم و او و مملکه و لنت و فتح را و مملکه
کرم بره و بضم اول سکون ثانی و کسر موحده و فتح و کرم	م با و جیم و در دریا و کسر رستان که چون برادر و درم
و کاف کشیده و براد حیا طر از ریب و شکله و بک	خود بر زمین کشد و بر هر که زخم زند پاک سازد -
ی و ق ترا و ا و ع و شکله و مقوی و جابلس خون	تمینق السین المملکه و تمینق الالف
خ بستانه تاده و فریب و شکله و ممد و مصل	کسیلا و بفتح اول سکون مملکه و حثانی و مملکه با
تمینق الزا و الفارسی و تمینق الالف	لام و الف و لنت و کسر سیم و کسر طح ای و گویند
کرم طاو و کرم گا - و بفتح اول سکون ثانی فارسی و بضم جیم	م ح ر ق موی خ با ریک و کسر غی و ش سیم و دم
و لنت اول کاف فارسی و لنت ثانی م غر گا و -	گویند و شغال و کسر یا و تخم کرس و لنت و حاء -
تمینق الرا و المملکه	تمینق الموحده
کرم و و بفتح اول سکون ثانی فارسی سکون و ا و جیم و لنت	کسر و و بضم اول سکون ثانی و مملکه و فتح کخاره -
تمینق الزا و الفارسی	تمینق الجسیم
کرم و و بفتح اول سکون کسر سیم و کسر ز و بضم فو و کسر	کسر و و بفتح اول سکون ثانی و سکون ثانی و فتح موحده
تمینق الجسیم	فارسی و را و مملکه و ممد و اید -

تتمیق الزرار المملک	کسود می - هفتیخ اول سکون ثانی و نیم غرقا سئ وسکون نادر که از جمله سکون ثانی و شک - کسبی و شکول اول سکون ثانی و سکون غرقا سئ
تتمیق الکما	تتمیق البیون البیون تتمیق الالک
تتمیق الیسیم	کسود نا نیم اول و شین می و سکون او با شکله اول کسک کسیر اول سکون ثانی و نیم سکون ثانی و نیم سکون امریط امی و نیم شکله سسل سردا و کسج نیم بنا و نیم با شکله و نیم در شکله و نیم کسج نیم
تتمیق الموحده	کسود الموحده سکون اول سکون ثانی و نیم سکون ثانی و نیم سکون کسک کسیر اول سکون ثانی و نیم سکون ثانی و نیم سکون
تتمیق التون	کسود التون سکون اول سکون ثانی و نیم سکون ثانی و نیم سکون کسک کسیر اول سکون ثانی و نیم سکون ثانی و نیم سکون
تتمیق الواو	کسود الواو سکون اول سکون ثانی و نیم سکون ثانی و نیم سکون کسک کسیر اول سکون ثانی و نیم سکون ثانی و نیم سکون
تتمیق المثلثه	کسود المثلثه سکون اول سکون ثانی و نیم سکون ثانی و نیم سکون کسک کسیر اول سکون ثانی و نیم سکون ثانی و نیم سکون
تتمیق السار	کسود السار سکون اول سکون ثانی و نیم سکون ثانی و نیم سکون کسک کسیر اول سکون ثانی و نیم سکون ثانی و نیم سکون
تتمیق التما	کسود التما سکون اول سکون ثانی و نیم سکون ثانی و نیم سکون کسک کسیر اول سکون ثانی و نیم سکون ثانی و نیم سکون
تتمیق الشین المبحه	کسود الشین المبحه سکون اول سکون ثانی و نیم سکون ثانی و نیم سکون کسک کسیر اول سکون ثانی و نیم سکون ثانی و نیم سکون

بجمله شد و سکون تخماني م جنطيا ناما -	گفت - بفتح اول و سکون ثانی م بقائه الحقا -
گفت که با سبغ بفتح اول و ضم ثانی شد و سکون لام و فتح کاف ثانی و سکون لام م هشتان -	تتميق الکاف
تتميق الجيم	کفيليزک - و بفتح اول سکون ثانی و فتح جيم فارسي و کسر لام و تحتانی مجبول بفتح زاء جيم فارسي و کسر لام -
کشف - و بفتح اول ثانی و سکون ذون م فوسه از	تتميق اللام
ما هي است که مانند مشهور بجايت مي است سکه ابيد	کفولون - و بفتح اول سکون ثانی و فتح جيم فارسي و کسر لام و فتح ذون و مجهول م فکي است که تکرار ناشی بران گویند
تتميق الدال المعمله	تتميق الساد
گفت لا سبغ سکون لام و فتح جيم و سکون م عتقيا -	کفيليزه - و بفتح اول سکون ثانی و فتح جيم فارسي و کسر لام و تحتانی مجبور و فتح زاء جيم فارسي و کسر لام -
کفر الیود و بفتح اول ثانی و کسر لام و سکون لام و فتح تخماني و ضم باد و سکون دال و بال ممله م کفر الیود -	تتميق التتائ
تتميق الراء المعمله	کفری - و بضم اول و سکون ثانی و کسر لام و ممله جيم و فتح و است بهار خرمات خوشبو -
کفشتين بفتح اول سکون ثانی و کشرین مجبور سکون تخماني و ادوسه که زرد و نقره و دیگر فلزات بدان گویند	تتميق الکاف و تتميق الالف
تتميق الزاد المعجمه	کفرا - و بضم اول سکون ثانی و بار اوله و بی و فتح و فتح و کفرا و ناله - و بضم اول سکون ثانی و فتح زاء و سکون و ادو و خفا و ذون بدل ممله و الف م کافر -
کفيليزه - و بفتح اول سکون ثانی و فتح جيم فارسي و کسر لام و تحتانی مجبول زاء و جيم فارسي است آن که برترند و در دو و دوم باریک خود عموکس غایب جمع آن -	تتميق الهمزة المعمله
کفولون - و بفتح اول سکون ثانی و فتح جيم فارسي و کسر لام و فتح ذون و مجهول م فکي است که تکرار ناشی بران گویند	کفناقص - بفتح اول و سکون ثانی و الف و ضم کاف و سکون مین و ممله م و فکی ه کثیر -
تتميق الهمزة المعمله	تتميق الهمزة المعمله
کفناقص - بفتح اول و سکون ثانی و الف و ضم کاف و سکون مین و ممله م و فکی ه کثیر -	کاش و کیش - و بفتح اول سکون ثانی و سکون ثانی و فتح ذون و مجهول م فکي است که تکرار ناشی بران گویند
تتميق الهمزة المعمله	کاش و کیش - و بفتح اول سکون ثانی و سکون ثانی و فتح ذون و مجهول م فکي است که تکرار ناشی بران گویند
کفناقص - بفتح اول و سکون ثانی و الف و ضم کاف و سکون مین و ممله م و فکی ه کثیر -	کاش و کیش - و بفتح اول سکون ثانی و سکون ثانی و فتح ذون و مجهول م فکي است که تکرار ناشی بران گویند
تتميق الهمزة المعمله	کاش و کیش - و بفتح اول سکون ثانی و سکون ثانی و فتح ذون و مجهول م فکي است که تکرار ناشی بران گویند
کفناقص - بفتح اول و سکون ثانی و الف و ضم کاف و سکون مین و ممله م و فکی ه کثیر -	کاش و کیش - و بفتح اول سکون ثانی و سکون ثانی و فتح ذون و مجهول م فکي است که تکرار ناشی بران گویند
تتميق الهمزة المعمله	کاش و کیش - و بفتح اول سکون ثانی و سکون ثانی و فتح ذون و مجهول م فکي است که تکرار ناشی بران گویند
کفناقص - بفتح اول و سکون ثانی و الف و ضم کاف و سکون مین و ممله م و فکی ه کثیر -	کاش و کیش - و بفتح اول سکون ثانی و سکون ثانی و فتح ذون و مجهول م فکي است که تکرار ناشی بران گویند
تتميق الهمزة المعمله	کاش و کیش - و بفتح اول سکون ثانی و سکون ثانی و فتح ذون و مجهول م فکي است که تکرار ناشی بران گویند

<p>کندی - منفتح اول و سکون ثانی و کسر دال و همزه سکون تحتانی ع کلاوی ه کیوڑا -</p>	<p>تمییز الکاف الفارسی</p>
<p>کندی یضم اول و سکون ثانی و دال کسر و همزه قسیت تسید به نبات زرد کن و ازبانه طرسم مدر عمل شمع -</p>	<p>تمییز اللام</p>
<p>کنوز طبری یفتح الکاف یضم نون سکون او سین همزه و فتح طار و با و موحده و را و همزه اسم فتح کثیر و ع و س و ت کطی - و ف و رخت شانہ -</p>	<p>کنوز اول سکون ثانی و یضم کاف ثانی و دال بمول م و و او بند سیت -</p>
<p>تمییز الواو و تمییز الالف</p>	<p>کنید و یضم اول سکون ثانی و فتح دال و همزه و همزه کست و یفتح اول سکون ثانی و همزه و فتح نون ثانی و نبات کشت و کشت یفتح اول ثانی سکون ثین و همزه و فتح نون ثانی و ثنوت اول سکون ثین و همزه و او و ثنوت ثانی و همزه و اکور - کست و یفتح اول و ضم ثانی و همزه و کجیا -</p>
<p>تمییز الفوقانی</p>	<p>تمییز الساو</p>
<p>کست - منفتح اول ثانی و سکون ثین و همزه و فتح نون ثانی و همزه کست و یفتح اول سکون ثانی و همزه و فتح نون ثانی و همزه کست و یفتح اول سکون ثانی و همزه و فتح نون ثانی و همزه کست و یفتح اول سکون ثانی و همزه و فتح نون ثانی و همزه</p>	<p>کثیره - منفتح اول و سکون ثانی و کسر موحده و تحتانی بمول و ز و او و همزه و نوا و م و ن و ی ازخیا که همگام خانه شیرین با همزه بود و در جنگلی متوان خورد -</p>
<p>کوج - منفتح اول و ثانی و یضم ع صمخ -</p>	<p>کنجاره و کنجا یضم اول سکون ثانی و یضم و الف فتح را و همزه و ثنوت اول و فتح لام و ثنوت ثانی و فتح که کنجد -</p>
<p>کنج - منفتح اول سکون ثانی و یضم ع صمخ -</p>	<p>کنج - منفتح اول سکون ثانی و یضم ع صمخ -</p>
<p>کنج - منفتح اول سکون ثانی و یضم ع صمخ -</p>	<p>کنج - منفتح اول سکون ثانی و یضم ع صمخ -</p>
<p>کنج - منفتح اول سکون ثانی و یضم ع صمخ -</p>	<p>کنج - منفتح اول سکون ثانی و یضم ع صمخ -</p>
<p>کنج - منفتح اول سکون ثانی و یضم ع صمخ -</p>	<p>کنج - منفتح اول سکون ثانی و یضم ع صمخ -</p>
<p>کنج - منفتح اول سکون ثانی و یضم ع صمخ -</p>	<p>کنج - منفتح اول سکون ثانی و یضم ع صمخ -</p>
<p>کنج - منفتح اول سکون ثانی و یضم ع صمخ -</p>	<p>کنج - منفتح اول سکون ثانی و یضم ع صمخ -</p>
<p>کنج - منفتح اول سکون ثانی و یضم ع صمخ -</p>	<p>کنج - منفتح اول سکون ثانی و یضم ع صمخ -</p>
<p>کنج - منفتح اول سکون ثانی و یضم ع صمخ -</p>	<p>کنج - منفتح اول سکون ثانی و یضم ع صمخ -</p>

<p>گودرز و فریدون از ثنائی محبوبان خرمال مسلم حکایت مندی - کوکبست بنیم از ثنائی مجبوران ختم کات ثنائی خالگیست -</p>	<p>کوتاه پاسه و کوتا پیسه - فتم کو تاد پاسه - کوری - فتم اوان ثنائی مجبوران کور را و همرا - ایست مانند صحنه که خود رو باشد -</p>
<p>تتمیق المساو</p>	

[illegible]

کوپله بنیم اول نانی بمبول فتح موحده فارسی لایم شکوفه
کوتاها پانچ کتر پادش بنیم اول نانی بمبول با فو قانی
والفت آسمار با موحده فارسی الفت نانی و فتح جیم فارسی
درخت اول فتح فو قانی و آسمار با درخت نانی کوتاها با
کوتاه بنیم اول سکون نانی و فتح فو قانی بنی نانی آسمار با قسط
کوزره و فتح نانی و سکون با موحده فارسی لایم شکوفه
کوتاه بنیم اول نانی بمبول فتح موحده فارسی لایم شکوفه
کوتاه بنیم اول سکون نانی و فتح موحده فارسی لایم شکوفه

[illegible]

تفتیق النجاشی	تفتیق اللام
---------------	-------------

تمت النون	گرام کند - و بسکون با ثانی و الف بسکون هم فتح
گماوزبان - و بسکون و او و فتح زائجه با موحده و الف مع لسان الثوره کما فتحه الکذا - گماوزبان و بسکون و او و فتح زائجه با موحده	کاف و بسکون نون با دال جمله استعمل کند - گر بید - و بسکون اول فارسی بسکون ثانی و فتح موحده و خفا و با و کسر موحده ثانی و فتح موحده
تمت المسار	تمت الزاير المعجمه
گماوزبان و بسکون و او و فتح زائجه با موحده و الف مع لسان الثوره کما فتحه الکذا - گماوزبان و بسکون و او و فتح زائجه با موحده	گرام کند - و بسکون اول فارسی با ثانی و الف هم فوک - کاف و بسکون نون با دال جمله استعمل کند - گر بید - و بسکون اول فارسی بسکون ثانی و فتح موحده
تمت الیاء الموحده و تمیت الراء المله	تمت الکاف الفارسی
گماوزبان و بسکون و او و فتح زائجه با موحده و الف مع لسان الثوره کما فتحه الکذا - گماوزبان و بسکون و او و فتح زائجه با موحده	گرام کند - و بسکون اول فارسی بسکون ثانی و فتح موحده کاف و بسکون نون با دال جمله استعمل کند - گر بید - و بسکون اول فارسی بسکون ثانی و فتح موحده
تمت الیاء الموحده و تمیت الراء المله	تمت اللام
گماوزبان و بسکون و او و فتح زائجه با موحده و الف مع لسان الثوره کما فتحه الکذا - گماوزبان و بسکون و او و فتح زائجه با موحده	گرام کند - و بسکون اول فارسی بسکون ثانی و فتح موحده کاف و بسکون نون با دال جمله استعمل کند - گر بید - و بسکون اول فارسی بسکون ثانی و فتح موحده
تمت الیاء الموحده و تمیت الراء المله	تمت النون
گماوزبان و بسکون و او و فتح زائجه با موحده و الف مع لسان الثوره کما فتحه الکذا - گماوزبان و بسکون و او و فتح زائجه با موحده	گرام کند - و بسکون اول فارسی با ثانی و الف هم فوک - کاف و بسکون نون با دال جمله استعمل کند - گر بید - و بسکون اول فارسی بسکون ثانی و فتح موحده
تمت الیاء الموحده و تمیت الراء المله	تمت الیاء
گماوزبان و بسکون و او و فتح زائجه با موحده و الف مع لسان الثوره کما فتحه الکذا - گماوزبان و بسکون و او و فتح زائجه با موحده	گرام کند - و بسکون اول فارسی بسکون ثانی و فتح موحده کاف و بسکون نون با دال جمله استعمل کند - گر بید - و بسکون اول فارسی بسکون ثانی و فتح موحده
تمت الیاء الموحده و تمیت الراء المله	تمت المسار

تتمیق التماسی	کلمه کل - فتح بروف کاف فارسی سکون بر دو لام لوی از لمبر
گل پاری - فتح بضم اول فارسی و سکون ثانی یا مود و فارسی الف و سکون او جمله و سکون هاء و سکون تاسی کلیت بغایت سرخ و خوشترنگ هم گلزار فارسی -	بغیر از این و الف تیرست که چون زن و در آن جایز اند زمانی که اضافه شود و بضم بروف کاف فارسی مع مثل
تتمیق المیم	تتمیق المیم
تتمیق المیم و تتمیق الفوق تاسی	گل گندم - فتح بکسر اول فارسی سکون ثانی و فتح کاف تار
گندست - فتح بفتح اول فارسی و سکون میم و سکون هم خمس است بهر فردا که بگویم مخی مانع است و مثل قرین مکرمه و هر که در ظرف و قراب بشوید می نیارد و اگر از این شراب از نه بخلین شست و اگر در زیر بالین نهاده خواب ببرد	نشان بکون اول و بضم اول سکون میم پنج گیا بهی چنان نماید که گویا پنج شش دانگ هم بجمع پیدا اندم که در گندم
تتمیق النون	تتمیق النون
تتمیق النون و تتمیق الفوق تاسی	گل گلبیج - فتح بضم اول فارسی و فتح ثانی و سکون
تتمیق الزاد المیمه	نون و بضم کاف فارسی ثانی و سکون موده و سکون
گنیز - فتح بکسر اول فارسی سکون ثانی و زاد بضم شامع بول	تختان و نون ثانی هم گله که در غسل حمز و سازند
تتمیق النون و تتمیق الالان	تتمیق المسار
گندگیا - فتح بفتح اول فارسی و سکون نون و ال جمله کسکاف فارسی ثانی یا تختان و الف هم خرس یا و -	گلا گند - بضم اول فارسی فتح ثانی و الف هم کاف فارسی ثانی بکون او و فتح نون هم گلا گند که زمان بر رویانند
تتمیق الال المیمه	گل پیاده - فتح و حریت با کلام بوشه و در مثل
گند - فتح بضم اول فارسی و سکون نون و فتح موده هم	درخت نرگس لار و سوسن و فیشه -
گند - فتح بضم اول فارسی و سکون مع حصینه -	گل نمونه - فتح بضم اول هم گلا گند -
تتمیق الزاد المیمه	گل گوز - فتح بضم اول فارسی و کلام هم کاف
گنبدار - فتح بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح موده	و سکون واده و فتح زاد و بضم هم کل سرین -
واظار ناو الف هم درخت بند لیث که کاس می -	گل گند - فتح بضم اول فارسی سکون ثانی و فتح کاف فارسی
گنبدار و بخر فتح اول فارسی سکون ثانی و بضم اول فتح	و سکون نون و فتح دال که بهر بغایت پیاده و گویا کان
را و موده و فتح اول فتح جیم و از موده و فتح ثانی هم گلا گند -	گل - فتح بضم اول فارسی و سکون ثانی هم غریب پیاده
گنکارسی - فتح بضم اول سکون ثانی و ادیکه پوت گند و موده	دانه انگور که از خوشه جدا شده و بشوید -

گوشت آهنگ - و بضم اول فارسی م علی لوح	کوزره - و م غوره بکوه کناره بکوه ابریشم و مثال آن -
تتمیق اللام	کوزینه - و فتح اول فارسی سکون ثانی کوزله و مجرور سکون
کوکال - و بضم اول فارسی ع عتقا -	تختانی - و فتح نون ح حلوای که از منزه گردگان بمنزله
تتمیق المیم	گوش خبه - و بضم اول فارسی و سکون ثانی مخبره
کوزگن - و بفتح اول فارسی م گل گندم -	فتح خا و مجرور و موحده هم جانور هزار پا -
تتمیق النون	کوله - و بضم اول فارسی ن نکه مجهول فتح کوه کوسانه
کوزن - و بفتح اول فارسی و ثانی ه باره سبکگاه -	تتمیق التختانی
گوشان - و بضم اول فارسی ثانی مجهول باین	گوبی - و بضم اول فارسی و ثانی مجهول کسره و
مجموعه الف هم شیره انگور -	واظهار ما و سکون تختانی م دوا و بکسره
گومان - و بضم اول فارسی می یون ایم و م دوا بکسره	گوش مای - بضم اول فارسی و ثانی مجهول و سکون
گویی گردان - و بضم اول فارسی و ثانی مجهول ثانی	شین مجرور بایم و الف و کسر ماحم صدق -
و فتح کاف فارسی و سکون را و مملو ح حقتقا -	تتمیق الما و تتمیق الزا و المله
تتمیق الواو	کعبه کواره - و بکسر اول فارسی و اظهار ما و ضم تختانی و دوا و
گوکهره - و بضم اول فارسی و ثانی مجهول فتح کات	مجهول ضم کاف با و ثانی دلف را و مملو ع بابت
و سکون نا و ضم را و مملو و سکون ثانی و خشک -	تتمیق النون
تتمیق الساو	گهن - و بضم اول فارسی و سکون ثانی و نون گهنی
گودره - و بفتح اول فارسی و سکون ثانی و فتح	که چوب بنجور و وجوب ای چون نشاره سازد -
دال مملو و را و مملو و خسا و نام گودره -	تتمیق التختانی
گورگیا - و بضم اول فارسی ثانی مجهول سکون او مملو کسر	گنجی - و بضم اول فارسی و اظهار ما و سکون نون
کاف فارسی ثانی یا تختانی و الف اظهار ما و اخره شورا و گنجک	و فتح کاف فارسی ثانی و کسر جیم فارسی و سکون
کوزه - و بضم اول فارسی و سکون ثانی و را و مجرور فتح دال	تختانی ع عیون الدیک و بفتح ه لاتی -
مملو م صغیر فتح کاز و بیهوده و مملو حاصل شود -	کسیا توروی - و کابل انجی اظهار ما و تختانی و الف فتح نونانی
کوزنه و بفتح اول فارسی سکون ثانی و فتح و بضم غوره	دوا و مجهول فتح را و مملو کسر و م ممر گرگر و توروی

که باید و غیره در تیره تراژیکت بالایش ملاحظه فرمایید.	تمینق التین المملکه
تمینق الیاء التینانی تمینق الدال المملکه	لا سفت م ایتریم فرمایید سگ ماده و ماده هر جوان
گینه ف بکراول فارسی سکون تخمافی دال مملک علیوا.	لا یوریدس لیس تخمافی سکون و سکون و سکون و سکون تخمافی ثانی
تمینق التین المجمع	و تخم دال مملک سکون و ثانی حسیب بود و نه بخیر معشوق نیز
گیاه ف بکراول فارسی آتانی و لغت علیهم هر گاه سخن	تمینق الکات
تمینق الساء	لاک و سکون کاف لاک لیس تخمافی سفت که سبب بود
گینه ف بکراول فارسی سکون ثانی فتح فون فغادام گینه	هو ابر شام و درخت کنار و فنی و فنی که که فنی که فنی که
تمینق التینانی	منجید گردد و آنرا که فنی فنی فنی فنی فنی فنی فنی فنی
کی. و فنی اول فارسی سکون تخمافی جا فنیست که	قرایه باشد از فنی فنی فنی فنی فنی فنی فنی فنی
پرش الین است و بر یکا و بر تیره نصب کنند مده دم.	در دست محکم کنند و سزاوار بان مهر نمایند لاکه.
ترقیم الام و تمینق و تمینق الالف	لاوک و فنی فنی و دم نان که آنرا لاش نیز خوانند
لاال. بلام و الف لام فنی ثانی گاهی است که از فنی فنی	تمینق اللام
آزاد که از فنی فنی فنی فنی فنی فنی فنی فنی	لال. بلام و الف لام فنی ثانی م جواب نیست که آنرا عمل گویند
تمینق الجیم	تمینق النون
لاج. و سکون جیم م سگ ماده.	لاون. بلام و الف فتح دال مملک سکون فون م
تمینق الدال المملکه	تمیست از غیر فون ملح اراق الف فتح فنی فنی
لا دفت م فاک فنی فنی فنی فنی فنی فنی فنی فنی	خ چرب فنی فنی فنی فنی فنی فنی فنی فنی
لازود و ف لا جوده لاد فنی فنی فنی فنی فنی فنی	حل شود فنی فنی فنی فنی فنی فنی فنی فنی
فنی فنی فنی فنی فنی فنی فنی فنی	لا آسیر فنی فنی فنی فنی فنی فنی فنی فنی
فنی فنی فنی فنی فنی فنی فنی فنی	غرس فنی فنی فنی فنی فنی فنی فنی فنی
تمینق الراء المملکه	تمینق الساء
لاشکون بکیم سکون ثین مفتح کاف و	لاونه. و سکون دال مملک فنی فنی فنی فنی
سکون را و مملک فنی فنی فنی فنی فنی فنی	که از پوست ساق آن رسیان سازنده سن.

لبن الخناشیر بنج فاجبره فتح فاد الحنطه برب شیر است	فت شیر پیش ق مبین مقوی دماغ -
تبینق الفضاو الجمیة	لبن - یفتح اول و ثانی و شیر و دودج طبار
لبن الحنطه بنج بکسرون اجا و حلا و الف و کسیریم	گویش ق مندی سخن از قیوانی که وضع
ف انست و دربی غلبه سی تیج افیه سکر دی بسیار	حملش انسان موافق باشد شش غم بطل غل
تبینق الککاف	تبینق التاء الفوقانی الفارسی تخنق الواد
لبن الزکک بنج را و حلا و حیم و الف و کات و شیر	لگو - بنج لام و سکون تا و فوقانی فارسی منم کاف
ادیان بکوزی کا دودج طارم و تراشیرت دیگر	شمر درختیت که در بنگاله می شود
تبینق الککاف الفارسی	تبینق التاء
لبنک بنج اول و ثانی و سکون لیم و دیو کج افیه	لبنی - سر بنج اول و ثانی و کسرون و سکون
تبینق اللام	تحنایه سیوه سائله سلاوس -
لبن الخلیل بنج سکون لام ثانی و فتح خا و جمه و	تبینق و تبینق الجیسیم
سکون تحنایه و شیر اسب ق مخدر -	لجلج - بنج اول و سکون حیم بالام و الف
لبن الفزأل - شیر آرموط اسود و تر -	و حیم ثانی با صطلح کسیران م زبونی پاک صاف
تبینق الجیسیم	تبینق الواد
لبا بک لفرط بنج سکون لام ثانی و ضم قان و سکون	لجاوله بنج اول و ثانی بالعم و دوائه مشهور است
را و حلا و ضم طار و حلا و سکون حیم و تر حنطه لایطرح -	تبینق الجمیة الفارسی و حیم الالفت
لبا بالقوم بنج سکون لام ثانی و ضم خا و سکون او و شیر	لجمنایه - بنج اول و سکون حیم فارسی و ظاهر مادی
تبینق النون	فتح حیم و لون حیم بروج الصنم -
لبان بنج اول و ثانی شد و الف و نون که نذر	تبینق الحما و حله و تبینق الموحدة
لبان بنج اول و ثانی با حیم حلا و الف و نون حیم	لحام الذم بنج کبر اول و حلا و حیم و حیم و نون
لبن الامان بنج سکون لام ثانی و ضم حیم و فوقانی	بجوده شد و با گویند هم آشنای حیم سیدی و از نون
و الف و شیر خزل لبن الحما بنج الف و الفاح -	تبینق الوکانی
لبن البنان بنج سکون یا حیا و حیم و نون و الف	لحام البنان بنج حیم کبر اول و حله شد و اول الف و حیم

تمنيق الحميم	تمنيق المسار
لحم النعاج مع بفتح اوله يكون مائة وثمانون درهم فون مشدود يا عين مائة واثنتون واثنتون درهم كروني وثمانون درهم كروني مائة وثمانون درهم	مخمس الكلب بفتح اوله وثمانون درهم فون مخمس مائة وثمانون درهم كروني مائة وثمانون درهم فون مخمس مائة وثمانون درهم
تمنيق الراعي المملوك	
لحم البقر مع بفتح اوله يكون مائة وثمانون درهم فون كروني مائة وثمانون درهم	تمنيق الحمار المجرى بفتح اوله وثمانون درهم فون كروني مائة وثمانون درهم
لحم الخنزير بفتح اوله يكون مائة وثمانون درهم فون كروني مائة وثمانون درهم	تمنيق الحمار المجرى
لحم الخنزير بفتح اوله يكون مائة وثمانون درهم فون كروني مائة وثمانون درهم	تمنيق الحمار المجرى
لحم الخنزير بفتح اوله يكون مائة وثمانون درهم فون كروني مائة وثمانون درهم	تمنيق الحمار المجرى
تمنيق الشين المملوك	
لحم البقر مع بفتح اوله يكون مائة وثمانون درهم فون كروني مائة وثمانون درهم	لحم البقر مع بفتح اوله يكون مائة وثمانون درهم فون كروني مائة وثمانون درهم
تمنيق الزاوي المجرى بفتح اوله وثمانون درهم	تمنيق الزاوي المجرى بفتح اوله وثمانون درهم
تمنيق المسينم	
لحم الخنزير مع بفتح اوله يكون مائة وثمانون درهم فون كروني مائة وثمانون درهم	لحم الخنزير مع بفتح اوله يكون مائة وثمانون درهم فون كروني مائة وثمانون درهم
تمنيق النون	
لحم الخنزير مع بفتح اوله يكون مائة وثمانون درهم فون كروني مائة وثمانون درهم	لحم الخنزير مع بفتح اوله يكون مائة وثمانون درهم فون كروني مائة وثمانون درهم

ازان ماند رسیان طعم آن تلخ طعم گرم خشک	کاف بضم اول با کاف والضم لک و بضم
جوز نقشه یا قودزی زرد یا مر و نیم وزن افضل	تتمیق الکاف
تتمیق الفاء تتمیق الفوقانی	کاف بفتح بضم اول و سکون کاف نه لاک طر ح
لفیت یکس اول سکون کاف م ششم	می گویند طح می حق بفتح شفع خ منقول ش از
تتمیق الحاء المله	کیدرم بیکشقال من منطکی ببا از آنکه منقول الخ دل
لفاح ع بضم اول یا ثانی مشدود الف و شش	نیموزن یونید چینی نیموزن سارون گویند سیدر اول
و آن شمر بر دوج برکت طب که گویند ج می حق مخدر	تتمیق النون
منوم خ بزرگ تیز روی زرد و سیدر نه نیم درم ص عسل	لکین ف بضم اول و سکون ثانی و نون ج نه
ل جوز مائل یا نیموزن بزرگ البج و دو دانگ وزن آن	تتمیق السا
خشخاش یا جوز القی و بوزن آن بزرگ البج یا بر دوج	لکامه و لکانه ف بفتح اول یا ثانی والضم نیم خوار
تتمیق الشین المجه	در لغت اول بفتح نون و لغت ثانی مر و ده گویند که
لقتل بفتح لام و فاک سکون ثمین مجیم چوبندوب	بکوشت و حکم پر کرده باشند الت تاسل از نیم گویند
و گویند خرقیت غنیمت آن فواج شام و بزرگ گرم تری	تتمیق القحطانی
و سبزی زرد و مشعل گرد و طلا سه برگ شک مشوق	لکهنه لکهنی ف بفتح اول یا ثانی و سکون با و فتح نیم دون
آن را رفع برص و بهق	و لغت و لکام ثانی و کاف ثانی و سکون با و فتح نیم ثانی و کس
تتمیق القاف و تتمیق الحاء المله	نون ثانی و سکون ثانی اسم برکت ع بر دوج لکهنه
لفاح ع بفتح اول یا ثانی و الف و شش	تتمیق الیم و تتمیق الالف
آب شنی و یکس اول شتران دو شیدنی	لما بفتح اول و میم و الف ج عنب الثالب
تتمیق القاف	تتمیق النون و تتمیق الشین المله
لق لقی بفتح دو لام و سکون دو قاف جانولیت مشهور	لیمیطلس یو ناسه بفتح لام و سکون نون و
کبیر الخینه که در او آمل بیج می آید و گاه متوطن میگردد	اکس جیم و سکون یا ر شناه تختانیه و ضم طار حمله
و از جاسه خود نقل بیناید طاس گرم و خشک	م نباتیت و و هفت دیدا شد کشتی و صحرای کشتی
تتمیق الکاف و تتمیق الالف	بزرگ عریض تر از برگ گند یا و شنی بطرف غل و سرخ

<p>لیانگت وفتح اول سکون ثانی وفتح لام ثانی سکون ثانی وفتح بیرون گ - فت بکسر اول وضم ثانی واداء مجهول وضم لام ثانی و سکون ثانی وضم بیرون -</p>	<p>لیانگت وفتح اول سکون ثانی وفتح لام ثانی سکون ثانی وفتح بیرون گ - فت بکسر اول وضم ثانی واداء مجهول وضم لام ثانی و سکون ثانی وضم بیرون -</p>
<p>تمینق الفوقانی</p>	<p>تمینق اللام</p>
<p>است - فت بکسر بین هملهم حیرات -</p>	<p>تمینق اللام</p>
<p>تمینق الجسیم</p>	<p>لیکول وفت بکسر اول سکون ثانی وضم لام ثانی واداء جهول وفتح موحده فارسی سکون لام ثالث وضم یلو وفتح</p>
<p>بار یا سمیع یفتح سیم الف و سکون را و هملهم یفتح ثانی وفت ثانی وضم حاء و سکون ثانی وفت ارباهی واداء مجهول</p>	<p>تمینق الواو</p>
<p>ما یزیر سرج - بکسر و سکون ثانی وفتح را و مجهول سکون ثانی وفتح را و هملهم سرج سلم سکون فای زهر واداء از تیومات است هکول طرح می ۲۰ ق فسل وفتح سبطه زرد ووشن نبات کشتال ودر مطبوخ ودر بر دوم واداء جزایا ویک انگ تا دو واداء کس کبر واداء ل ش ووزن ابر ساد واداء گ ووزن آن فصل السید و گویت ووزن تربله -</p>	<p>لیم واداء - فت بکسر اول سکون ثانی وضم بیرون سکون او وفتح واداء هملهم الف وضم را و هملهم سرج ثانی وفتح بار واداء یان گما بر آید ووزنی لیون ودهلحی - لیم وفت بکسر اول سکون ثانی وضم سیم وفتح یلو وفتح ووزن اوحی جاف واداء وفتح موحده سلس ووزن آن تمینق التماس</p>
<p>تمینق المسار</p>	<p>لیم ووزنی - بکسر اول سکون ثانی وضم بیرون واداء مجهول وفتح واداء ل ووزن واداء سکون اول وفتح هملهم سکون ثانی واداء</p>
<p>ما و المالح - مع مجهول و سکون لام وکسر سیم ثانی و سکون لام ثانی وفت آب نمک وفتح مقی وعلی واداء سرج -</p>	<p>ترقیه الیم وفتح وفتح الالف</p>
<p>تمینق الدال المملک</p>	<p>باس وفتح سیم الف وفتح هملهم وفت آب و هملهم ثانی واداء یات واداء ثانی وفتح مقی آب نیمه که از جانب</p>
<p>مار الحیدید مع فتح حاء واداء سکون اول و سکون ثانی و وال هملهم ثانی وفتح مقی آب نیمه که از جانب مار الورد وفتح وفتح واداء و سکون او و هملهم کلاط مع ق مقوسه وفتح مقی آب نیمه که از جانب</p>	<p>شرق وفت ثانی وفتح مقی آب نیمه که از جانب و هملهم ثانی وفتح مقی آب نیمه که از جانب گردد و چون زائل شود از و دسر و سدر -</p>
<p>مان کندن سیم الف و سکون ثانی وفتح مقی آب نیمه که از جانب ق مقوسه وفتح مقی آب نیمه که از جانب</p>	<p>مارکرافت بکسر اول واداء سکون ثانی وفتح مقی آب نیمه که از جانب الکاف وفتح مقی آب نیمه که از جانب</p>

<p>دو کینه شرقی از سر مار شلث و عسل دارد و ماکوگرم ستازند و گوشت مار لسل است - مامون بضم میم ثانی و سکون و او هم حاشا - مامستان - بفتح میم ثانی و سکون و او کسرین مملکه با فو قان و الف ثانی م سافح - مایران یا کسرین نامی غنیمت کین نام طرح می گویند گویند ای اسق قلی کشی شخیرم ص سلسانی یا کسرین در دوزان عروق لسل نامیوزن مرد و یک زن عروق لسل مار النون بضم نون سکون او و لول ثانی آب می نمک طرح ماه فریقین بضم و الف و او فتح نا و سکون را مملکه کسر نا و سکون تخمائی و نون م مبدوار - ماهی زرین است کبر او سکون تخمائی فتح زار و کبر او مملکه شد و سکون تخمائی م فوی از لای زلی کرد زبر را گیس گز یا پانزده گز بدود و در فوجی بنده و دایه سند بر سر و عوض آبش شفق و بکار بریزند -</p>	<p>مالک - بفتح کاف هاء ارات اش سیه ا رومی کوی جوت مالکانه - ف بکون لام یکات و انش فتح نون و انکاد مامودانه بضم مام سکون و دوال ممله الف ثانی و فتح نون دانه ثانی م طبا و کسل ح سی ۲ ق قی بسل بضم شخیرم تا یکت رم و گویند پانزده جمل و سیون کثیر ال شیرین و ندر یا جمل بضم یا یکت نیم وزن حب النیل یا شبرم -</p>
<p>تتمیق التماس ماش بصدی - بکسرین مبدو و سکون نون کسر ال ممله و سکون تخمائی م قلت و نملیه و گویند پانزده مال لنگنی - بضم و الف و سکون لام و فتح کاف و سکون نون فتح کاف فارسی کسر نون ثانی و سکون تخمائی م دوله مشهور به نیست کثیر انش طرح ق لین - مالی - بضم و الف و کلام و تخمائی م عسل -</p>	<p>تتمیق التماس ماش بصدی - بکسرین مبدو و سکون نون کسر ال ممله و سکون تخمائی م قلت و نملیه و گویند پانزده مال لنگنی - بضم و الف و سکون لام و فتح کاف و سکون نون فتح کاف فارسی کسر نون ثانی و سکون تخمائی م دوله مشهور به نیست کثیر انش طرح ق لین - مالی - بضم و الف و کلام و تخمائی م عسل -</p>
<p>تتمیق التماس مبارک بضم اول مامود و الف و او ممله ممله و او گویند که با بصریح و قیبه آگنده و بصریح ع عصب متمیق التماس مشر - بفتح اول و فو قانی بصدی م کرسنه -</p>	<p>تتمیق التماس مبارک بضم اول مامود و الف و او ممله ممله و او گویند که با بصریح و قیبه آگنده و بصریح ع عصب متمیق التماس مشر - بفتح اول و فو قانی بصدی م کرسنه -</p>
<p>تتمیق التماس متک - بفتح اول سکون ثانی و کاف ع اترخ -</p>	<p>تتمیق التماس متک - بفتح اول سکون ثانی و کاف ع اترخ -</p>
<p>تتمیق التماس متک - بفتح اول سکون ثانی و کاف ع اترخ -</p>	<p>تتمیق التماس متک - بفتح اول سکون ثانی و کاف ع اترخ -</p>
<p>تتمیق التماس متک - بفتح اول سکون ثانی و کاف ع اترخ -</p>	<p>تتمیق التماس متک - بفتح اول سکون ثانی و کاف ع اترخ -</p>
<p>تتمیق التماس متک - بفتح اول سکون ثانی و کاف ع اترخ -</p>	<p>تتمیق التماس متک - بفتح اول سکون ثانی و کاف ع اترخ -</p>

در کتب دیگر آمده است که اینها را با آب بنفشه و سرکه بنفشه میخورند

تتميق الدال المهملة	منه ملكي يفتح اول سكون ثانی ففتح طاء مهملة وكسرة حاء و
معد يفتح اول سكون ثانی ودال مهملة خصی لفتح حسب	سكون تحتانی فتن كند رجو طح حی كوند رن ملطقت القن
تتميق الراء المهملة	محلل قوی كبد مده وحابض ن ح رومی غل غل مرم
محصف ح يفتح اول ثانی وكون ميا وسلا ففتح فا وكون را وكونه مبهمة	نر سكر خيساب رة خشاك ختبا با كسرة استعمال فمردن
معتار وكون اول سكون ثانی وفاق الف را وكونهم منع ميا	وكونيد رول كنيم وزن كند روك با ابيست كيتية
تتميق القاف الف	دور تدبيرت مده اذ خر
معشوق مع يفتح اول سكون ثانی وفاق الازاجار	تميق الفصاد المجهدة تتميق المساء
نام جم است داز نبات مامودانه	مفيدة يفتح اول ك فضا وبعده سكون تحتانی ففتح را وكونه خا
تتميق النون	و ميرحي نام طمايست كما خجرات بنج سازند ففتح ارم وكونه
ميدون مع يفتح اول ك ثانی وكون تحتانی وكونه مامودانه	تميق الطار المهملة تتميق الالفت
تتميق المساء	مطلحة يوانی يفتح اول سكون طاء مهملة ففتح حاء مهملة
مده مع بكسر اول سكون ثانی مهملة ففتح دال مهملة	باشمشة والفت م مكي مست كه نور العوق لوز كوند
ناف شكينة او جهر طي طيب می	تتميق الجسيم
تميق العين المجهدة تتميق المهملة	مطلب مع يفتح اول ففتح ثانی وكونه بشد وكونه جم
مناشع نفم اول ثانی مسجدة الف تشابه يفتح ا وكونه كسرة	فتا بچه سوسا كه در مرتبه سوم نمود سیده باشد
حب القلقان شطرح ا كوند می ق مهنی جابج فبدا می شید	تميق الخاء المجهدة
مائل بزرگوشن درم مع سل ل رطلانك انیم وزن او وند	مطلب مع يفتح اول سكون ثانی نفم مده وكونه داود
تتميق الدال المهملة	خاء مبهمة و دوشاب هر چه بچته شده باشد بافتش
معد يفتح اول سكون ثانی ودال مهملة بادبجان	تميق الطاء المهملة
وكونيد لوازخ بری وكونيد توسع انكالت كوچك	مط يفتح اول سكون ثانی م جلنا
منفرد مع يفتح اول سكون ثانی وضم را وكونهم مامودانه	تميق العين المهملة تتميق الالفت
تتميق النون	معاخ بكسر اول عین مهملة والفت ر و د و د و طهي
منيلان مع يفتح اول ك ثانی وكونه ثانی وكونه فخر كوند	طاب می ق ملین خ از حولی كوسفند

<p>تمنیق النون</p>	<p>موسمخ بنم اول سکون ثانی فتح بین هم سکون اول و ماضی فو</p>
<p>مورامون - یونانی بنم اول سکون ثانی و را و ماضی و</p>	<p>تمنیق الزا و المله</p>
<p>الف و ضم میم و سکون و او ثانی و ذون هم شتاقل - صوم آئین - و بنم اول سکون او و میم ثانی و دین و و کسر موحده و سکون تحتانم موسیانی گویت که آئین نام دیسی است که از فاران موسیانی حاصل شود</p>	<p>موش خوار و موش گیر و بنم اول سکون ثانی و شین بجز و ضم خا و میم یا و او بنم اول و کسر را و حله و ذون اول و کسر کاف فارسی سکون ثانی و ذون ثانی هم قسمی از غلیوز -</p>
<p>تمنیق الواو</p>	<p>تمنیق الزا و المجه</p>
<p>موس بنم اول سکون و او و مشورت بهین نام گویند خیشته است ساق و نبات و در قفسه مانع شیت بود طرحی ساق ملطفت در ششم شتاقل ص کرفس و صندل و کلاب گویند هم کرفس پنج وزن و جوز و طیب و نیم وزن بنبل یا فلفل سیاه یا اسارون و سنج</p>	<p>موز بنم اول سکون ثانی و ز و موز و کیه لاطح را گویند معق طین هم بزرگ شیرین و کیه ص سطلی ل سکون اول تمنیق البین المله</p>
<p>تمنیق المصا</p>	<p>تمنیق الکاف</p>
<p>موتحر - بنم اول ثانی مجهول فتح فوقانی هندسی انظار نام غله البیت هندسی طرح -</p>	<p>موسمیک - دوای مشهور بند لیت - سوک - بنم اول سکون ثانی هم میث -</p>
<p>موسمه - بنم اول سکون ثانی فتح بین هم سکون و ماضی موسیحه و بنم اول سکون ثانی و کسر بین هم سکون توتانی فتح جمیم فارسی م یا و لیت شبیه بفاخته - موتحر و بنم اول سکون ثانی فتح لام و سکون ذون و فتح جمیم کرم شبیه بکرمیکه را تبا و سازد - موتینه - کسر موز و سکون ثانی و فتح ذون هم یوستین -</p>	<p>تمنیق الکاف الفارسی موتگ - بنم اول سکون ثانی و ج و فون کاف فارسی و ماضی تمنیق اللام مول - بنم اول سکون ثانی و لام و سکون و یخ نباتات تمنیق المسیم</p>
<p>تمنیق التختانی</p>	<p>مورد هم - بنم اول ثانی مجهول فتح را و ماضی سکون وال هم کسر موز و سکون بین هم و فتح فاد سکون اول و ماضی و نیم ثانی موز و مری طرح سی ماضی رومی - موسم - بنم اول سکون ثانی و میم و ماضی -</p>

عرقه الزنجان و تینق الالفت	تینق الزاد الفارسی
ناف نهون والفت هم آب -	ناثر - ف م درخت کلج -
ناخن بویا - ف تینم فانه و کسرون فیم مود و او	تینق اسیر المملکه
بمعدل با تخته سارغ انظار لطیفه کله -	ناقلین هر برید بکشتن مجرود سکون فمائی ف نارنگ
ناگیرا - کسره ممله و ککاف فارسی سکون تحتانی	تینق استین المجمع
باراه ممله تانه فم شمش سیاه -	ناخن جوس ف تینم فانه و کسرون فیم مود و او ممله فم انظار لطیفه
ناگ بالا - نهون والفت بسکون کاف فارسی	تینق انین المجمع
باموده فارسی الف تانی و لام و اف کاکشک	نان کلاغ - ف کسرون فانی و فتح کاف لام
تینق الموحده	والفت م رتینست که از زمین نمناک برودید -
ناکلیس فیم فیم موده و سکون لام باموده و فتح کاف	تینق الفشار
و سکون لام فانی و موده فانی فم فم فم فم فم فم فم	ناف - ف افکارم صدف -
تینق المیسر	تینق الکاف
نارنج نهون الف تینم فانه و سکون فم فم فم فم فم فم فم	نارنگ - ف نهون الف و سکون او ممله کسرون
نارنگ فانه که از نارنگی بزرگ است از ترش تر و بزرگ است	و سکون شین مجرود کاف م ناگ کسیر ح ای ناگینج
م ترش ادبی اتهم ادبی ح ق پسته و لطف	ی ۲۲ لطف مقوی ل فم فم فم فم فم فم فم
و مقوی ل فم فم فم فم فم فم فم فم فم فم	طبا شیرل یکیم وزن سنبل الطیب فیم وزن پوست
نافنج - نهون الف و فیم فارسی سکون او فیم فم فم	بیرون پسته یا نیم وزن زنجبیل یا نیم وزن قسط -
فانه و سکون که آثر او بلبوب گویند -	ناک - ف غبر و شک مثال آن که موش شهند
تینق الزاد المملکه	وقسمی است زامر و کسرتین قسام اوست در هر یک
نارنج فانه که از نارنگی بزرگ است از ترش تر و بزرگ است	جانور است شبیه به نهنگ -
تینق الزاد المملکه	تینق الکاف الفارسی
ناگ کسره نهون والفت بسکون کاف فارسی ککاف	نارنگ - ف فیم فانه و سکون او ممله م فم نارنج -
و تخته بمعدل فیم شین مجرود سکون لام و نارنگ	تینق اللام

تمیق السار

نارده و من بسکون را و مملو فتح دال مملو کم کنه و پیشه -
نارده - و من یفتح و او صم نارده -

ناخواه یکبارین نون ثانی و نیم خارجه یار و او دال ثانی
و اظهار یافت زبان ه ابراین طح ای گویند مرق

منفج لطف غشی در رخ زین تازه خوشبوی با تل لبرنج
ش یک شقال ص عتاب ل زیره -

تمیق التماس

ناگ تپی - ه نون و الد و بسکون کاف فارسی فتح
میه حده فارسی کسر فوقانی و سکون تحتانی ه لجاو -

نادی - ه نون الد بکند و او سکون تحتانی ه نامی -

تمیق التماس و التماس

نبات الجلاب مع یفتح اول و موحده و الد فوقانی
و سکون لام و نیم جم و لام مشدده و الد موحده معری
ط مع ق مجلی ملین خ سفید شفاف پاک بکج و بار
ص ربوب ترش ل شکر زده -

تمیق الدال المله

نبات الرعد - مع یفتح را و مملو مشدده و سکون ملین مملو
و الد مملو کمات -

تمیق الذال المعجم

نبیذ مع یفتح اول و کسر ثانی و سکون تحتانی و دال
مجموعه شراب خ از میان رطب -

تمیق السین المله

نارجل - نون الد و سکون را و مملو کسریم را و مملو
و لام ف نارجل و جز بندیه ه نارجل و کسر بر طح را
گویند مرق بسی شش یک دم ص فانیذ -

ناریل - ه نون الد را و مملو فتح تحکمی و الد و جز بندیه -
ناسپال - ه سکون سین مملو پلوس انا -

تمیق النون

ناخن پریان - ه سکون نون ثانی و فتح موحده فارسی سکون
را و مملو ناخن ثانی و الد نون الش ع اظهار طحیب -

ناروین - رومی نون الد را و مملو و الد مملو سکون
تحتانی و نون نیم نون طح ای گویند مرق و الد طح
خ فربه خوشبوی سفیدی تل ص کثیر ایل ل سین مندی -

ناروان و نارون - ه سکون را و مملو و او دال
در لغت اول فتح و او در لغت ثانی و در لغت خورشید
خوش اندام و گلنار فارسی -

نازک بدن - بضم زاده و مملو ه رستنی سرخ رو -
ناگدون - ه نون الد و کاف فارسی فتح دال مملو
و سکون و او و نون ثانی و مارچوبه -

تمیق الواو

ناجوف - بضم جم و سکون و او م درخت صنوبر -
ناخن دیو - بکسر و الد مملو ه نکه -

نارخوت - بکسر و سکون را و مملو کم کل انا -
نار و نیم را و مملو جانور است خوش آواز مانند بلبل -

ناثرو - و بضم زاده فارسی م درخت ماجو -

نوقس بعظم اول سکون ثانی م رحمہ۔	بدنوشن م باک خوشی دریاہ دارم کرمتہ البیضا۔
تمینق النون	تمینق القاف
نوشرون۔ ونا بعظم اول سکون ثانی فتح نازانہ	فتح نفع اول ثانی سکون ثانی جود الہار وگوید جبر الہر
سکون وادوم ودرخت کاج۔	تمینق الکاف اغازی
نولون۔ ونا بعظم اول سکون ثانی تمیز درخت باہی	ننگ نفع اول ثانی سکون ثانی دکان خاوی گمرخ مسک
و مرکب و سیاہی و دوات۔	تمینق اللام
تمینق الواو	نفسل نفع اول سکون ثانی فتح نین مجوہ سکون لام ثم قاف
نوش دارو۔ ونا بعظم اول م تر یاق وباد زہر۔	تمینق الیاء اختائے و تمینق الالاف
تمینق السار	نیمقا۔ روی کبیر اول سکون ثانی نیم جہ قاف والفت نیم یوف۔
نوا شستہ۔ ونا بعظم اول نفع ثانی والفت سکون	نیلا آتو قح۔ یکبر اول سکون ثانی ولام ولفتح نوقانی ونا ہار و
سین مصلح نفع نوقانی م شست۔	سکون اول نفع نوقانی ثانی ونا اول ثانی ولفتح نوقانی ونا ہار و
نیزہ بعظم اول سکون ثانی نفع اول سکون اکطیح حکق	نیمیا۔ ونا کبیر اول سکون ثانی ونا سکون ثانی باکتھا
عرق شید آتو وید ہل وٹن گل ل نریخ۔	ثانی م ناخواہ اجوین۔
نوشاہ بعظم اول سکون ثانی نفع شین ہجرہ	تمینق الموحده
الفت و نفع موحده م آب حیات ست والد اعلم۔	نیمب کبیر اول سکون ثانی ونا سکون ثانی
نوزہ و نفع اول سکون ثانی نفع اول سکون ثانی	و موحده مشور آزاد و درخت۔
تمینق التھائے	تمینق الجسیم
نوی کبیر اول نفع ثانی ونا سکون ثانی سکون جیم ع	نیلیج۔ کبیر اول سکون ثانی نفع لام سکون جیم ع
نوی السلیج الکبالی ع استخوان ہیکہ کبابی خربک	عسارہ نیل ف نیلیج خربوق نال لسیج الیابا و رجب
ش یک شقال۔	تمینق الدال المملہ
تمینق الیاء تمینق الراو المملہ	نیلو ق کبیر ونا کبیر اول سکون ثانی نیم لام و واد
نوا ع نفع نوقانی ونا ونا نیم خرباق و نیم شنگوار۔	بجول نفع فاد کسار و سما نفع کاف نیم موحده سکون
تمینق الشین المجمعہ	واو ثانی و وال مملہ شمال ساک و سیند مہر

تمتیم الراء المعمله	ترقیم الواو و تمیق و تمیق الالف
نیل بر ذیل فرمایند بر ذیل و فرم بکمال سکون ثانی	واو بر او الف تم آس
و ضم لام و فتح موحده فارسی سکون را و محله درخت اول	تمیق المیم
بفتح فاء و ثانی هم فیم لام دو و اجوبول فتح موحده فارسی	واو نج و سکون نون ع عدیس
و سکون را و محله درخت سیم و فتح فاء و ثانی هم کرب الما	تمیق الدال المعمله
و بر ذیل ثانی و ثانی بر ذیل و سکون گویند کرب الما	واو بدینی بر او الف کسیم و سکون دال ملام لبلاب
گویند ی ۲ ق منوم سکون اد جاع و فتوی خیم بعد اد	والا ان خروشت بر او الف لام الف نون ع سیم
آسمان گون تازه و ثانی و ثانی کس بر ذیل	تمیق الف فارسی
خلمی سفید یا بنفشه گویند گل کبوسیت کبیارة ان	واو ف و م بلبل
بر چوب درخت تمیم به بالا و دوحه کواد و وحی	تمیق الکات
تمیق الفات	واو ک و ف جاوریت کین و زرگ اکثر ذکر آرا
نیشوق بفتح اول سکون و فتح ثانی سکون او و فان و ثانی	آب شنیدم داق
تمیق اللام	تمیق الکات الف فارسی
نیپال و فتح اول سکون و فتح فاء فارسی الف لام سی از بر آبا	والا ان بزرگ و فاه سولفت
نیل و سکون اول سکون ثانی و ثانی که عصاره وی را	تمیق اللام
نیچ گویند و شجری را عظام و ازان گسا زنده و بیانان	والح و م فوسه از مای فیلوس دارد
بکار بر نیش جای گویند یک معری ق قابض محففت	تمیق النون
خیمه که زود جل شود و الیوس ال مندل سرخ و کال	واو دیان کس و دال محله فم با دیان
تمیق النون	تمیق و تمیق الموحده
نیل من کبیر اول سکون ثانی و لام و فتح سیم سکون فم و ثانی	و بر الازب مع بفتح اول و ضم موحده و ضم رار
تمیق الواو	جمله و سکون لام و فتح الف و سکون او و محله
نیبو و سکون اول سکون ثانی و فتح موحده و سکون او و ثانی	و فتح نون و سکون موحده ثانی و ثانی
تمیق الراء	خرگوش طرح کس ق محففت
نیبو و سکون اول سکون	

ورق عرق بفتح اول سکون ثانی و تکیه بر یست زرد که	تمیق التماسی
در ولایت چین شش بهر سرد و گویند رنگه است که از مصر	ورق چینی عم کل نسیم
آورند طبعی است قاقلیس لطیف تر تازه سرخ کبر زرد	ورق فلی عرق بفتح اول سکون ثانی و تکیه بر یست زرد که
مصر فروند و گل بایو نه مانندش نمیدرهم عمل فلی	ورق الزدانی بفتح اول سکون ثانی و تکیه بر یست زرد که
تمیق انقاف	تمیق الزاد المجره و تمیق الککات
ورق عرق اول ثانی بزرگ و پاتخ از طرف اذان و از کون	وزک - و بفتح اول زای مجرم درخت با سرخ غریب -
تمیق الککات	تمیق السار
ورکاک و بفتح اول سکون ثانی م مخمر در خوار -	وزغ - بفتح اول ثانی و ثمین بهر نوسه از سالاسند
ورک - و بفتح اول ثانی و ثمین بهر نوسه از سالاسند	و گویند حر با و گویند سفید عمل اکرم صدف -
باشد زبان بامیان در غول سوزند و گویند کریمه -	تمیق الزاد المجره القاریه و تمیق الککات
تمیق اللام	وزنگ - و بفتح اول ثانی و ثمین بهر نوسه از سالاسند
ورق بفتح اول ثانی و سکون لام قهیم است و معتقد که درای	وزنگ - و بفتح اول ثانی و سکون لام قهیم است و معتقد که درای
معتقد است گویند معتقد در اول و ثانی و ثمین بهر نوسه از سالاسند	وزول - و بفتح اول ثانی و ثمین بهر نوسه از سالاسند
و سرن کوچک و ناله از او معتقد بر یک کشید و رنگ	تمیق السین المملکه و تمیق السیم
ورق و در لبه غمی ناکل و پخش درشت خشک و رنگه و زایل	وسج - بکسر و فم اول و فم سین مملک اشق -
سبز و زرد و سیاه و غیره پخش السطح سی قی لطف -	تمیق النجار المجره
تمیق السیم	ورق عرق بفتح اول ثانی و سکون تخانی و لیو -
وزرم - و بفتح اول سکون ثانی و فم زای مجرم آتش -	وزر و آن بناتی است که از کوه روید و بزرگ و بزرگ و بزرگ
تمیق النون	تمیق النون
وزر و ثمین - و بفتح اول سکون نون و کسر فغانی و سکون	ورق الاذن ع بفتح اول و سکون ثانی و تکیه بر چرک
تخانی و تکیه بر نون و سکون نون و کسر فغانی و سکون	گوش طح ح می ق محلل ملین -
در شان ع بفتح اول ثانی و ثمین مجرب و ثانی و ثمین	تمیق السار
مرغ آبی و گویند که بر تر و شستی است -	ورق الگوار ع بکون لام فم کاف با و او و فم فم و فم

<p>تتمیق الکھاف الفارسی</p>	<p>ہر ایک بھیم اول سکون فہم کات فتح تختہ از فہم خرواہولہ</p>
<p>ہر ایک بھیم اول سکون فہم کات فتح تختہ از فہم خرواہولہ</p>	<p>تتمیق النون</p>
<p>ہر ایک بھیم اول سکون فہم کات فتح تختہ از فہم خرواہولہ</p>	<p>تتمیق البسیم</p>
<p>ہر ایک بھیم اول سکون فہم کات فتح تختہ از فہم خرواہولہ</p>	<p>تتمیق النون</p>
<p>ہر ایک بھیم اول سکون فہم کات فتح تختہ از فہم خرواہولہ</p>	<p>تتمیق البسیم</p>
<p>ہر ایک بھیم اول سکون فہم کات فتح تختہ از فہم خرواہولہ</p>	<p>تتمیق البسیم</p>
<p>ہر ایک بھیم اول سکون فہم کات فتح تختہ از فہم خرواہولہ</p>	<p>تتمیق البسیم</p>
<p>ہر ایک بھیم اول سکون فہم کات فتح تختہ از فہم خرواہولہ</p>	<p>تتمیق البسیم</p>
<p>ہر ایک بھیم اول سکون فہم کات فتح تختہ از فہم خرواہولہ</p>	<p>تتمیق البسیم</p>
<p>ہر ایک بھیم اول سکون فہم کات فتح تختہ از فہم خرواہولہ</p>	<p>تتمیق البسیم</p>
<p>ہر ایک بھیم اول سکون فہم کات فتح تختہ از فہم خرواہولہ</p>	<p>تتمیق البسیم</p>
<p>ہر ایک بھیم اول سکون فہم کات فتح تختہ از فہم خرواہولہ</p>	<p>تتمیق البسیم</p>
<p>ہر ایک بھیم اول سکون فہم کات فتح تختہ از فہم خرواہولہ</p>	<p>تتمیق البسیم</p>
<p>ہر ایک بھیم اول سکون فہم کات فتح تختہ از فہم خرواہولہ</p>	<p>تتمیق البسیم</p>

از دست شخصی گرفته تمام میگردید و نیت نیت گیر ای آن جناب بخور و نه بعد از خوردن ملک خرم را و انما را طبعیت را مرقوم که
 به تحقیق حال دنیا نمائید بیکدیگر که تمام طبعیت است احوال سیرت خود یکی از ایشان گفت که مدت کی سال نهد بهت که مرا
 فقط از بهر سیده بود و نمی شد و است که من بهر باکت خود مردم جرم کرده بودم اکنون بخور و درون این سنگ آن تیری
 با کلبه بر طرف شد و دم گفت که مراد در مکر من بود و وی از آن لم ندمم از آن و این سنگ یک ساعت آن در درون
 از من نکل شد و سید است از درین خورد و زود نیا فتم شوم گفت که چشم من بسیار نوست و اکنون بخور و درون این سنگ مهر
 من قوت عظیم پیدا شد که در آن آن حالت چشمم تمام گفت که مراد در من صحیح بود اکنون بخور و درون این سنگ نمرود با کلبه تحت
 سبد گشت چشم گفت که مدتی از درون تو سالم بودم اکنون که در مطلقا از من نکل شد چشمم گفت که مراد در من سیرم بود و حال
 آن لم با کلبه از من نکل شده و درین نشاء و قوت چشمم تمام گفت که مدتی در سیرت که بر ساقین من قوت خفته بود و چشم
 سیده سخن از آن بجا که در آن کنین به آن پاک شده و خوبگی نمانده و من بدل شده و از گامی برای من بر می شد چشمم گفت که
 و با بهت که مراد در من عظیم حادث شود و اکنون بعد از خوردن آن چشمی آن چشمم تمام رسید که بعد از خوردن آن چشم خود
 گفت که آب یکساعت تمام نگذرد بود و من تمام گفت این شد در درون آن لایح بود و فعل شکست که در شریخ بارید است
 و برودت سلسله جمع و نفیست است چنانکه میبست و آب استاک و حفظ است این برود و منشت لایح از انتشار حرارت
 این خورد و در آن زمان که بعد از آن از ترشیا با کلبه منع فرموده اند و نیز در هیچ دانی بجا نیست مثل غا و بر و در وقت
 و غیر آن خورد و در هیچ قدم ترشی کرده اند و بهر یک با و بر با عقاید حکیم که اگر آنکه جوان ششتم که نارنج نمک و کربا بود و با
 خود وقت در درون بسیار با نماند و بهر ساینده و بر در ملک غم نماند و آمده و فریاد بر آورد که مراد در من بسیار بهر چوین آزاد و بر ملک
 رسید فرمود که نام این سنگ را و در هر فراد و چند پادشاه محله بران برین سنی پارس با سالت گویند که با و بهر سالت سنی
 ششست بران ای که اکثر استمال السنه بکار نشمارا یافته و مرکب فی و در سیرت در اختیار بدی گفته که خیر القری و سیرت
 و از آنرا قریب گفت اند و هیات با و در وقت و در از در و برین نیز باشد و بر یکدیگر طبعی است از در و دیوان هر یک که گویا
 مؤسست آن خوب نماند و اندک نیست و صاحب فرموده آورد که از فرسان که در زمان این صحبت پیر است و بهر سالت سیرت
 از شما نگاره و هیچ قسمی دیگر من نمیشود و در حال و برستان از شری با بهر سالت چنانچه که در خواست و درین زمان نماند این
 گوشتان را با باشد و من سیرت درم آب برین سنگ و حکم دی بسته گرد و برین سیرت را قریب طبعی که نماند گفته اند که
 زهر و وی باشد و آنچه حق است است که از شیر و در آن و با بنده نماند و نیز بود با اطراف بر و گویند چوین با نماند و بر
 در در یک باشد و این با بسودن معلوم شود و بقول اسطاطالایس الوان مجرا و بهر سیرت و بعضی از آن در و سیرت

ان غروب است بزرگ است که غروب است بقیه ای از اهل بیت برین فرست بعد از آن غروب است از اهل بیت برین
 فرست اندیم نظم است فائده و چند هزار بار در دفعه در پیش را وقت است تا به ششم و بیستم و این جمیع نقل کرد به است حیران
 از وی اهل با بند و از همه بنسب است از انجا خبر تبه که هر روز بخدا گشت صحیح و دیندار و سحر از قوم قتاله با و دینداران
 مفسر و عالم با و در هر حرارت است تا از هر دو شکی بر هم نرزد بخلاف مشروطیت و غیر آن چه آنکه نجاست تاثیر میکند صاحب
 جامع آرد و که نادیده بود معنی اطلاق میکند یکی بر هر چه که حادث بر چه کند دفع مفسر آن نماید با و سلم
 خاصیت که در آن چیز باشد و دیگر بر شکی فایده که باقی نیست دفع عموم دارد و بار دیگر که در باطنیت تا به حکیم عواد بن محمد شیرازی
 میگویی که آن سنگ که من دیدم اهل بزرگ می شنید بود و با وجود این شیه بود و اندک شیه شب یانی و در هر شب شیه
 چیز از پی دو امانت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت
 حجر التیسع و خواجه یگانه که در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت
 و تو بر تو شهادت پادشاه و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت
 زهر گریز نامت چون از آب از بانه بانه بر موضع اسع بوم طلائع اندازد و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت
 که در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت
 و چهار تو لجه بسیار دیدم و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت
 شش تو لجه از هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت
 آیین فل و زهر میانی باشد که در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت
 هزاران بار در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت
 خالصتیه شود و چنانچه بر جوبه هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت
 و کوی چنانچه در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت
 میگویند که من دیدم شخصی از بزرگان بود و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت
 بر آن موضع ایستادند که آنرا طلائع آن میرسد و حال بدین خودی آمد و اما شخصیت یافت بعضی را اوقات شخصی را
 ما که دیده بود و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت
 بخور نش و او در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت
 انیکه شاد چون شیر بر سنگ بایستد و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت و در هر کجای بقوت

بسیار شمشاد اگر که در آخر سرد و از حبیبان پس شمشاد بخت نبات با شمشاد قریب شمشاد با شمشاد نبات
 فرمایند اگر که گیاه نبات شمشاد است و از حبیبان پس شمشاد بخت نبات با شمشاد قریب شمشاد با شمشاد نبات
 باشد قوت حرارت سرد و از حبیبان پس شمشاد بخت نبات با شمشاد قریب شمشاد با شمشاد نبات
 اقل حکیم حماد الدین محمد و سید از حبیبان پس شمشاد بخت نبات با شمشاد قریب شمشاد با شمشاد نبات
 چنانکه آمده بود و از حبیبان پس شمشاد بخت نبات با شمشاد قریب شمشاد با شمشاد نبات
 چون از حبیبان پس شمشاد بخت نبات با شمشاد قریب شمشاد با شمشاد نبات
 قریب شمشاد بخت نبات با شمشاد قریب شمشاد با شمشاد نبات
 اگر از حبیبان پس شمشاد بخت نبات با شمشاد قریب شمشاد با شمشاد نبات
 بید شمشاد بخت نبات با شمشاد قریب شمشاد با شمشاد نبات
 کرده اند که در اصل از آن نفی تمام حاصل شود و دیگر پا در حبیبان پس شمشاد بخت نبات با شمشاد قریب
 سفید شده و از حبیبان پس شمشاد بخت نبات با شمشاد قریب شمشاد با شمشاد نبات
 مجموع این از حبیبان پس شمشاد بخت نبات با شمشاد قریب شمشاد با شمشاد نبات
 نباتا فرو برد و کلاب گرم کرده با عرق بید شمشاد نباتا فرو برد و کلاب گرم کرده با عرق بید شمشاد
 با عرق بید شمشاد نباتا فرو برد و کلاب گرم کرده با عرق بید شمشاد نباتا فرو برد و کلاب گرم کرده با عرق بید شمشاد
 احتیاج افتد که بید شمشاد نباتا فرو برد و کلاب گرم کرده با عرق بید شمشاد نباتا فرو برد و کلاب گرم کرده با عرق بید شمشاد
 یا قوت ربانی حاصل بخت نبات با شمشاد قریب شمشاد با شمشاد نبات
 مصطفی و نیمه از حبیبان پس شمشاد بخت نبات با شمشاد قریب شمشاد با شمشاد نبات
 بنوشته و قریب بخت نبات با شمشاد قریب شمشاد با شمشاد نبات
 شیرین جوارش و در حبیبان پس شمشاد بخت نبات با شمشاد قریب شمشاد با شمشاد نبات
 یکم فته در شامه آن از حبیبان پس شمشاد بخت نبات با شمشاد قریب شمشاد با شمشاد نبات
 دیگر با اتفاق حکما تا آخرین مرتبه شده فاد زهر شمشاد اگر که شمشاد بخت نبات با شمشاد قریب شمشاد با شمشاد نبات
 مصطفی و نیمه از حبیبان پس شمشاد بخت نبات با شمشاد قریب شمشاد با شمشاد نبات
 شمشاد را خشک کرده با کلاب سرشته حبیبان پس شمشاد بخت نبات با شمشاد قریب شمشاد با شمشاد نبات

وتم بالنگو باشان نامیو تا و ترویشات عموقات پرنیز کنند کینه قبل اند و کینه میدار و وزیر از مباشرت و فتنه پدید
 اجتماع است این دو اند عالم باصلوب بیان سبب بجه رسیدن موسیائی منتقل است که بنشیند از ملک اداگان و وزیر
 افریدون در شب رابع بر وفارس که نام فوس است بشکار بر آمدند با گاه پرنیز رنگی را پدید بردند و آن پرنیز خورده
 از فتنه آنما نیت شایین انکه حبسند نشانی در شش یافتند پس از بخت دیگر بیان هر زمین میانه حبس آن پرنیز و
 انسا تا این رسیدند که حبس آید روست آب آن کعبه بر آید و آن میانه نیز خورده را بر حاصل آن چشم یافتند تیرگی
 پهلوی آید بر آید بود و بدند که بجانب پست او باز گشته است باندا که او بنشیند بر امانت اندونش مطلق است مل شده
 از خال تعبیه رسانیدند کسی پیش ملک فریدون فرستاده او خست مال خبر دادند ملک جماعه را که و عوام طبعیه با هر دانا بودند
 جسته متفلس را بنواخته تفریق نمود و آنجا ملک آن موضع رسید نفس یافته نمودند و هر چه بر کرد آن ملک کنار آید بود
 از موضع پوشیده و جمع کرد و در بر اجتماع و گفتا و مصاحبه استخوان آید از دند فایست مع النفع یا فتنه ازین
 و حال ملک فریدون آگاه یافتند ملک حکیم علی بن اطلاق مجا آید که چندین بایق برین نیکی و سیاه نافع و در زمین بر
 کار آمد و فرمود که بران فادار که نهادند و غنی حاصل دند و پیش از این بر یک شکل نهاده ساخته نصب افتاد آید
 که در گذران در افراده و در میانی باز از دعوات و شاه پیرفت که اعصاب حکام باشند و موگر و اندیشه تا بدین موضع
 هر یک که خرد بدان رنما و ناسال دیگر ستفطان صاحبان خرد بدان موضع میر و دند و آن که بخت او ایشانش و پیش
 و هر چه موسیائی حاصل شده با بخت و آیدان بر نند و باز از انجاء محوم ساخته بخت ملک پرنیزند و اکنون نیز سبب با حفظ
 و ضبط است مالی بود که مدرم حاصل شود و مالی بود که کمتر ازین به تسویه موسیائی این چشمه بر کن رودی است که مالی
 مسود است و در زمین شش و مالی نام آن به باین تسویه موسیائی خوانند و چون موسیائی را با و نه هرات بزرگ است و در
 شش بسیار و ملک باوسان بر ملک بکر بر و چه فرخ می کنند و اول به و دند دیگر موسیائی و دانی مفرد است که قائم مقام هر
 بخود و هر گاه با هر کسی ترکیب میکنند قوت اولیاده زیاد شود و آن چهار نوع است مالی در که و فارسی و نه هرات
 هم بر آید آن جا و فارم میگیرند و در هر سال قطع یا چاه قطع هم میرسد بر شکل بان گاودا کنجا مگا بهان ملک میباشند
 و بعد از سه ماه اندرون غنای میر و دند و دیگر نند و باز و شش محض میباشند و حال آن غنا عیسیا بسیار است که موسیائی بیرون
 می آید و بدین وقت حجر از ولایت موسی آید از خال شهر دند و جبال اگر او این می از مشرق ضعیف از معدنی است
 و این اصل از سنگ بیرون می آید و نافع است از جهت این که در ارام بلغمی و غنای دیگر از موسی یافتن باشد و معصوم باشد
 که از نافع است جهت جد که از بر و واقع شده باشد نیز نافع است چه ضربه قطعه چون نیت بهمانند و مشرقی که مشرق است

درجه اول است بدستگاه بدین می آید و دیگر چون برین پنج قوت فسادت بقایست مثل غزو و حرکت از فعال تا غیر حرارت
پس باید که حرارت را از اول مرتبه درجه اول تا دوازدهمین درجه و اینکه حرارت را از اول مرتبه تا دوازدهمین درجه و اینکه حرارت را از اول مرتبه تا دوازدهمین درجه
و یکبار در غیب مقرر می شود و هر دو یکبار حرارت را در درجه دوم یا نزد دیگر در یکبار را باعث مقرر می شود اما در طریقت
اگر بنا بر تاثیر او در اهرافس و او را در اهرافس علامت معتد می باید که در باشد اما بنا بر ظاهرش باید که اگر از او فرزند
بیشتر از درجه اول تا سیست می تواند بود که بی پایه می شود با او با وزیر حکم عماد الدین محمود و گوید که با حرمت که در سیست
تقلیل شده بود و طبع صاحب آب بسیار است و منکسر و در طریقت کامل کرده و می تواند بود که جبهه همین در طریقت تا فی
تمام با بخلاف حرارت که با وجود کسار او بر دست آب با کلمه منطفی نمیشود و معقود برخی از تا آخرین درجه است که گرم
تر است در درجه دوم و جهت هر دو اینکه در طریقت باشد در وقت حمت خواه بفرمودن جیل سالگی رسیده باشند یا نه باشد
ناقص است یا نه می شود در منطفی آن یک از غیر می که در علم طب مارت تمام است بگویند سیده که بچندین طریق می شود
استمال نمود و اثرهای خورشید به که در نخستین دفعه مرقی که مناسب است و توجه که که آنرا مثل مندل یا می تواند بود که
نصفه است اما باید که در با شیوه نبات و گلاب بقدر حاجت یکدگر از مقدار نیمه در اهرافس تا شصت یا نود در امتحان جودت
و مختار آن بهترین چوبی است که سرخ و سنگین باشد و سفید اگر چه در طریقت فایده نکین تر می باشد اما در امتحان
مختار است چون اولالت بر فایده نرسیدگی دارد و آن سرخ باشد و باید که میانه با کوزانگی و کنگری چه درین
زمان در طریقت فسادت که موجب آنما حرارت غیر نیست کم می شود و حرارت غیر می شود و تمام سید یک حکیم عماد الدین محمود
نیز برین تصریح نموده و سنگین کم کرده و طبع ظاهر برابر باید چه آنچه بر فلات است با کوز زمین کم در طریقت فسادت و خشکی
بر فایده شده و یا یکمال شود رسیده و طبع و آنچه غالب از محسوس است و در مقدار منکسر مثل کافور و بنزد آب یا
در گرمی آتش و غیره و چون شکل و نم و در برابر و دلیل اینها ظاهر است قسمی بر آنند که با وجود در برخی سنگینی نشان گر بسا
از کوبیا باشد و حمت بسیار از کوز زمین نزد یک تر است بهتر است باید که فو باشد و علی الخصوص از کوز یا کنگر شده باشد
و سفید از با شمر و طبع دیگر نیز با فسادت دارد و قوت نفیج قسم اول الفع است و در نصفه چوبی بریزد رنگی باشد سرخ و سفید
از کوز و سیاه و بهترین سنگین شیرین و زردی که سفیدی از کوز بعضی زردی که کسری از کوز بهتر و از کوز آن را جاب
خطا بکاشتر می آید و از آنجا بهتر و بی آرامی آورند و قوی از آن از جانبی بر باد می آید که سبب در سوزنی او نیز
از آنجا بران و در فاسان از دم می برند اما بخواهی کاشتر نیست و بعضی سفید را بهتر می دانند و نزد کما از رنگی که بهتر است
در فایده خود رسیده است و آنچه سیاه است غالباً آب دریا و یا در استیسیا از و اصل نیست چون درین بحث

رطوبت تغذیه بسیارست رطوبت فسیله رطوبتیست که در جواهر و اجزاء باشد و مجاری حسیه اجزاء باشد و مجاری حسیه
 قوت او در جای که از رطوبت بود و نم خالی باشد و فی الجمله میبست و در هوا او بوده باشد مثل کوه یا یا بواسطه آنکه حرارت
 و بیست و نواضع رطوبت فسیله است و او را از رقیقه فوسه در زمین که بخلاف او باشد خصوصاً در زمینستان می باید
 که شکر کال بر و گندم شسته شود و در قسینت قوت او در زمینستان همین مقدار که فی سبب این قسینت است انیست که او را از زمین
 را به طعم و قسینت می فسلط نموده باشد و او قاتل استمال آن بحسب اوقات حصول نزد و جاعه چون مزاج ارجح و رطوبت
 پس آینه ساسه نماید و منافعی این مزاج کسائی که در آخرین شبان را اول کسول باشد و بیشتر در این خصوصها برگاه مزاجی
 آن به برودت است که بهر چه اصل مزاج و چه بحسب بن اتصال اینها از این دو اتم و بالغ است شلایخ را قوی استمال
 این و او مجوز است مزاج انسان از رطوبت غریبه که لازمه این سبب است فی الجمله تخفیفی داشته باشد و بیست و بیست و بیست
 که وقت شیخوخت تصور باشد و از این معلوم شد که بحسب مرقع وقت شیخوخت فایده بسیار از این مرتب است و الا با وجود کثرت
 غریبی اگر رطوبه بوده باشد بهر نوع است و در مزاج صفادی چون اصلاح بیست آن میکنند حرارت او در استمال حدت و سورت
 فردی نشاند و قریب با اعتدال می آید و در این رطوبت فسیله بسیار است و اطفال را از استمال این و چندانی نداشته
 بلکه نیم نیست به حرارت غریبه اینها منور رطوبت غریبه است فتنه که رطوبت این ریح نیز علاوه آن شود و عمل است که حرارت غریبه
 منفرست شود که تدریجاً آن شسته باشد و هر اقصی منزه عادت شوند و بلیغ مزاجان را نیز خالی از غریبه نیست بلکه فرد و بسیار است
 خصوصاً و فسیله رطوبی باشد به حرارت فسیله این مزاج در مزاج آنها تأثیر میسوزاند که در و از رجه رطوبت فسیله بسیار است و قوت
 و دوسه مزاجان را اگر در حالت صحت است و بهیست که باین بحسب استمال نمودن آن خالی از خطر و غریبه است اما
 هرگاه مزاج اینها از اعتدال منحرف شد بهر دو نمودن بحالت اول بسیار و دما و ن خواهد بود و بهر حال در اوقات
 بحسب حصول وسط بار و اقل خرفه طرفین ایستادن و وسط ایستادن میان خرفه است اما آن در زمینستان خوب است
 در قد شربت آن انجیر از نسجه که اطباء از نسجه رطوبت فسیله استمال نموده اند و در شربت آن اختلاف بسیار شده و بیشتر
 حد شربت شفق است روزی که شاند بهر روز شربت شفق است و بهر روز شربت دیگر میسوزاند شفق است و بهر روز
 بکار میبند که هر روز با نروده شفق شربت و انجیر افضل است و از دو حد شربت شفق است شفق است و بهر روز
 میجو شاند که بهر روز قد شربت شربت شفق است و بهر روز شربت شفق است و بهر روز شربت شفق است و بهر روز
 وزن مذکور را در یکین آب نوزن می که حد شربت شفق است و بهر روز شربت شفق است و بهر روز شربت شفق است و بهر روز
 و شیفقا فایده عماران و بهر روز شربت شفق است و بهر روز شربت شفق است و بهر روز شربت شفق است و بهر روز

جو شانه و بطریق تو به یا شانه نو عددی که سفوف منقول از حکما و از رنگ جو بی کشتال مستطیل که شش یا بیست
 کشتال سفوف ساخته بخورند نو عددی که اصل شش بخورند نو عددی که از آن بادندان چاییده بخورند یعنی ایدیم که
 میگفت مکرر است که هر روز با این طریق بخورم تو تمام در خوردن شاید بکنم و قویست منافعی بسیار میگفت که نه اسم
 نو عددی که بر آب آن بسیار از این نیز نافع است شش یا بیست که تمام دارد نو عددی که بر ق این است؟ این چنین کشته بخورند نو عددی که
 قویست جو بی چینی یا دانه آشیره نبات و شیر و گلاب قیادام آورده بخورند غلبه نباتات غلبه کرده بداند از آن که حرارت شری را خنک
 کند شده باشد بر سرزند و با شیر بر سر زنده بداند از آن که جو بی چینی در آن بپزد و برنگ زده خمیر ساخته اقوام سازند و از آن که بر
 بقدر و و نیم تو که جو بی چینی خنک کرده بدیند نو عددی که طعم او جو بی چینی پنج سیر که فته و نیمه سوزنجان هری یک نیمه تو که در
 و این چنین از هر یک و نیم تو که از آن که طعم او جو بی چینی پنج سیر که فته و نیمه سوزنجان هری یک نیمه تو که در
 و نیم سیر اصل همان نموده بر آن نیمه جو که بر سرینش داده و نیمه مذکور همان ساخته بخورند بداند از آن که در بوی
 بخورند و منزه از افعال که در خمیرین است آنک که شکفته و غلبه و یک تو که از عطران افعال کرده و شکسته را چمن بدو فرو آورده و در بوی
 ریزه نبات باشد چمن نمایند بداند از آن که در شش و بطریق شکسته یا صلب بریده بکار دارند و هر روز ناشتا مقدار یک نیم
 مرغ تناول نمایند که لذت سودمند است بی غریبی آورده و نامحیدنی که ساینده زردی و گردانند بسیار سودمند است و تولید
 خون صالح میکند و در آن خوشبو بسیار و در بخورند نو عددی که سر و او دو ماست جو بی چینی را که کشته و فلفل ریزه و ریزه کرده و فلفل
 پخته پان نمایند در حکما معده این شیر بخورند و شربت آن دو شیر و تا چهار شیر نو عددی که پخته و در وی یک شیر کرده بر سرین
 آن دیگر یک بار یک بسته و جو بی چینی را بقدر نیم فلفل که کرده مانند فلفلوس بر آب کبابا پخته مذکور کشته بر آب لیمو
 پیوسته و تمام شب بخورند آن یک سیر که اقل میگذازند تا بخار رود و آن جو بی چینی مذکور بر سرین لیمو اصل جو بی چینی مذکور ساخته
 شکسته از دودق و دق ساخته شربت گلابی که در آن عطران قاقله و مورد و عنبر خنجره باشد بپزد کرده و در شیر و پان بقدر که
 بانه و فلفل نه را چیل نمایند و بداند از آن که شش که پاس بلکه بیشتر غذا تناول نمایند بدین میوهال تا چهل روز مداومت نمایند
 اگر شیر از چیل روز بخورند نیز مفید است هفت سیر اما اگر بر سرین از جمیع و شری کنند آب خواهد بود و در هر گوش استین آب
 گرم شستن مطلوب نیست نو عددی که شربت را و قوت و باغ و دل و جگر و هر دانه خارج و در دو مصلح در بود و فلفل
 که از غلبه بلغم باشد نماید و هر که از مردم گزیده باشد تو که از این عرق خوشه اصل از هر او که از کانه اگر شش تو که
 نبوت احتمال دارد که هیچ زهری دیگر اثر نماند که در تمام باز دید کند بی مقویست عرق النساء و قویست و شش و خدر را
 هیچ بر کند و صفت آن شش میان شش سر و شش میفان و هر سیر و شش را چینی از هر کدام ربع ریزه نماید و شش

که اندر عینه تجویز نموده است و در مرض مزمن بخانه از یک کر قنن تمام بدن را بضمه با قوت بیشتر زانچ و اندر بعد از فراغ ناهل روزها برین و اینتر واجب است و اولین روز و از دوه روز تا پانزده روز و از پانزده روز و غرض بر سر طبع است هرگاه آب عنبه جهت شرب تا نماند و عنبه قلیل باشد قلیل از او بجا نشاند و یکبار در روز شرب می نیز شربت است که سرد نباشد و اگر با کلاب ممتنع کرد نه نشاند نیز است بخون عنبه جزا امر امن الحقی موجب قوت باضمه و کمی است که بسبب لطوت عارض شده باشد بجز است هفت آن با عنبه عارضی از سر یک به متقال و تجبیل قنن میل تا فاکه که از غفران از سر یک کینفقال عنبه بخانه متقال کوته عنبه باسل مقوم که در بخت متقال باشد بخون کنند و صبح شام با کلاب استمال کنند و قدر شربت است هفت قوت مزله از دو متقال تا چهار متقال نسجه و دیگر تالیف موافق است و در مفاصل آن شک بر له اخراج مواد سوداوی و طبعی به نظیر هفت آن بلیله در چهار درم بلیله کابل پنجم درم بلیله سیاه پنجم درم آله درم شامه پنجم درم شامه که ده درم عنبه قرنی سه قولا عمل سفید درون دیر بدستور بخون سازد و مقدار او را یک از هفت باشد تا یک قولا و بسبب بهر ساینیدن آنجا که کم تر از آن بندی بجز عنبه گونی ضعیف موحده و ضم حجم به کون او همان ضعیف موحده باقی بخار از سکون نون و کاف فارسی درین جزو زمان برود کرده و افازر طور رش در بهند نه باسی طبعی خست عرش آسمان جلال الدین محمد که با و نشاء است و این ای او رنگ نشینی خست مکان نورالدین محمد با کیک با و نشاء که سال یکبار و چهار و هجری باشد و بیشتر از جانب رنگ درین دیار آمده و اکنون از جمیع اماکن بندرستان گشت کار او میشود و از کباب کشیدن خال شکار که در گذشته شغوف و مرغوب جانیان گردید بطبع آن که حار و است بعضی برانند و هر آن یا نیست و هر است قول حکیم علی گیلانی و گویند که از مسموم قتاله است و در خال شسب ناریت حار یا نیست و مزج مکرر عواصن قوی است و محلل سخن جمیع اعضا و منسخت در مخرج هر عضو که در طوبت بسیار باشد نافع است و مزاج معتدل در مغز است و جوهر یک از اکثرت رطوبت باشد تحلیل آنرا مایع است و در حده که در طوبت بسیار باشد تحلیل آن بیناید و اعانت هم میکند و صفت بعد از آن به یک تمام و رطوبت یا بخار باشد سود کند و کمال نفس که بسبب کثرت بلشت باضمه است یا شش یا بسبب کثرت قنن یا بخار یا شش یا به مایع و در مزاج هر عضو که بیست زیاد از قدر حاجت باشد بسیار مفسد است جز در صورتی که بخار و رطوبت زیاد از مقدار ضروری باشد تحلیل آن میکند و بهار است می افزاید و آنکه از مقدار ضروری کمتر باشد زیاد باشد نقصان تمام دارد و در طوبت که در رطوبت در تحلیل میدهد و بخاری خشک میکند و افان قوت جاوید کم میشود

از کیموس باز میماند و شکلی و در شری جلد نهال بدن هم میرساند و بسبب تپش و شخوفت میشود و احوال چند
پیدا میکند که علاج آن معتدل و معتدل باشد و در تپش میگفت که شش را قوی ببرد قریب به نصف شش پیش می آید
و هیچ ذره در آنوقت حاضر نود و نزدیک مردن بود و اجابت دادم که تنباکو بکشد و دو آن فرو برد و باندک
استعمال منفعت ظاهر شد چون دوفی ذاتی محلل است پس دوا و غیر محلل قوی بجای تنباکو یا شال این مرض
سکارا و می کنند و هر نفعی که از تنباکو است آید از هر دوی آید و چون کما سخن و محقق است و مفتح اند پس اگر دوا را
که تعلیف کبد و دماغ و معده و سایر اعضا قوی مناسب باشد بکشد یقین که با اعضا مذکور و نه کمر میسازد
و از ضرر تنباکو محظوظ است و اندر عجز بر تفل میگرد که شخصی استقاد داشت که از لبکه و دوز در معده او دار و شکم بود
چنان ضعیف گشته بود که هیچ دوا را قبول نمیکرد و فیه بعد از فکر بسیار باین طهر شد که دوائی درین مرض
استعمال میشد و مقدار آنرا ده مشت اضافه کرده دوا آنرا در برگ تنباکو بکشد فیه عظیم ظاهر شد شیخ اریس
در همان جهت دفع اسهال بحال مزمن فرمود که زراوند و مسکه و باز در هر کدام یک مشت استعمال با شکر و زنجبیل
ترکیب کرده و بار و غنیمت گاه و غیر کرده و بسیار خسته و دوا آنرا بکشد این تجربه بر رسیده که همان جنبه کرده دفع مسکه
کمن میکند و عجز بر تفل میکند که شش را از زهر و فتنه چشم بسیار ترش کمر شد و بود و خیال میمطلقات از حسن و عیال
بر افتاد و بود پس از غمده بعد باوریدم و دیدم که کتابت میکرد و از آن عزیز استفسار انیمینی لیدر اتم کرد
بر رسیدم و اول سخن داد که یک مدتی برگ تنباکو را بزرگ بنمایا که او را در فارسی بنجاکشت گویند و شکافه یا لایق
تنباکو کشیدم از خاصیت آن الله تعالی بینی فی کمنی ز رانی داشت و این از عجایب هزار است و نیز بجز
در یافته شد که مسلح تنباکو بجز شیرین باشد که لیدر از بنوشد و ولیاقت نکند هرگاه پاره بد و متبا که رنگ پذیرد و
شیر آنرا متراکان زد و دوا این تجربه را تم رسیده و جوی برگ کله بنواد و او را بپزید شسته میخواند لیدر از آن
بکار میبرد و گوهری با سر که جو شایند بکشد و برخی با قدر آینه استعمال میکنند و فرقه باب فیه شسته جذب
ینمایند و جماعه قدر سه کاغذ بر او افروخته بکار می برند و این گردیده روشی است همچنین است اگر دوا را
از کباب چینی و در پیش داخل ساخته بکشد و اذوق آنکه هیچ منفعتی دل باین ابتلائی دفعی آخر الزمانی
نمیدارد و بتلائی چینی غایب ناگهانی نگردد و هیچ آفریده را نشود و خوردنش نسبت ای فریاد است و فریاد